

مجله الکترونیکی

سفر نویسان

Travel Guide Magazine

شماره ۲

اسفند ۱۳۹۹



ویسگون
WISGON

کمیته تعاون و کشاورزی ایران
Iran Chamber of Commerce, Industries, Mines & Agriculture

ویژه نامه عید نوروز
توسعه پایدار گردشگری



ویسگون
WISGON



قطب نورد ایرانی،
مدیر ماجراجو



ویسگون
WISGOON

fast
powerful
private
free
secure



فیثق
Ambassador of Love

شرکت حمل و نقل بین المللی گیٹی رسان کالا

با ما راه رسیدن به موفقیت در کسب و کارتان را تجربه نمایید

شرکت خدمات بار هوایی گیٹی رسان کالا با بیش از ۱۵ سال سابقه ی مستمر در زمینه ی حمل و نقل هوایی در اقصی نقاط جهان، با تمرکز در حوزه حمل هوایی و گسترش نمایندگی های خود در کشورهای چین، امارات و اروپا و همچنین با داشتن بزرگترین و حرفه ای ترین تیم ترخیص کالا و فضای اختصاصی در حوزه ۲ فرودگاه امام خمینی (ره)، قادر است علاوه بر حمل کالای شما بصورت اکسپرس و کارگو، با توجه به تجربه خود، خدمات ترخیص کالا را نیز در کوتاهترین زمان انجام دهد.

برخی از خدمات شرکت گیٹی رسان کالا شامل:



انجام سرویس های حمل
مستقیم اکسپرس و
کارگو



ترخیص حرفه ای انواع
کالا (سرویس ترخیص
بار اکسپرس به صورت
مستقیم)



بسته بندی حرفه ای و
تخصصی حمل هوایی
انواع کالا



حمل داخلی کالا در
ایران و سایر کشورها



پست سریع هوایی کالا
(واردات و صادرات) به
تمامی نقاط دنیا

حامی رسانه ای اهالی سفر

Traveller s Media Sponsor

www.safarnevisan.ir



باشگاه

فرز نویسان

هزینه عضویت سالانه در باشگاه سفر نویسان ۱ میلیون تومان

- استفاده از خدمات و محصولات سفر از برند های حامی باشگاه ویژه اعضا
- تخفیفات ویژه مناسبی حامیان باشگاه تا ۵۰ درصد ویژه اعضا
- تخفیفات ویژه یک ساله حامیان باشگاه تا ۵۰ درصد
- برگزاری دوره های آموزشی در حین سفر ویژه اعضا

مجله اینترنتی سفر نویسان با ایجاد باشگاه مشتریان با هدف برگزاری رویدادها، تورهای آموزشی و تفریحی و حمایت اعضا در شبکه اجتماعی اینستاگرام از علاقه مندان دعوت به ثبت نام در این باشگاه می نماید.

جهت ثبت نام به سایت سفر نویسان، قسمت باشگاه سفر نویسان مراجعه فرمایید.



safarnevisan.ir

صاحب امتیاز، مدیرمسئول و سردبیر:

آقای محمداسماعیل ارجمند

هیئت تحریریه این شماره:

خانم شراره موحدی، آقای همایون ارجمند، آقای

محمد اسماعیل ارجمندی

روابط عمومی:

آقای همایون ارجمند

ویراستار:

خانم شراره موحدی

صفحه آرایی:

خانم نازنین آقاسی بیک

راهای ارتباطی:

اینستاگرام: safarnevisan

واتس اپ: ۰۹۹۰۳۰۸۱۰۰۵

تلفن: ۰۲۶۳۴۹۱۳۸۴۱

سایت: www.safarnevisan.ir

با تشکر از حامیان معنوی این شماره:

آقای صالح میرزا آقایی، بازیگر سینما و تلویزیون

آقای قربانعلی ذرقانی، پیشکسوت و صاحب امتیاز و

مدیر مسئول مجله صنعت حمل و نقل

آقای محمود مختاریان، پیشکسوت و مدرس روزنامه

نگاری

آقای همایون ذرقانی، صاحب امتیاز و مدیر مسئول و

سردبیر مجله سفر

آقای دکتر حسین رضایی، ریاست مرکز نوآوری گردشگری

آقای مهندس علی اکبر عبد الملکی، ریاست کمیسیون

گردشگری اتاق ایران

آقای مهندس عباس نیکزاد، دبیر کمیسیون گردشگری اتاق

ایران

آقای سید محمد کاظم خلدی نسب، دبیر ستاد خدمات سفر

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

آقای دکتر حسین ناصری، مدیریت باشگاه مدیران ماجراجو

پاآقای مهندس مصطفی معماری زاده، مدیر عامل اپلیکیشن

ویسگون

آقای مصطفی ارجمند، مدیر عامل شرکت توسعه

تدبیر تیوان

آقای عرفان فکری، تورلیدر و مدرس طبیعتگردی

آقای بنیامین رضایی، تورلیدر و مدرس جهانگردی

آقای عماد تفضلیان، تورلیدر و مدرس طبیعتگردی

آقای کامیار پادپا، تورلیدر و پژوهشگر

آقای کامران کشیری، مدرس و پژوهشگر فرهنگ و زبان های

باستان ایران



ماهنامه اینترنتی سفرنویسان

فهرست

- ۱۳..... سرمقاله
- ۱۸..... نگاهی به کتیبه های کردیر موبد.....
- ۲۲..... گردشگری و توسعه پایدار.....
- ۲۴..... توسعه پایدار گردشگری.....
- ۲۶..... ضرورت مدیریت سفرهای نوروزی به جای جلوگیری آن.....
- ۳۰..... مصاحبه با آقای علی اکبر عبد الملکی.....
- ۳۶..... مصاحبه با آقای عباس نیکزاد.....
- ۴۰..... مصاحبه با آقای مهندس خلدی نسب.....
- ۴۴..... ژئوتوریسم چیست؟.....
- ۵۰..... آرامش در طبیعت.....
- ۵۲..... بومگردی با مستانه.....
- ۵۴..... سفرهای بابک.....
- ۵۶..... گیله مرد در مسیر جنوب.....
- ۵۸..... دودکش های جن یا هودو در استان زنجان.....
- ۶۲..... دریاچه ارواح.....
- ۶۶..... سرنامه اصفهان تا بوشهر.....
- ۷۲..... مصاحبه با دکتر حسین ناصری.....
- ۸۰..... سفر به ته دنیا؛ آفریقا.....
- ۸۴..... سفر جاده ای شرق تا غرب آمریکا.....
- ۹۰..... تحقق رویای کودکی در دنیای دیزنی لند.....
- ۹۶..... یادداشتی از بازیگر.....
- ۹۸..... ایالت اودیشا.....
- ۱۱۰..... معرفی راهنمایان گردشگری.....

سرمقاله

محمد اسماعیل ارجمند

مدیر مسئول و سردبیر



دنیا تغییر کرده است. رفتار انسانها روز به روز در حال تغییر است. پیشرفت دنیای تکنولوژی نیز فشارها و تهدیدهایی را برای زندگی انسانها ایجاد کرده است. امروزه صنعت گردشگری در حال تغییر و ارتقا خود است. این مهم در هر کشوری به فراخور زیر ساختها و اهمیت آن دستخوش تغییراتی شده است.

صنعت گردشگری ایران در سالی که گذشت در گوشه رینگ در حال مبارزه با کووید ۱۹، از نفس افتاد. اما خود را به راند بعدی رساند. سال ۱۴۰۰ راندی برای این صنعت مهجور شده؛ این سال سرنوشت ساز خواهد بود. در این بین اقدامات فعالان این عرصه، اگر چه با فراز و فرودهای بسیارمواجه بود، اما روزنه های امید دیدی می شد که شاید باعث جان گرفتن مجدد این عرصه و غلبه بر شرایط باشد.

در شرایطی که ویروس کرونا باعث تغییر سبک سفرها شده است، نسل نوپای گردشگری با همت بلند به سمت ایجاد زیر ساختها و برنامه های بلندمدت در راستای گردشگری مجازی حرکت کردند. ایجاد شرایط مناسب برای بازدیدهای مجازی و همچنین ارائه اپلیکیشن های سفر و رونمایی از آنها در نمایشگاه بین المللی گردشگری و صنایع دستی نشان دهنده تیزهوشی این نسل نوپا است.

در کنار این مهم مسئولین کشور با تمرکز بر استانداردسازی و ارتقا کیفیت های این عرصه و با ایجاد تفاهم نامه های هدفمند در بخش دولتی و خصوصی قدم های مهمی را برداشتند. این اقدامات در راستای توسعه گردشگری داخلی و سپس جذب گردشگران خارجی، آن هم در شرایطی که کرونا ایجاد کرده است، می تواند اقدام موثری باشد. اگر چه با تغییر دولت در سال پیش رو باید گفت شاید دولت جدید سکوی پرتابی برای این صنعت و یا بلعکس شود. دغدغه ای که همگان با شک و تردید به آن نگاه می کنند و منتظر سرنوشت آن هستند.

از طرفی فرصت شناسایی شده توسط برخی مسئولین بخش خصوصی نویدی دلگرم کننده می دهد. گردشگری هنری، که تا به امروز در این صنعت حرف چندانی برای گفتن نداشته است. با تمرکز بر این شاخه گردشگری و ایجاد استانداردهای لازم و البته ساز و کارهای مشخص، همچنین حمایت بخش دولتی می تواند آرزوی بسیار زیادی برای کشور داشته باشد. استفاده از مجموعه داران خصوصی ایران با تمرکز بر گردشگری هنری و استفاده از مشاهیر و مفاخر این سرزمین می تواند دریچه ای نو و بکر را بر روی این صنعت بگشاید. به تفعلی به حافظ :

«گر چه راهی ست پر از بیم، ز ما تا بر دوست رفتن آسان بود ار واقف منزل باشی»

در این میان نقش راهنمایان گردشگری به عنوان خط مقدم این جبهه البته با حمایت های لازم و آموزش های مشخص و با استفاده از بستر وب را نباید فراموش کرد. راهنمایان گردشگری در سال گذشته آسیب پذیرترین قشر صنعت گردشگری بودند که اگر زیر ساخت مناسبی برای گردشگری مجازی و همچنین توره های خصوصی با رعایت پروتکل های گردشگری ایجاد شود، می توان گفت به یک زنجیره تولید درآمد و جذب ارز می توان دست یافت. سال ۱۴۰۰ را می توان سال نبرد نهایی مبارزی به نام کرونا و صنعت گردشگری توصیف کرد. حال تغییر دولت می تواند نقش تعیین کننده ای در این نبرد داشته باشد و گردشگری مجازی، گردشگری هنری، استانداردسازی، توسعه پایدار گردشگری و در نهایت حمایت از راهنمایان گردشگری همگی می توانند اکسیری برای جان گرفتن صنعت گردشگری در این مبارزه باشند. با آرزوی سالی پر از سلامتی و موفقیت برای همه هموطنان به رسم سال نو، سخنم را با شعری از خیام به پایان می برم:

بر چهره ی گل نسیم نوروز خوش است
بر طرف چمن، روی دل افروز خوش است
از دی که گذشت هر چه گویی خوش نیست
خوش باش و مگو ز دی که امروز خوش است

اولین تور خصوصی VIP مخصوص بلاگر های سفر و عکاسان

با همکاری مجله سفر نویسان و شرکت گردشگری ایده آل سفر پارسیان یزد

کویر:

_ رمل نوردی
_ شترسواری
_ لذت دیدن غروب
_ خورشید و عکاسی
_ شب نشینی در دل کویر
_ در کنار آتش
_ موتورسواری و سافاری
_ آفرود

یزد گردی:

_ برج خاموشان
_ آتشکده زرتشتیان
_ مجموعه امیرچقماق
(میدان، مسجد و بازار)
_ مسجد جامع
_ پیاده روی در بافت
_ تاریخی شهر (بافت گردی)
_ باغ دولت آباد

ابركوه:

_ سرو ۴۵۰۰ ساله
_ خانه آقازاده
_ گنبد عالی
_ خانه صولت
_ یخچال خشتی
_ مسجد جامع
_ مقبره عزیز الدین نسفی

۴ روز

با تمامی امکانات ویژه به همراه پذیرایی

بهترین اقامتگاه ها و رستوران ها

با شب نشینی

مبدا تهران

لوکیشن های ویژه عکاسی

۱۰ الی ۱۳ فروردین

علاقه مندان غیر تهرانی می توانند خود را به یزد و جمع گروه برسانند.
جهت ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر با شماره های زیر تماس حاصل نمایید.

۰۳۵۳۸۲۶۴۲۴۶ _ ۰۹۳۶۰۴۰۸۲۲۹

برای اولین بار

تور خصوصی VIP ترکیه

ویژه بلاگر های سفر و عکاسان



زمان: ۱۰ الی ۱۷ فروردین

تور ۷ روز استانبول

گشت شهری با اتوبوس vip برای لوکیشن های عکاسی

گشت شهری پیاده همراه با تور لیدر

بازدید از اماکن تاریخی و لوکیشن ها عکاسی (ورودی ها با تور است)

تور لیدر مسلط فارسی زبان

بازدید از لوکیشن سریال گودال

بهترین رستوران ها و فست فود ها

بازدید از مراکز خرید

دوره همی و شب نشینی

بازدید از لوکیشن سریال گودال

بازدید از جزیره بیوک آدا و کشتی توریستی

کالسکه سواری در جزیره بیوک آدا

آدرس: نیاوران بعد از چهار راه مژده نبش کوچه صالحی پلاک ۴۹۵

شماره تماس: ۰۲۱۲۲۷۲۴۱۲۱

نگاهی به

کتیبه های کردیر موبد



کامران کشیری
مدرس و پژوهشگر فرهنگ و
زبان های باستان ایران

« در جهان باستان، اقوامی که خود را «آریایی» میخواندند از نظر وظایف (یا انطور که در متون پهلوی آمده «خویشکاری») جامعه ای طبقاتی داشتند. طبقات اصلی این جامعه عبارت بودند از: ۱. روحانیان ۲. شهریاران و جنگ جویان ۳. کشاورزان و صنعتگران آریایی ها با جا به جایی و کوچ به سوی شبه قاره هند و فلات ایران، دو دین بزرگ جهان باستان را پی ریزی کردند: آیین هندو و آیین زرتشت، و در هر دو دین این ساختار طبقاتی همچنان باقی ماند، همانطور که در میان هندوها تا روزگار امروز هم دوام آورده است.

طبقه روحانیان در آیین هندو «برهمن» brahman و در اوستا «اثرن» āθrawan (در متون پهلوی «آسرون» āsrōn) خوانده میشدند. وظیفه نگهبانی از دین، مراسم مذهبی و سرودهای آیینی و ارتباط با خدایان با آنها بود.

با گسترش دین زردشتی از شرق به غرب فلات ایران در دوران ماد و هخامنشی، طبقه روحانی طایفه های سرزمین و امپراتوری ماد که مغان (در پارسی باستان magu) نام داشتند به این دین گرویده و پاسبان و نگهبان موروثی آنها شدند. رئیس و رهبر مغان به ایرانی باستان magupati خوانده میشد که به تدریج در پارسی میانه یا همان پهلوی به mowbed تحول یافت و همین است که در فارسی نو «موبد» شده است.

از گسترش و تحول آیین زرتشتی در روزگار هخامنشی و اشکانی اطلاعات اندکی در دست است. اما بر اساس آنچه شواهد

نشان میدهند، هخامنشیان و اشکانیان گرچه احتمالاً زرتشتی بودند، این کیش را به صورت دین رسمی و اجباری در سرتاسر قلمرو خود قرار نداده و آن را در کنار ادیان و باورهای دیگر احترام میکردند. از طرف دیگر شواهدی که نشان بدهد متون مقدس زرتشتی در این دوران به صورت مجموعه ای مدون و ویرایش شده گردآوری یا مکتوب شده بوده باشند در دست نیست. بر اساس سنت دینی، انتقال متون مقدس چه در میان هندوها و چه در میان ایرانیان عمدتاً به صورت شفاهی و سینه به سینه صورت میگرفت.

اما با ظهور اردشیر بابکان و تاسیس سلسله ساسانی، اوضاع سیاسی و فرهنگی در فلات ایران دگرگون شد. ساسانیان که خود را وارث دودمان هخامنشی میدانستند، ساختار غیرمتمرکز حکومت اشکانی را از میان برداشته و قدرت مرکزی را (در زبان پهلوی یک-خدایی ēw-xwadāyihē به معنی تک سروری، در برابر کرده-خدایی kardag-xwadāyih که چند سروری است) دوباره برقرار کردند. در عین حال، اردشیر که خود زرتشتی مومنی بود، دستور داد تا موبدان متون مقدس و پراکنده این آیین را گردآوری، تصحیح و مدون کنند. بر مبنای روایات، توسر (که تنسر نیز خوانده میشود) موبد روزگار اردشیر، چنین کرد و در نهایت مجموعه متون مقدس دین زرتشتی، انطور که موبدان روزگار اردشیر تایید کرده بودند، در مجموعه ای بزرگ و ۲۱ جلدی تدوین و تنظیم گردید و نام این مجموعه را «اوستا» گذاشتند.

روحانیت زردشتی در روزگار ساسانی ترقی کرد و بسیار نیرومند شد، به گونه ای که مراکز تعلیم و تربیت رسمی برای روحانیان تاسیس گردید که آن را «مغستان» میخواندند. روحانیان خود نیز دارای درجه و رتبه هایی شدند که در متون پهلوی با عناوینی چون هیربد، موبد و موبدان موبد از آنها یاد شده است. از آنجا که زبان اوستا به دلیل کهنگی در روزگار ساسانی دیگر قابل فهم نبود، موبدان بر متون اوستایی تفسیرهایی به زبان فارسی میانه یا همان پهلوی نوشتند و این تفسیرها را «زند» نامیدند. بنابراین «زند اوستا» یعنی تفسیر اوستا به پهلوی. تنها موبدان بودند که اجازه تفسیر اوستا را داشتند و اجازه این کار به هیچ کس دیگری داده

نمیشد. اگر فردی غیر از موبدان تلاشی برای تفسیر اوستا به شکلی متفاوت از آنچه موبدان قبول داشتند میکرد، او را «زندیک» میخواندند، به معنای کسی که بدون اجازه و داشتن صلاحیت، تفسیری متفاوت از متون مقدس ارائه میکند. بعدها همین واژه به عربی و فارسی نو هم راه یافت و به شکل «زندیق» درآمد که در کل به معنای ملحد و کافر است.

شاپور یکم، پسر اردشیر، همچون پدر زرتشتی با ایمانی بود و این از کتیبه هایی که خود او برجای گذاشته و در آنها خود را «مزدیسن» māzdēsn به معنی ستاینده مزدا یا همان زرتشتی معرفی میکند پیدا است، اما او سیاست تعصب دینی نداشت. در همین روزگار، امپراتوری رم به تدریج به سمت مسیحی شدن میرفت و در داخل قلمروی ساسانی، گذشته از افزایش یافتن تدریجی تعداد مسیحیان به ویژه در بین النهرین، در سرزمین بابل نیز پیامبری جدید به نام مانی تبلیغ دین خود را آغاز کرده بود. شاپور با دین مانی مخالفتی نکرد و حتی به او اجازه تبلیغ هم داد. برخلاف دین زردشتی که خاص ایرانیان بود و به ندرت فردی غیر ایرانی را در آن میپذیرفتند، ادیان مسیحی و مانوی به تبار و قومیت افراد اهمیتی نمیدادند و هرکسی میتوانست به این دو دین بپیوندد. ساختار روحانیت مسیحی و مانوی نیز ربطی به تبار افراد نداشت و افراد به شرط داشتن صلاحیت دینی و تسلط بر آن دین، در درجات روحانیت مانوی یا مسیحی ترقی میکردند. اما این سیاست تساهل دینی پس از شاپور دوامی نیلورد و در زمان فرمانروایی بهرام یکم و بهرام دوم ساسانی، ورق به نفع موبدان و حمایت رسمی و تمام قد از کیش زردشتی برگشت. این شرایط همزمان بود با ظهور موبدی جاه طلب به نام «کردیر» kirdīr که در نوشته های امروزی بیشتر با تلفظ کهنه تر نامش «کرتیر» شناخته میشود.

کردیر و اقداماتش

ما شخصیت پیچیده و مرموز کردیر را نه از روی متون پهلوی، بلکه از روی کتیبه های خودش میشناسیم. او در این کتیبه ها روند ترقی خود، تثبیت کیش زرتشتی به عنوان کیش غالب و رسمی و سرکوب کردن دیگر ادیان و باورها را توضیح داده است.

کردیر به گفته خودش در روزگار شاپور هیربد ساده ای بود، این مطلب با مطالعه کتیبه شاپور یکم در کعبه زردشت تایید میشود زیرا در آنجا نام «کردیر هیربد» در فهرست مقامات روزگار شاپور آمده است. اما رتبه اش در زمان پادشاهی بهرام یکم افزایش یافت و شاه به او لقب «موبد اورمزد» ohrmazd mowbed داد. در همین روزگار بود که تعقیب و آزار مانویان در مقیاس گسترده آغاز شد و خود مانی هم به قتل رسید. اوج قدرت کردیر در زمان پادشاهی بهرام دوم است، نفوذ و رتبه او به حدی رسید که اجازه یافت در دو محوطه سلطنتی «نقش رجب» و «نقش رستم» که خاص شاهان ساسانی بود،

برای خود کتیبه و نقش برجسته ایجاد کند. نقش کردیر در بیشتر نقش برجسته های بهرام دوم نیز در کنار ملازمان شاهنشاه دیده میشود. در همه این نقش ها میتوان کردیر را با نشان مخصوص خودش که تصویر یک قیچی بر روی کلاه او است از دیگران بازشناخت. گذشته از این، به گفته خود کردیر، بهرام مسئولیت سرپرستی آتشکده «آذرناهید» (که آتشکده موروثی خاندان ساسانی در استخر بود و سرپرستی آن را شخص شاه به عهده داشت) به او واگذار کرد و او را «بخت-روان بهرام» bōxt-ruwān wahrām نامید. درباره معنای این لقب بحثهای زیادی شده است، اما در کل به نظر میرسد که معنای آن «کسی که روان بهرام توسط او نجات یافته است» باشد و این اشاره ای است به ارتباط معنوی کردیر با شاه، نکته ای که شاید بتون همانند آن را در تاریخ معاصر در رابطه محمداشاه قاجار با حاج میرزا آقاسی دید، فردی که شاه او را مرشد و راهنمای معنوی خود میپنداشت و بدون تایید او دست به کاری نمیزد.



نقش برجسته و کتیبه کردیر در نقش رجب



نقش برجسته و کتیبه کردیر در نقش رستم، به نشان قیچی روی کلاه کردیر توجه کنید



نقش برجسته بهرام دوم در سرمشهد کازرون و کتیبه کردیر در بالای آن، کردیر در این نقش پس از بهرام دوم ایستاده و میتوان او را از روی نشان قیچی بر روی کلاهش بازشناخت



نقش کردیر در میان ملازمان بهرام دوم در نقش رستم، به نشان قیچی بر روی کلاه توجه کنید.



کردیر در نقش برجسته ای از بهرام دوم در سراب قندیل. به نشان قیچی روی کلاه توجه کنید.

با به شاهی رسیدن نرسه، دوران قدرت بلامنازع کردیر هم به پایان رسید. نرسه در کتیبه خود در فهرست کسانی که در منطقه «پایکولی» (در کردستان عراق کنونی) به دیدارش رفته بودند، نام « کردیر موبد هرمزد» را هم آورده است و این آخرین باری است که از او نامی میبینیم. به این ترتیب، کردیر روزگار شش شاه ساسانی از شاپور تا نرسه را درک کرده و طبیعتا در زمان پادشاهی نرسه می بایست بسیار پیر بوده باشد. پس از این کتیبه، نام کردیر به تمامی از متون و نوشته ها ناپدید میشود، به گونه ای که حتی در متون پهلوی که نام و فهرست همه موبدان مهم دین زرتشتی (اعم از افسانه ای و تاریخی) در آنها با دقت ذکر شده، هیچ نشانی از کردیر یا اشاره ای به او یافت نمیشود.

کتیبه های کردیر

از کردیر چهار کتیبه باقی مانده است، یکی در نقش رجب (در کنار نقش برجسته دیهیم ستانی اردشیر یکم) ، دیگری در نقش رستم (پشت سر نقش بزرگ پیروزی شاپور یکم بر رومیان) ، یکی در کعبه زرتشت (در زیر کتیبه سه زبانه شاپور یکم) و دیگری در سرمشهد کازرون. همانطور که دیده میشود کردیر با کندن کتیبه و نقش های خود در مجاورت نقش برجسته ها و کتیبه های شاهان، تلاش کرده اهمیت کردیر یکی این است که این کتیبه ها برخلاف کتیبه های اردشیر و شاپور یکم که به سه زبان پهلوی ساسانی (فارسی میانه)، پهلوی اشکانی و یونانی نوشته شده اند و همه اتباع امپراتوری را در نظر دارند، صرفا به زبان پارسی میانه نوشته شده اند که خود تایید دیگری است بر تعصب او و اهمیت نداندنش به دیگر اقوام و زبانهای رایج امپراتوری.

کتیبه کردیر در نقش رجب کوتاهترین کتیبه او است که در آن کردیر خود را فردی پرهیزکار و پیرو ایزدان خوانده و موفقیتها و ترقی های خودش را مدیون همین پارسایی اش میداند. سپس میگوید که از ایزدان خواسته تا راه درست و حقانیت دین را به او نشان بدهند و ایزدان نیز چنین کردند، پس کردیر در راهی که پیش گرفته مطمئن تر شد. در نهایت کردیر به فردی که کتیبه را میخواند توصیه میکند که همانند او پارسا و خداترس باشد تا لطف ایزدان شامل او هم بشود. کتیبه کردیر در نقش رجب خلاصه ای از سه کتیبه مفصل تر او است.

کتیبه کردیر در نقش رستم در کنار نقش بزرگ شاپور متاسفانه بر اثر گذشت زمان فرسایش و ریختگی زیادی پیدا کرده است، اما مطالب آن شباهت زیادی با کتیبه دیگر کردیر در سرمشهد کازرون دارد که در ادامه درباره آن سخن خواهیم گفت.

کتیبه کردیر در کعبه زردشت خوشبختانه به دلیل قرار گرفتن در زیر خاک تا حد زیادی سالم مانده است. در این کتیبه، کردیر به ارتقای مقام و مناصب خود از زمان شاپور تا بهرام

دوم، از هیربدی تا موبد اورمزد تا موبد اورمزد بخت-روان بهرام اشاره میکند. به گفته او، به واسطه تلاشهای فراوانی که کردیر در تثبیت دین کرده، به « هرمزد و ایزدان» سود بسیار و به « اهریمن و دیوان» گزند فراوان رسید، اتشکده های بسیار بنا شد و مغان در رفاه و اسایش بودند.

از نکات بسیار مهم در این کتیبه، اشاره به دیگر ادیانی است که به دستور او سرکوب شده اند او از « شمن ها» و « یهودیان» و «برهمنان» نام می برد، به فرقه ای به نام « مکتک» maktak اشاره میکند که احتمالا باید همان مغتسله یا منداییان امروزی باشند، سپس از « زندیکان» نام میبرد که احتمالا همان مانویان هستند و در نهایت به « نصارا و کریستیان» اشاره میکند که فرقه های مسیحی روزگار او بودند. نکته مهم دیگر در این کتیبه این است که کردیر حتی در مغستان ها نیز نظارت شدیدی برقرار کرد و ان گروه از مغان را که به نظر او « اهلموغ » (ahlmōǎ) یعنی بدعتگذار بودند « ملامت کرد تا نیک شدند». سپس با تاکید بر اهمیت کارهایش مناصب و رتبه های خود را به آیندگان یادآور شده و برای کسانی که همچون او پارسا و پرهیزکار هستند دعای خیر میکند.

کتیبه کردیر در سرمشهد کازرون در بالای صحنه شیرکشی بهرام دوم کنده شده است، خود کردیر هم به عنوان یکی از ملازمان شاه در این نقش برجسته حضور دارد. این کتیبه در کنار کتیبه شاپور یکم در کعبه زردشت بلندترین کتیبه به زبان پهلوی ساسانی (پارسی میانه) است. متاسفانه این کتیبه نیز بر اثر گذشت زمان و فرسایش از باد و باران دچار ریختگی های زیادی شده، اما شدت آسیب وارد شده به آن از کتیبه کردیر در نقش رستم کمتر است.

بخش اول کتیبه سرمشهد موضوعی مشابه با کتیبه کعبه زردشت داشته و به ارتقای رتبه کردیر و اقدامات او برای تثبیت دین اختصاص دارد. اما بخش دوم کتیبه است که برای پژوهشگران اهمیتی فوق العاده دارد. همانطور که گفتیم، کردیر در کتیبه نقش رجب به اختصار عنوان کرد که برای اطمینان از درستی راهی که انتخاب کرده از ایزدان خواست حقیقت و راه درست دین را به او نشان بدهند و ایزدان نیز چنین کردند. در کتیبه سرمشهد تفصیل این روایت را می یابیم. کردیر صریحا بیان میکند که با همکاری ایزدان به معراج رفته و بهشت و دوزخ را با چشم خود دیده است. او از دیدار با زنی زیبا که تجسم اعمال نیک او است (این تجسم یافتن اعمال نیک انسان به صورت زنی زیبا که شرح آن در « هادخت نسک» در اوستا آمده، در دین زردشتی « دین» خوانده میشود و یکی از پنج نیروی شکل دهنده آدمی است) و رو به رو شدن با چند « شهریار» سخن میگوید:
شهریاری سوار بر اسب و با درفش ، شهریاری با ترازویی در پیش، و شهریاری نشسته بر تختی زرین. جزئیات این معراج به دلیل ریختگی کتیبه مشخص نیست، اما از نکات شگفت انگیز در

شرح این رویداد این است که کردیر این سه «شهریار» را به نام نخوانده و هویت قطعی آنها در میان پژوهشگران بحثهای فراوان ایجاد کرده است. شاید شهریار سوار بر اسب «بهرام» ایزد جنگاوری، شهریار دارای ترازو «رشن» ایزد داوری و عدالت و شهریار نشسته بر تخت زرین « هرمزد» یا همان اهورامزدا باشند. بخش پایانی کتیبه سرمشهد همانند کتیبه کعبه زردشت است.

از نکات جالب دیگر شباهت کلی شرح معراج کردیر با متنی پهلوی به نام « ارداویراف نامه» است که در آن موبدی به نام ارداویراف (در اصل ارداویراز) برای مطمئن شدن از حقانیت دین زردشتی زنده به جهان آخرت رفته و بهشت و دوزخ را به چشم میبیند.

میراث کردیر

محو شدن نام و یاد کردیر از مسائل بحث انگیز تاریخ ساسانی است. برخی پژوهشگران تصور کرده اند که نرسه یا شاهان پس از وی، به دلیل نفوذ شدید کردیر در امور و مخدوش شدن اعتبار و قدرت شاهنشاه، دستور حذف نام او از اسناد و منابع را داده اند. اما از آنجا که هیچ کدام از نقش برجسته ها و کتیبه های کردیر تخریب نشده و تا زمان ما دوام آورده اند، چنین توجیهی منطقی به نظر نمیرسد.

برخی دیگر شخصیتهای نیمه افسانه ای همچون تنسر و ارداویراف را با کردیر یکی میدانند، اما تنسر مطابق روایات تدوین کننده اوستا بوده و نشانه ای از علاقه داشتن او به سیاست و امور حکومتی در دست نیست. از طرف دیگر ارداویراف، موبدی که همچون کردیر به معراج رفت، به روزگار شاپور دوم منسوب است. وجود معراج در دو متن کتیبه کردیر و ارداویراف نامه احتمالا نشانه ای از وجود یک الگوی دینی و ادبی و از نشانه های صلاحیت بوده است، چیزی شبیه به مثلا هفت خوان که هم رستم و هم اسفندیار باید از ان میگذشتند.

عده دیگری از پژوهشگران بر این باورند که دلیل فراموش شدن نام و یاد کردیر علاقه و توجه فراوان او به سیاست و دخالتهای او در امور پادشاهی بوده که سبب شده مورخان و موبدان دوره های بعد به نوعی وجود او را در تاریخ به سکوت برگزار کنند تا با گذشت زمان اندک اندک خاطره کردیر، موبدی که با قدرت تمام دین و دولت را به هم پیوند داد و در روزگار او جش از شخص شاه هم نیرومندتر بود، از یادها برود.

با همه اینها، اقدامات کردیر تاثیر ماندگاری بر فرهنگ و ایدئولوژی سیاسی روزگار ساسانی داشت، ارتباط دین و دولت و پیوستگی همیشگی آنها با هم، و توصیه همیشگی موبدان در متون پهلوی به در هم تنیدگی این دو، دست کم بخشی از ماندگاری خود در تاریخ ساسانی را مدیون اقدامات این شخصیت اسرارآمیز است

گردشگری و توسعه پایدار

خانم نوشین جامی خواه
برنامه ریزی گردشگری و توسعه
محلی
مشاوره و بازاریابی، راهنمای
تورهای ورودی و خروجی



نوروز ۱۴۰۰ پیش رو است. عطر اعتدال بهاری به مشام می‌رسد و طبیعت، نوای سفر سرمی‌دهد. اما امسال سفرمان دیگرگونه خواهد بود، سفری تاریخی میان دو سده و در این گذر، همه‌گیری جهانی، تحولی بزرگ در زندگی بشر ایجاد کرده است. به همین رو شایسته است به آنچه به جا گذاشته‌ایم و هرآن چه که خواهیم ساخت، نگاه عمیق‌تری بیندازیم. درنگ در اکنون برای تداوم در آینده، موضوع گفتارمان، «توسعه پایدار»، عیدانه‌ای است برای دوست‌داران سفر. آشتی شایسته با طبیعت و مراقبت از آینده فرزندانمان و زیست‌گاهی که در آن به سر می‌بریم، هدف از این نگارش است.

زیست محیطی و نابودی اقتصاد محلی، «توسعه پایدار» را به عنوان اصل ضروری در مدیریت کلان و با همکاری مردمی در سطح بین‌المللی براین اساس تعریف کرد: «توسعه‌ای که نیاز مردم را، در زمان حال برآورده می‌کند، بدون این‌که به پتانسیل‌های زیست محیطی که نیاز نسل‌های آینده می‌باشد، آسیبی برساند.»

(United Nations General Assembly, ۱۹۸۷, "Bruntland Commission")

در راستای این تعریف، «اهداف توسعه پایدار» و ابعاد آن شکل گرفت و دسته بندی شد تا قابلیت اجرای قانون‌مند در سطح جهانی را داشته باشد. توسعه پایدار، به سه بعد مکمل تقسیم‌بندی شد که ستون‌های اصلی پایداری می‌باشند: اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی. بدین شرح که در درازمدت موجبات رشد فرهنگی-اجتماعی را فراهم آورد؛ بستر سرمایه اقتصاد محلی در آینده حفظ شود و اثرات جبران ناپذیر محیط زیستی نداشته باشد.



عکس ۱. سه بعد توسعه پایدار که همانند ستون‌های یک بنا در ارتباط با یکدیگر اهمیت دارند

بر این مینا، سازمان ملل عملکرد دولت‌ها را در بهینه‌سازی تولید، مورد بررسی قرار می‌دهد. اما نقش مردم در این مشارکت چیست؟ آموزش عملی توسعه پایدار و آگاه‌سازی و اجرا در تمام فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در بازگشت به مقوله سفر و سفرنویسی، یکی از وظایفی که گردشگر در سفر همانند کوله بستن، چمدان آماده کردن و فراهم سازی نیازهای فردی و همسفران خود دارد، توجه و احترام به طبیعت با فراهم کردن مقدمات ابتدایی پیش از سفر است:



عکس‌های ۲ و ۳ نمونه عملی پایداری در سفر می‌باشد، گردشگر خارجی مشغول جمع آوری زباله های رها شده در کویر می‌باشد

طرح یک هدف ساده، مثل پاکیزه نگه داشتن جاده، جنگل، دریا، کوه، بیابان و روستاها در تمام مسیر سفر، به سادگی، با همراه بردن کیسه‌های زباله، قمقمه جهت پر کردن آب قابل اجراست ضمن اینکه به کاهش مصرف بطری‌ها و ظروف پلاستیکی که همزمان ضد فرهنگ و ضد سلامت و همچنین آلاینده طبیعت در دراز مدت محسوب می‌شوند، کمک می‌شود.

بازگشت به روش سالم مصرف و کاهش یک‌بار مصرف‌ها، آلاینده‌های طبیعت، به سادگی سه ستون پایداری در گردشگری را نگهدار هستند. در عمل آموزش فرهنگ سفر آسان، کم خرج و زیبا را گسترش می‌دهد. زیبایی مناظری که چشم را از دیدن آشغال در طبیعت آزار نمی‌دهد و از تجمع بوی تعفن در طبیعت می‌کاهد. مراقبت از آثار تاریخی به جا مانده در طبیعت که هنوز به ثبت جهانی و یا ملی نرسیده‌اند نیز از ارکان توسعه پایدار در گردشگری می‌باشد. چرا که در آینده حفظ میراث تاریخی موجب رشد اقتصادی از منبع درآمد گردشگری و همچنین تشویق در رشد اقتصاد محلی می‌گردد.



عکس ۴. نمونه موفق توسعه گردشگری پایدار: بازسازی سقف یک حمام تاریخی و تبدیل آن به رستوران سنتی برای اهالی و گردشگران

در این گفتار به ایجاد آشنایی مقدماتی با توسعه پایدار، به زبان ساده پرداختم و با هدف پرهیز از شعارزدگی و آموزش خودمانی در مشارکت عملی در آغاز سفر نوروز همزمان با رعایت اصول ایمنی در سفر و اصول بهداشتی جلوگیری از ادامه زنجیره همه‌گیری در این روزها که داستانی جز همان اصول ساده توسعه پایدار نیست.

در سال آتی و قرن نو به شرح توسعه پایدار گردشگری و دسته بندی آن خواهیم پرداخت.

بهارمان سبز، دل‌مان عطر آگین و

توسعه پایدار گردشگری

پایدار صورت گیرد.

حقایق غیر قابل انکار در مورد گردشگری:

۱- با وجود اینکه در بسیاری از منابع از گردشگری به مثابه صنعتی پاک و بدون دود، یاد می شود، در صورت عدم داشتن سیاست گذاری‌های کارآمد، توسعه گردشگری می‌تواند به صدمات شدید محیط زیستی و اجتماعی در جامعه میزبان منجر گردد.

۲- میزان توسعه‌یافتگی گردشگری کشورها رابطه مستقیمی با مصرف کننده بودن گردشگری دارد و متعاقب آن مقیاس، گستره و ماهیت تقاضای گردشگری از چالش‌های مهم پیش روی گردشگری به شمار می آید.

۳- در توسعه گردشگری محلی یا منطقه‌ای، ساختار، مقیاس و کیفیت روابط بالقوه در گردشگری، بر میزان مشارکت و مسئولیت پذیری اجتماعی بسیار تاثیرگذارند.

چالش‌های موجود در توسعه گردشگری پایدار

۱- گردشگری صنعتی مصرف‌گرا است و نیازمند به توسعه زیرساخت‌های مهم از جمله اقامتگاه‌های مناسب، زیرساخت‌های کارآمد، حمل و نقل ملی، بین شهری و بین المللی، حفاظت از محیط زیست و ... است.

۲- گردشگری، به استفاده بیش از حد منابع منجر می‌گردد که در برنامه‌ریزی‌ها و استراتژی‌های کارآمد، می‌بایست مبانی گردشگری سبز و اصول حفاظت از محیط زیست با آموزش به فعالان گردشگری، جامعه میزبان و گردشگران لحاظ گردد.

۳- بنگاه‌های اقتصادی کوچک و خصوصی، بیشترین سهم از فعالان گردشگری را به خود اختصاص می‌دهند، همواره با آموزش مستقیم و غیرمستقیم مدیران و کارکنان آنها، می‌توان پیشینه‌سازی منافع کوتاه مدت آنها را رقم بزنیم.

۴- گردشگری صنعتی جهانی چندبخشی و کنترل ناپذیر است.

۵- بیشترین درصد گردشگران بین المللی، تمایل به استراحت، لذت، تفریح و خوش‌گذرانی دارند و کار کردن و کسب درآمد در سفر برای آنها معنایی ندارد.

۶- تجربیات ناشی از سفر، اگر چه در نظام اقتصاد بین المللی، بخشی از صادرات یک کشور و یا دولت محسوب می‌شود، اما خدمات قابل ارائه، همزمان با تولید، مصرف شده و غیرقابل ذخیره‌اند.

توسعه پایدار گردشگری در ایران:

صنعت نسبتاً نوپای گردشگری در ایران، به دلایل متعدد از جمله تغییرات متعدد مدیریتی، غیرمرتبط بودن تخصص‌ها و رشته‌های تحصیلی کارمندان شاغل در سازمان‌ها و وزارتخانه‌های متولی به هنگام استخدام، تحریم‌ها و هشت سال جنگ‌تحمیلی، روزهای نامساعد و فراز و فرودهای بسیار زیادی را به خود دیده است.

مهم‌ترین اقدامات برای بهبود کیفیت خدمات گردشگری در

ایران:

۱- آموزش حرفه‌ای و هدفمند فعالان، نقش‌آفرینان و ارائه‌دهندگان خدمات در سطوح مختلف عملیاتی گردشگری، از جمله راهنمایان، واحدهای اقامتی، دفاتر خدمات مسافرتی، کارشناسان گردشگری و متعاقب آن، ارتباط سازنده میان دانشگاه‌ها و بازارکار است.

۲- سندهای چشم انداز فقط نوشته شده و آمارهای گردشگری دقیقه‌ی نودی، با ایجاد زیرساخت‌های الکترونیک مناسب در به روز کردن اطلاعات و برقراری ارتباط راهبردی میان وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، ارگان‌ها با بخش خصوصی به روند و فرایندی عملیاتی تر مبدل گردیده و گام‌هایی مطمئن در نیل به اهداف تعیین شده برداشته خواهد شد.

۳- برگزاری رخدادهای علمی و فرهنگی در قالب طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی و انتشار گزارش‌ها و دستاوردهای به دست آمده در پایگاه ملی اینترنتی گردشگری.

۴- برگزاری نمایشگاه‌ها و بازارچه‌های فصلی صنایع دستی و محصولات فرهنگی

۵- تاسیس سازمان‌های بازاریابی و بازاریابی مقصد، در قالب کیوسک‌های گردشگری در فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های قطار و سطح شهرها.

۶- تاسیس کتابخانه الکترونیک ملی گردشگری و امکان دسترسی تاثیرگذاران و ارائه دهندگان خدمات گردشگری به منابع موثق و به روز گردشگری ملی و بین المللی برای توسعه فردی و سازمانی فعالان این صنعت در ایران.

۷- صیانت از فرصت شغلی راهنمایان تور و مدیران فنی بند «ب» با بررسی و نظارت بر عملکرد بازار از طریق بازرسان رسمی و افتخاری.

۸- طراحی و اجرای دوره‌های بهبود یافته راهنمایان گردشگری؛ از آنجا که این شغل، ماهیتی عملیاتی و مدیریتی دارد متقاضی فرصت شغلی راهنمایان تور می‌بایست همزمان با پشت سرگذشتن دروس تئوری مختلف، دوره راهبردی و تکمیلی یک ساله «دستیار راهنما» را تجربه کرده و در نهایت با حضور در کمیته فنی، موفق به دریافت کارت راهنمای گردشگری شوند.

۹- تاسیس پایانه‌های هوشمند گردشگری در مقاصد گردشگری پرتقاضا، جهت ساماندهی آمارها و بهبود کیفیت خدمات گردشگری ملی و ورودی.

۱۰- مدیریت مقاصد گردشگری به‌ویژه منابع طبیعی، با محدود کردن ورود گردشگران، گشت و همراهی و نظارت بر عملکرد گروه‌ها به هنگام دیدار و اقامت.

در مجموع مهم‌ترین شاخص‌های توسعه پایدار گردشگری در ایران، تولید محتوای مستند و الکترونیک کردن بسیاری از زیرساخت‌ها، برای داشتن آمارهای واقعی و در نهایت تصمیم‌سازی‌های سازنده‌تر خواهد بود.



Karen Parvaz Parsian
Tour & Travel Agency

توسعه پایدار گردشگری رویکردی مثبت در جهت کاهش عوارض ناشی از تعاملات پیچیده میان فعالان گردشگری، گردشگران، محیط و جامعه میزبان گردشگری است. بدون شک برای داشتن برنامه‌ریزی کاربردی و مدیریت کارآمد در صنعت گردشگری، می‌بایست سه اصل را در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها لحاظ کنیم:

۱- گردشگری باید همچون فعالیت‌های اقتصادی دیگر، به‌عنوان یک گزینه توسعه اقتصادی پایدار در نظر گرفته شود.

۲- صنعت گردشگری باید همچون صنایع دیگر، از پایگاه داده‌ها و اطلاعات موثق، برای به رسمیت درآوردن، بررسی و نظارت بر فرایندهای مرتبط با بنگاه‌های اقتصادی دیگر برخوردار باشد.

۳- توسعه گردشگری باید به شیوه‌ای مبتنی بر اصول توسعه



دکتر حسین رضائی
ریاست مرکز نوآوری و گردشگری

هر چند در یک سال گذشته با وجود بیماری کرونا، وضعیت گردشگری به صورت ناپایدار شده و صدمات جبران‌ناپذیری به این صنعت وارد شده که باید در همه ابعاد مورد بررسی قرار گیرد. اما با گذشت یک سال از این وضعیت در حوزه سفر به شرایطی می‌رسیم که با دید واقع بینانه‌تری باید نگاه کرد.

توسعه صنعت گردشگری به ویژه برای کشورهای در حال توسعه که با معضلاتی همچون میزان بی‌کاری، محدودیت

منابع و اقتصاد تک محصاما مواجه هستند از اهمیت فراوانی برخوردار است.

در کشور ما که متغیرهای کلان اقتصادی از قیمت جهانی نفت پیروی می‌کند، توسعه صنعت گردشگری اهمیت ویژه‌ای دارد، چرا که ایران از نظر جاذبه‌های گردشگری در جهان موقعیت خوبی دارد و پتانسیل‌های زیادی در حوزه‌های مختلف گردشگری، خصوصا گردشگری مذهبی و سفرهای زیارتی دارد.

در وضعیت کنونی، هر چند شمار گردشگران خارجی محدود شده، اما گردشگر داخلی که برای سفر کاری یا گذران اوقات و تجدید روحیه به سفر می‌روند، کم نیستند.

در حالی که چند روز به آغاز سفرهای نوروزی مانده است، تدابیری در ستادهای ملی کرونا و استانی برای این منظور پیش‌بینی شده است. اما از شروع یک هجوم سفری نباید غافل شد، بسیاری از شرکت‌های خدمات مسافری با تبلیغات برای سفری ارزان با تور پیش‌قدم شدند. این در حالی است که گنجایش محل‌های پذیرش مسافر با توجه به محدودیت‌های بهداشتی کاهش یافته و مشتاقان سفر با این تورهای ارزان و قسطی زیاد شده است.

بسیاری از شهرهای ساحلی خصوصا در جنوب کشور ظرفیت

پذیرش مسافرشان تقریبا کامل شده است، بدیهی است الزام ثبت تورهای مسافری در سامانه‌های معاونت گردشگری همچون (سامانه سادرا) می‌تواند در کنترل سفرهای نوروزی و عواقب اجتماعی آن موثر باشد. همچنین اتصال این سامانه به سامانه ماسک، در کنترل افراد بیمار به محیط‌های مسافرپذیر دارای مجوز کمک می‌کند.

هر چند پیش‌بینی‌ها و تدابیر وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی برای کنترل و مدیریت سفرهای نوروزی انجام شده، اما به نظر می‌رسد تدابیر سایر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مرتبط با خدمات سفر، مانند وزارت بهداشت -درمان و آموزش پزشکی، نیروی انتظامی و پلیس‌راهور، حوزه حمل و نقل وزارت راه و شهرسازی و همچنین، ستادهای خدمات سفر استانی در استانداردها و ستادهای ملی کرونا را هم می‌طلبد که این سفرها را که شاید پس از یک سال از شیوع کرونا به‌منظور تقویت روحیه مردم با رعایت شیوه‌نامه‌ها، ضروری به نظر برسد، کم‌هزینه کرده و به سفری ایمن تبدیل کند و مانند بیشتر کشورهای توریسم‌پذیر اعلام کنیم با استانداردسازی و ایجاد پروتکل‌های هوشمند، اقامت امن را می‌توانیم برنامه‌ریزی کنیم.

بدیهی است توصیه به عدم سفر غیر ضروری و یا استفاده از حمل‌ونقل عمومی، چه در حوزه هوایی، ریلی و زمینی که امتحان خود را در پیشگیری از ویروس کرونا پس داده‌اند، می‌تواند در مدیریت این سفرها کمک کند.

اگرچه ستاد ملی مقابله با کرونا می‌تواند سامانه‌ای برای ثبت مقاصد سفر با خودرو شخصی، طراحی کند که شاید در آینده با مولفه‌های پیش‌بینی شده موثر باشد. اما ظرفیت‌های محلی و استانی و تصمیمات منطقه‌ای درست بر اساس مولفه‌های عمومی و راهنمایی به موقع مردم از طریق رسانه ملی و سایر وسایل ارتباط جمعی می‌تواند به مدیریت سفرهای نوروزی و احتمالا برنامه‌ریزی برای سفرهای تابستانی و رونق صنعت کمک کند.

ضرورت مدیریت سفرهای نوروزی به جای جلوگیری آن





majestic
IRAN
A Different Experience

مصاحبه با آقای علی اکبر عبد الملکی

ریاست کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی ایران

کمیسیون گردشگری ایران
راهگشای چالش های صنعت

مصاحبه کننده: محمد اسماعیل ارجمندی



تاثیر فعالیت‌های کمیسیون گردشگری اتاق ایران در سال ۱۳۹۹ (سالی که گذشت)، را با توجه به شیوع ویروس کرونا و آسیب‌هایی که به بدنه گردشگری ایران وارد کرد، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در واقع این سوال را باید از عزیزانی پرسید که در حوزه گردشگری مسئولیت اجرایی ندارند، تا بتوان این موضوع را دقیق موشکافی کرد و نظری بی طرف داشت. اصلی‌ترین رسالت کمیسیون گردشگری اتاق ایران، معرفی تمامی بخش‌های صنعت گردشگری و تمام جایگاه‌های گردشگری سراسر ایران است. ما رسالت خود را به این ترتیب به انجام رساندیم. با برگزار کردن جلسات متعدد، ۷۵ جلسه. ما طبق روال معمول در هر ماه، یک جلسه کمیسیون گردشگری داریم و یک جلسه هیئت رئیسه، در سال نهایت ۲۴ جلسه (البته در شرایط و اوضاع عادی). اما تا امروز، یعنی پایان اسفند ماه سال ۱۳۹۹ کمیسیون گردشگری، ۷۵ جلسه برگزار کرده است. ما سعی کردیم که با تمام قدرت و توان مان با برگزاری جلسات و حضور در مجلس و دولت همه جوره در کنار دوستان باشیم و همچنین سعی کردیم با حضور فعال داشتن و پشتیبانی از عزیزان حوزه گردشگری، از ایشان حمایت کنیم و چون کوهی پشت بخش خصوصی باشیم. مخصوصاً ذی‌نفعان بخش خصوصی گردشگری کشور.

با توجه به ادامه شیوع کرونا و تغییر سبک‌های سفر که در کل دنیا در حال اتفاق افتادن است. در ایران در سال ۱۴۰۰ برنامه‌ها و محوریت فعالیت‌های کمیسیون به چه صورتی خواهد بود؟

ما با این دید مواضع خود را انتخاب می‌کنیم که کرونا با ما است و زندگی خواهد کرد. همینطور که شاهد هستیم این ویروس مرتب در حال پیشرفت است. اما مهم این است ما با توجه به وجود این ویروس چگونه بتوانیم گردشگری را سامان دهی کرده و آن را زنده نگه داریم. نه آنکه با وضع قوانین سخت‌گیرانه و بدون برنامه‌ریزی، تنها این صنعت را زمین‌گیر کنیم. برنامه ما در سال جدید با تکیه بر این حقیقت روشن است - قطعاً صنعت گردشگری می‌تواند چاره‌ای بر تحریمات معاملات نفتی باشد. چاره برون رفت از هرگونه وابستگی به نفت. - ما با توسعه صنعت گردشگری می‌توانیم هم اشتغال‌زایی خوبی داشته باشیم و هم درآمد زایی خوبی و البته در کنار این دو مهم می‌توانیم حتی ارزآوری خوبی نیز داشته باشیم. از همه اینها مهم تر با توسعه گردشگری روستایی - کشاورزی و بوم‌گردی، از پیشرفت شهرنشینی جلوگیری کنیم. این واقعا کاری بسیار حرفه‌ای است و همت بالا می‌طلبد و ما از دولت‌مردان خواهشمند هستیم که از این صنعت حمایت کنند. چرا که جمعیت

۱۳ هزار نفری که در صنعت گردشگری به عنوان راهنمایان این صنعت وجود دارند، می‌توانند در مقام راهنما و در کنار گردشگران، سفیران صلح و سلامت باشند.

مثلاً همین حالا که نزدیک عید است و قشم و کیش و چابهار بسیار شلوغ و پررفت و آمد است. ما باید از راهنمایان گردشگری که واقعا کرونا به شغل آنها آسیب زده، حمایت کنیم. با مبالغ مشخص از ایشان دعوت به کار کنیم. وزارت بهداشت و گردشگری طی یک تفاهم نامه بتوانند از این دوستان به عنوان سفیران سلامت استفاده کنند.

مثلاً با آموزش‌های نکات ایمنی و توزیع ماسک به تمامی آنهایی که در اماکن تفریحی، مذهبی و توریستی حضور دارند، با متولیان ذی‌ربط همکاری کرده و سفر را برای مسافران ایمن‌تر و لذت‌بخش‌تر کنند. با بسط دادن این نگرش و همکاری در برنامه‌های گردشگری کودک، سالمند، نمایشگاهی و کمیته‌های استاندارد و کیفیت و... می‌توانیم به‌صورت ویژه‌تری به گردشگری توجه کنیم. ما برنامه‌هایی داریم که با معاونت تشکل‌های اتاق ایران بتوانیم فدراسیون گردشگری‌مان را تشکیل دهیم. که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های من است.

این فدراسیون گردشگری که فرمودید بنیانگذار و هسته مرکزی‌ش شما هستید؟

ما تمامی تلاشمان بر این است که تمامی کسانی که در صنعت گردشگری فعال‌اند، با هر سلیقه و در هر حد و اندازه‌ای بخشی از این صنعت‌اند، به ثبت رسانده شوند. از جمله اتحادیه آژانس‌داران، هتل‌داران، تورلیدرها، صنایع دستی، اقتصاد ورزش، اقتصاد هنر، حمل و نقل و بوم‌گردی، انجمن گردشگری کشاورزی و... همه اینها در اتاق بازرگانی فدراسیونی ثبت شود. (تحت عنوان فدراسیون گردشگری). به نوعی وابستگی به دولت کمتر شود و اینکه در زمان بحرانی بتوانیم از حمایت این فدراسیون بهره‌مند شده و فشاری بر دولت نباشیم. دولت تنها تسهیل‌گر باشد و موانع قوانین و مقررات مغل را برای ما رفع کند. باید به فکر خود باشیم. ما در نظر داریم بانکی تحت عنوان بانک ایده ایجاد کنیم که ایده‌های گردشگری در سراسر کشور از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان جمع‌آوری شود و بهترین ایده‌ها را با کمک اتاق بازرگانی، به صنعت تبدیل کرده و از آنها حمایت کنیم. همچنین یک موسسه اعتباری مالی هم از قبل همین فعالیت بوجود خواهد آمد، تحت عنوان صندوق مالی گردشگری یا صندوق حمایت از گردشگری، که خود می‌تواند تاثیر بسزایی، بخصوص برای جلوگیری از زمین‌گیر شدن این صنعت داشته باشد.



« **با توجه به اهداف کمیسیون و تفاهم‌نامه‌هایی که در طول سال امضا کردید، اگر برنامه تدوین شده‌ای برای ۱۴۰۰ دارید بطور مختصر (آنهايي که به نظر تان موثر تر مي آيند) بيان بفرمایید.**

ما تفاهم‌نامه‌های خوبی را منعقد کرده‌ایم. مخصوصا منطقه آزاد کیش و تفاهم‌نامه‌هایی هم در دست اقدام داریم، از جمله قشم و چابهار. تفاهم‌نامه‌ای که با باشگاه تلاشگران ارزش‌آفرین و موسسه بین‌المللی (سی.تی.وان) آموزش گردشگری حلال، که به نام ایران ثبت شده است نیز است. بعلاوه تفاهم‌نامه‌هایی که با شهرداری منعقد شده است. اینها نشان دهنده این حقیقت‌اند که ما، با تمام توان پشتیبان بخش خصوصی هستیم. ما تمام تلاشمان این است به کیفیت، آموزش، استانداردها سازی و بهره‌وری در صنعت گردشگری پردازیم.

« **به نظر شما با توجه به تفاهم‌نامه‌ها و نشست‌هایی که در سال جاری داشتید و در سال ۱۴۰۰ قطعا آنها را پی‌گیری خواهید کرد. میزان تغییرات را در سال آتی از طریق کانال کمیسیون و اینگونه تفاهم‌نامه‌ها، چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

قطعا و یقینا ما تمام تلاشمان را خواهیم کرد و تفاهم‌نامه‌هایی که به امضا رسانده‌ایم را به اجرا برسانیم. نه که صرفا روی کاغذ باقی بمانند. برنامه ما برنامه اجرایی است. ضمن اینکه من سال آتی را سال انتخابات می‌بینم. انتخابات ریاست‌جمهوری می‌تواند تاثیر گذار باشد. هیچ چیزی به اندازه انتخاب ریاست‌جمهوری، (انتخاب فردی با درایت و لایق) نمی‌تواند جان تازه‌ای به این صنعت ببخشد. اگر کسی را انتخاب کنیم که نگاهی فرامرزی و بین‌المللی نداشته باشد، گردشگری ما آینده خوبی پیدا نخواهد کرد. باید مرزها را باز کنیم و توریست را توریست ببینیم، نه تروریست. ما باید برای تمام دنیا ارزش بگذاریم که تمام دنیا برای ما ارزش قائل شود. تا این‌گونه نباشد، نخواهیم توانست گردشگر خارجی جذب کنیم. اگر شرایط تغییری نکند ما باید اکتفا کنیم به گردشگر داخلی.

خواهش من از مردم عزیز این است، انتخابات ریاست‌جمهوری را جدی بگیرند. به فردی رای بدهند که فرامرزی و بین‌المللی فکر کند و به گردشگری که باز تاکید می‌کنم جایگزین خوبی برای نفت است واقعا توجه ویژه‌ای داشته باشد. انتخاب ما مهم است.

« **به عنوان ریاست کمیسیون گردشگری اتاق ایران، چه فرصت‌هایی را برای فعالان این عرصه در دستور**

کار دارید؟ بحث فرصت برای مجموعه‌های کوچکتر و حمایت از آنها در سال ۱۴۰۰ است.

خیلی‌ها در اوضاع قرنطینه که شرایط کسب کارشان را از نظر مسافرپذیری تحت شعاع قرار داد و آسیب بسیار دیدند، به تقویت زیرساخت توجه کردند. (از جمله تولید محتوا). خیلی از آژانس‌ها که سنتی بودند و خیلی از هتل‌ها که بصورت سنتی رزرو می‌گرفتند زیر ساخت‌های فنی خود را توسعه دادند و به صورت آنلاین به فعالیت پرداختند. آژانس‌ها، فروش بلیطشان را آنلاین کردند. حتی خیلی مجموعه‌های بوم‌گردی و مجموعه‌هایی که صنایع دستی تولید می‌کردند نیز خودشان را در فضاهای مجازی معرفی کردند. امیدواریم در سال جدید و حتی پس از مهار شدن کرونا، همه این مجموعه شکوفاتر از پیش شده و بدرخشند. البته همانطور که خودتان هم می‌دانید متأسفانه بعضی مشاغل مرتبط که نتوانستند خود را با این شرایط وقف دهند، از بین رفتند. برای بهبود اوضاع باید آنهایی که کسب و کار کوچک دارند، با مجموعه‌های بزرگ‌تر و برون‌تر ادغام شوند، ترکیب شوند. به صورت تیم‌ورک فعالیت کنند تا بتوانند فشار این روزها را تاب آورده، از این وضعیت به شدت سخت رها شده و باقی بمانند.

« **به نظر شما در دوره کرونا و پس از کرونا، نقش کمیسیون باید تغییر کند؟ با توجه به تغییر شرایط و بخصوم در دولت جدید؟**

ما نقش کاملا مشاوره‌ای داریم. نقش ما در اتاق بازرگانی صنایع معادن و صنایع کشاورزی ایران که در قانون اساسی به عنوان مشاور سه قوه از آن نام می‌برند. اگر بخواهم این نقش را به اختصار توضیح دهم به این صورت است که ما یکی از کمیسیون‌های اتاق ایران، کمیسیون‌های ۱۸ گانه، به عنوان بازاری مشاوره‌ای هیئت‌رئیس هستیم. به هر آنچه که هیئت‌رئیس از ما بخواهد، می‌پردازیم. به عنوان مثال نامه‌هایی که از دولت، مجلس و قوه قضاییه ببه هیئت رئیس ارسال می‌شود، به ما ارجاع داده شده و از ما خوراک فکری می‌خواهند. ما هم کارشناس‌های خوبی داریم. کارشناس‌ها؛ ایده‌ها، نظرات و پیشنهادها را جمع‌آوری کرده و ایده‌ها و فکرهای طی بررسی‌های دقیق به هیئت‌رئیس اتاق ایران داده می‌شود تا پس از تصمیم‌گیری، هیئت‌رئیس آن را به قوای سه گانه انتقال دهد. (برای هرچه بهتر انجام شدن فضای کسب و کار کشور). کمیسیون ما، مشاوران و کارشناسان خوبی دارد. کمیته‌های خیلی خوبی دارد و البته رؤسای هر کمیته، از افراد شاخص و به‌نام کشور انتخاب شده‌اند. همه این عزیزان برنامه‌های خود را برای سال ۱۴۰۰ به ما ارائه داده‌اند که به امید خدا که بتوانیم هر چه بهتر و بیشتر در

کنار دوستانمان در صنعت گردشگری کشور باشیم.

« **در راستای ارتقای کیفیت و ایجاد استاندارد های مشخص در زنجیره تامین گردشگری آیا شما هدف و برنامه مشخصی در کمیسیون دارید ؟**

چرا که نه؟ اما به قول معروف که می‌گویند، «همه چیز را همگان دانند.» درست است ریاست این کمیسیون هستیم، اما مطمئنا بر همه چیز واقف نیستیم. به همین دلیل ما فضا را باز گذاشتیم و همه دوستان در کمیسیون فعال هستند و ما هم از نظرات تمام دوستان بهره‌مند می‌شویم. این زنجیره تامین گردشگری، همان اکوسیستم گردشگری است. اکوسیستم گردشگری هم از آغاز تا پایان وابسته به فضای تسهیل و رونق کسب و کار مرتبط است که دولت می‌تواند نقش بسیار خوبی را در آن ایفا کند. یعنی با حمایت همه جانبه و تسهیل‌گری که در خصوص مجوزها و صدور مجوزها انجام می‌دهد. برخی مواقع این قدر این مجوزها زیاد هستند که منجر به بیکار شدن خیلی از اصناف می‌شوند. خیلی از همکاران ما از کسب و کارشان بخاطر همین سخت‌گیری‌ها و تعدد مجوزها افتادند. به نظر شخص من همه چیز به گردشگری مربوط است مگر خلافش ثابت شود. ما در زنجیره تامین باید به این توجه کنیم که گردشگری یک حکمرانی واحد دارد یا خیر؟ اگر ما وزارت گردشگری داریم تمامی تصمیمات مربوط به این صنعت باید زیر نظر



وزارت مربوطه باشد. و هر ارگان و وزارت‌تی اجازه دخالت در امور این صنعت را نداشته باشد.

« **به عنوان آخرین سوال آیا در راستای توان‌مندسازی فعالان گردشگری و ایجاد یک زنجیره هدف‌مند در سال ۱۴۰۰ برنامه مشخصی دارید؟ اگر هست شرح کوتاهی از این موضوع هم داشته باشید.**

یکی از برنامه‌های دائمی ما این است که در اتاق کمیسیون گردشگری، به روی همه فعالان گردشگری باز باشد و هر کس ایده، نظر، پیشنهاد و انتقادی داشت، با گوش جان بشنویم و بپذیریم. این برنامه‌ای است که در حال حاضر هم به آن عمل می‌کنیم. برای اینکه بتوانیم تمام و کمال در خدمت عزیزان این صنعت باشیم. با ایجاد و به انجام رساندن فدراسیون گردشگری به تمامی برنامه‌های‌مان خواهیم رسید. اگر فدراسیون گردشگری در اتاق ایران، ایجاد شود. تمامی سوالات شما پاسخ داده می‌شود. حتی خواهیم توانست برای دولت آینده وزیر و معاونت گردشگری پیشنهاد دهیم. ما باید بر انتخاب و معرفی ویزر گردشگری، میراث‌فرهنگی و صنایع دستی تاثیرگذار باشیم، چون ما هستیم که با این مسولان در ارتباطیم. ما نیازمند مسئولی هستیم که با درایت، کفایت و پاسخ‌گو باشد. ما وظیفه داریم بهترین‌ها و موفق‌ترین‌ها را معرفی کنیم تا سرانجامی خوب برای صنعت گردشگری شاهد باشیم.



مصاحبه با عباس نیک زاد

دبیر کمیسیون گردشگری و کسب و کار وابسته اتاق

دانشجوی دکتری رشته سیاستگذاری علم و فناوری دانشگاه مازندران

سکوی پرتاب گردشگری

مصاحبه کننده: همایون ارجمند

نقش کمیسیون گردشگری اتاق ایران در توسعه پایدار گردشگری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

باید عرض کنم کمیسیون گردشگری همیشه از بخش توسعه گردشگری پایدار حمایت کرده. یکی از دغدغه‌های کمیسیون در طی سال‌های گذشته همین امر بوده است. در این راستا، همیشه در جلسات از فعالان و ذی‌نفعان این حوزه دعوت به عمل آمده است که حضور داشته باشند. در خصوص توسعه پایدار گردشگری جای خالی قوانینی دیده می‌شود که این موضوع را با بررسی پیشنهادات و نظرات کمیسیون و بخش خصوصی، به سیاست‌گذاران انتقال دادیم و پیشنهاد دادیم که قوانینی تدوین شود در جهت توسعه گردشگری و در عین حال به حفظ محیط‌زیست ما کمک شایانی کند. امیدواریم به نتیجه برسیم. هنوز در میانه راه هستیم و جای قوانینی خالی دیده می‌شود. کمیسیون در این راستا تلاش خود را می‌کند. با جلساتی که با مجلس و سیاست‌گذاران برگزار می‌کند. ما با تمام توان نظرات ذی‌نفعان این بخش، آن دسته از عزیزانی که در فعالیت بخش خصوصی حضور دارند را به گوش متولیان امر می‌رسانیم.

همینطور پژوهش‌هایی را در حوزه گردشگری پایدار در اتاق ایران صورت داده‌ایم و در حوزه اگروتوریسم، گردشگری روستایی پژوهش‌هایی در حال انجام است. در بحث آموزش به تورگردان‌ها، در حفظ محیط‌زیست نیز برنامه‌هایی را در نظر داشته‌ایم که بخشی را اجرا کرده و بخشی را هم در زمان‌های آتی اجرایی خواهیم کرد. یکی دیگر از کارهایی که کمیسیون در این راستا انجام داده، شناسایی ظرفیت‌ها و ارتباط با جوامع بومی و طبیعت‌گردی بوده و در این راستا دوره‌های آموزشی برگزار کرده است. ایجاد پلتفرمی را نیز صورت داده که در واقع براساس آن پلتفورم، آموزش‌هایی هم‌سوی گردشگری خلاق برای ذی‌نفعان انجام می‌شود. یک نمونه از این پلتفورم‌ها، طرح چهارشنبه‌های خلاق است که در کمیته گردشگری خلاق، کمیسیون گردشگری اتاق ایران صورت می‌گیرد. در این برنامه، آموزش توسعه گردشگری روستا محور با تاکید بر حفظ محیط‌زیست، موضوعاتی به ذی‌نفعان آموزش داده می‌شود. یکی از کارهای دیگر که با توجه شرایط کرونا صورت گرفته، ایجاد پلتفورم مجازی است که در واقع از نظرات صاحب‌نظران حوزه گردشگری استفاده می‌شود. در این جهت یک سری نظراتی که حمایت می‌کند از توسعه گردشگری پادار و حمایت می‌کند از محیط زیست را دریافت می‌کند که قطعاً این نظرات به سیاست‌گذاران انتقال داده می‌شود. خلاصه کلام یکی از موضوعاتی که همیشه از طرف این کمیسیون در جلسات حمایت همه جانبه شده، بخش توسعه گردشگری پایدار بوده است. گردشگری‌ای که بتواند محیط‌زیست‌مان را حفظ کرده و در عین حال سبب شکوفایی ظرفیت‌های صنعت گردشگری در نقاط محروم شود.

در این راستا با کمک ذی‌نفعان و علاقه‌مندان این موضوع قطعاً برنامه‌هایی نیز برای آینده خواهیم داشت.

برنامه‌های سال ۱۴۰۰ کمیسیون در راستای ایجاد و ارتقا استانداردهای کیفی و کمی صنعت گردشگری را شرح دهید.

یکی از رسالت‌های کمیسیون توسعه استاندارد کمی-کیفیتی صنعت گردشگری است. بسیاری از موضوعاتی که از طرف انجمن‌ها و تشکل‌ها به کمیسیون انتقال داده می‌شود، به گوش سیاست‌گذارها و دولت می‌رسد و کمیسیون برای رفع آنها تلاش می‌کند، مکاتبات و جلسات ترتیب می‌دهد. همچنین در جهت افزایش استاندارد سال گذشته کمیسیون یک سری اهداف و اولویت مشخص کرد و بر اساس آن برنامه‌ریزی کرد و رویدادهای آموزشی برگزار کرد، جلساتی گذاشت. یک سری از مسائل را در نشست‌ها مطرح کرد که از نتایج خوب آن توسعه استاندارد کمی-کیفیتی صنعت گردشگری بوده است. امسال؛ سال ۱۴۰۰ هم در ابتدای سال یک سری اولویت‌ها را به روز خواهد کرد. بر اساس آن یک سری برنامه‌ها در سال ۱۴۰۰ خواهیم داشت که سبب توسعه بیشتر استانداردهای کمی-کیفیتی صنعت گردشگری خواهد شد. از مهم‌ترین ارکانی که توسعه استاندارد را رقم می‌زند، دوره‌ها و سمینارهایی است که کمیسیون برگزار می‌کند. موضوعات روز و دغدغه‌های صنعت گردشگری را در سمینارها مطرح کرده و راه‌حلی را پیشنهاد می‌کند که به سیاست‌گذاران، دولت و همچنین به ذی‌نفعان این بخش که بتوانند این دغدغه‌ها و مشکلات و چالش‌ها را حل کنند. یکی از بخش‌هایی که کمیسیون بسیار از آن بهره می‌برد، اتاق فکر است که در حوزه اگروتوریسم، گردشگری خلاق، گردشگری بین‌الملل، صنایع‌دستی و بخش‌های مختلف در گردشگری کودک و بخش‌های دیگر این اتاق فکر فعال است و در جهت توسعه هر کدام از این بخش‌ها و بالا بردن استانداردهای این بخش‌ها، یک سری جلسات و برنامه مشخص دارد که در آن جلسات تسهیم دانشی که بین دولت و بخش خصوصی و همچنین تسهیم و انتقال دانش روز از طریق بخش خصوصی به دولت و سیاست‌گذاران می‌شود، جملگی توسعه استانداردهای صنعت گردشگری را رقم می‌زنند.

اقدامات کمیسیون در سال ۱۳۹۹ در راستای شناسایی فرصت‌ها و حمایت از بنگاه‌های اقتصادی گردشگری را شرح دهید.

کمیسیون گردشگری طی سال ۹۹ تفاهم‌نامه‌هایی را با مناطق آزاد ارونند و کیش به امضا رسانده است و مقرر شده فضا برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تسهیل پیدا کند. بسیاری از بروکراسی‌ها حذف شود و در واقع فرصت‌هایی در

مناطق برای اعضای کمیسیون و فعالین بخش خصوصی معرفی شود. از این طریق کمیسیون هم افراد را به مناطق معرفی کند و نیز ارتباط دوطرفه و مستمری برقرار سازد. در سال آینده نیز برنامه داریم با دیگر مناطق آزاد تفاهم‌نامه‌هایی به امضا برسانیم که در جهت بهره‌مندی از فرصت‌های این مناطق و تسهیل در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و همچنین کمیسیون گردشگری باشد. کمیسیون گردشگری همچنین با ستاد شهرداری تهران در همین راستا نشست، جلسات و مکاتباتی داشته است و متولیان شهرداری علاقه‌مند هستند که در همین راستا برای اعضای کمیسیون گردشگری و بخش خصوصی فضا را برای سرمایه‌گذاری مساعد کنند تا این افراد در مناطق سرمایه‌گذاری کنند. همچنین با بسیاری از موسسات آموزشی و انجمن‌های مرتبط نشست‌ها و مکاتبات و جلساتی داشتیم در جهت هم‌صدایی ارائه ظرفیت‌هایی که وجود دارد. چالش‌هایی که در جهت بهره‌مندی از فرصت‌ها وجود دارد و هینطور موانعی که بر سر راه است. در جلسات، موضوعات متعددی مطرح شدند و کار کارشناسی در بسیاری از موضوعات مطرح شده صورت گرفت و نتایج آن به کسانی که متولی امر هستند، انتقال پیدا کرد. کمیسیون تمام تلاش خود را دارد چون این رسالت کمیسیون است که به فضای کسب و کار کمک کند، آن را بهبود بخشد و فضایی به‌وجود آورد که از فرصت‌های موجود بهره‌برداری شده و برای اخذ مجوزها و فعالیت‌های بسیاری از سرمایه‌گذاران که می‌خواهند ارزش افزوده ایجاد کنند، کارها را تسهیل کند.

◀ در پایان، برنامه‌های کمیسیون برای تشکیل و ارتقا زنجیره‌های مستحکم، برای زنجیره تامین گردشگری در سال پیش‌رو چیست ؟

اهداف و اولویت‌های کمیسیون در همین راستا بوده است که من تیتروار این اولویت‌ها و اهداف را بیان می‌کنم. اولین هدف کمیسیون که در سال گذشته تدوین شده بر این اساس بود که بیاید شکل‌های بخش خصوصی در حوزه گردشگری را شناسایی کرده و آنها را سامان‌دهی کند. نهایتاً به تاسیس فدراسیون و کنفدراسیون ختم شود. (فدراسیون در سطح ملی و کنفدراسیون در سطح بین‌الملل است.) فدراسیون تشکیل می‌شود از نمایندگان انجمن‌های مرتبط با صنعت گردشگری و بر این اساس نمایندگان با ارائه نظرات‌شان صدایی واحد از مطالبات را به سیاست‌گذاران و دولت ارائه می‌دهند. یکی مشکلات موجود، عدم یک‌صدایی در صنعت گردشگری است، تشکل‌ها و انجمن‌های مختلف در مورد موضوع واحد و خاصی که مورد بحث است، نظرات متفاوت و گاه حتی ضد و نقیضی دارند، تشکیل فدراسیون می‌تواند این نظرات را قدرتمند و یکدست به گوش سیاست‌گذار برساند. موضوع و هدف دیگری که در سال گذشته تدوین شده، این بوده

که کوشش در راستای رونق و توسعه کسب و کارهای نوین گردشگری انجام پذیرد. در این راستا کمیسیون با مراکز علمی ارتباط برقرار کرده و همچنین همکاری‌های متقابلی را با مراکز رشد و شتاب دهنده‌ها آغاز کرده و یک سری رویدادهایی را برگزار کرده است. در شرایطی که کرونا وجود دارد راهکارهایی را برای برون‌رفت از این شرایط با همکاری این مراکز ارائه کرد. موضوع دیگری که کمیسیون تلاش کرده در جهت شناسایی و حذف قوانین و مقررات و رویه‌های مخل، جایگزینی و تدوین قوانین جدید، با توجه به تغییرات دائمی که در صنعت گردشگری که در همه‌گیری کرونا به وجود آمد، کارآمد عمل کند. کمیسیون در این دوره در مجامع و جلسات سعی داشته سیاست‌گذاران را نسبت به بسیاری از موضوعات و دغدغه‌های بخش خصوصی، در خصوص قوانین که مخل توسعه صنعت گردشگری است، آگاه نماید. موضوع این است که مرادوات بین‌الملل و الگو برداری از کمیسیون‌های دیگر کشورها بوده که آنها در این راستا چه می‌کنند؟

ما یک‌سری نشست‌ها با اتاق‌های مشترک داشتیم درخصوص کارهایی که در بخش گردشگری سایر کشورها صورت گرفته و ایران هم می‌تواند از آن موضوعات، الگو برداری کند. از دیگر اولویت‌ها می‌توان به تشکیل شورای عالی توسعه گردشگری جاده ابریشم است، البته با مد نظر قرار دادن اصول توسعه پایدار - که این نیز می‌تواند هم توسعه پایدار صنعت گردشگری را رقم بزند و هم یکی از موضوعاتی است که هنوز از آن بهره‌گیری نشده- در صنعت کشور و آشکارسازی این ظرفیت بالقوه. یک موضوع دیگر در خصوص بازیگران نظام گردشگری، صنایع دستی، هتل‌داری و بوم‌گردی، غذا و خوراک و حمل و نقل، اقتصاد ورزش و هنر و ... بوده است. از دیگر اولویت‌ها پی‌گیری ایجاد پنجره واحد گردشگری، با هدف تسهیل امور کسب و کار و سرمایه‌گذاری در حوزه گردشگری بوده است. همچنین شناسایی ظرفیت‌ها و ارتباط با جوامع بومی-محلی. این ارتباطات به این مهم ختم می‌شود که ظرفیت‌های جوامع بومی محلی، شناسایی شود و جوانان محلی از آموزش‌هایی که در کمیسیون صورت می‌گیرد منتفع شوند. (در جهت توسعه و بهره‌مندی از ظرفیت‌های گردشگری.) همچنین آخرین موضوع، یافتن راه‌کار و ارائه پیشنهاد در خصوص شرایط ناپایدار اقتصادی کشور و بررسی اثرات زیان‌بار شرایط قرنطینه بر کسب و کارها، بیکاری و تهدیداتی که سرمایه‌گذاران با آن مواجه هستند و ... بوده است. که در جلسات متعدد این موضوعات بررسی شده و سعی در یافتن راهکارهای برای این دست مشکلات داشتیم. در این خصوص تفاهم‌نامه‌هایی هم به امضا رسیده‌اند. با توجه به اینکه کمیسیون در این راستا کمیته‌هایی دارد. که یکی از کارهای کمیته‌ها، بررسی تخصصی این‌گونه موضوعات است. کمیته‌ها نظرات خود را به کمیسیون ارائه داده و

تمامی این موارد توسط کمیسیون به سیاست‌گذار منتقل خواهد شد. در سال ۹۹ شرایط همه‌گیری کرونا یک مقدار کار را سخت کرد. اما امید است در سال ۱۴۰۰ برنامه‌های ما با چشم‌انداز بلندمدت‌تر و با نتایج خوبی همراه باشد و بتوانیم در این شرایط از بخش‌های مختلف، خصوصاً روابط عمومی‌ها، مجلات، نشریات و ظرفیت‌هایی که وجود دارد، بهره‌مند شده و همچنین فعالان بخش خصوصی را که با این ظرفیت‌ها آشنا نیستند، آگاه کنیم. همچنین از ظرفیت نشریات الکترونیک بهره‌مند شویم و بتوانیم موضوعات مهم در حوزه گردشگری را اطلاع‌رسانی عمومی کنیم که علاوه بر انتقال تمامی درخواست‌ها به سیاست‌گذاران با فشاری که توسط ذی‌نفعان به ایشان وارد می‌شود (پس از اطلاع‌رسانی عمومی) بتوانیم موضوعاتی که به تنهایی نمی‌شود پیش‌برد را با کمک مطالبه‌گری تک تک بازیگران بخش گردشگری، به نتیجه برسانیم.





مصاحبه با دبیر ستاد خدمات سفر مهندس خلدی نسب گردشگری، توسعه، پیشرفت

مصاحبه کننده: محمد اسماعیل ارجمندی

«**مختصری از فعالیت‌های خود بگویید و اینکه حضور ایران در اجلاس‌های سازمان جهانی گردشگری را تا به امروز، چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

کلامم را با زیباترین واژه‌ای که می‌شناسم، آغاز می‌کنم، نام خدا. هر زمان واژه خرد پیش آید به عظمت و بزرگی خداوند که چقدر راجع به دانش و خرد تاکید کرده عمیق‌تر می‌شویم. من به عنوان یک خدمت‌گذار بیش از ۲۸ سال است که در حوزه‌های مختلف و بویژه، در حوزه گردشگری، توفیق خدمت‌گذاری داشتم. در سال ۱۳۷۲ وارد معاونت سیاحتی و زیارتی وزارت فرهنگ و ارشاد شدم و شروع کارم در حوزه گردشگری از این سال آغاز شد. در سمت‌های متعددی بودم اما به دلیل علاقه و همچنین رشته تحصیلی‌ام (مترجمی زبان انگلیسی) به حوزه بین‌الملل پیوستم و با دنیای فعالیت‌های «سازمان جهانی گردشگری» و «شورای جهانی سفر و گردشگری» و «اكو» هم‌داستان شدم. از دیگر فعالیت‌هایم تمرکز بر مباحث فرهنگی است. (ارتباط بین فرهنگ و گردشگری).

از پتانسیل‌های بالقوه‌ای که در ایران است یکی استقرارش در مسیر جاده ابریشم، به عنوان یکی از کانال‌های اصلی است. می‌توانیم بگوییم به عنوان چهارراه اصلی جاده ابریشم که شرق و غرب را به هم متصل می‌کند و یکی از ظرفیت‌هایی است که می‌توان بر آن تاکید کرد. خوشبختانه در تهران میزبان دومین اجلاس بین‌المللی جاده ابریشم بودیم. که منجر به بیانیه تهران شد و ظرفیت بسیار بالقوه‌ای را ایجاد کرد. اولین دوره این اجلاس در «تاشکند» در ازبکستان برگزار شد و ما برای برگزاری دور دوم اعلام آمادگی کردیم و ظرفیت‌های بسیار خوبی را ارائه دادیم. همین‌طور استمرار پیدا کرد. روند توسعه همکاری‌ها و روابط گردشگری چه در قالب دوجانبه بین ایران و کشورهای خارجی و چه در بحث سازمان‌های بین‌المللی را در این اجلاس توانستیم معرفی کنیم. همچنین این عاملی شد که توانستیم گوشه‌ای از عظمت تاریخ و تمدن، فرهنگ، هنر، آداب و رسوم ایران را به جهانیان نشان بدهیم. یکی از توفیقاتی که در سازمان جهانی گردشگری پیدا کردیم اعلام آمادگی برای میزبانی کمیسیون جنوب آسیا بود که یکی از کمیسیون‌های منطقه‌ای است. این خود عاملی شد برای یک حرکت جدی. دو کشور دیگر هم برای میزبانی در رقابت، اعلام آمادگی کرده بودند. که با تصریح اینکه ما ۲۳ سال است که توفیق این میزبانی را نداشته‌ایم. کشور هندوستان به دلیل روابط حسنه‌ای که بین ایران و هندوستان است خود را کنار کشید و اعلام کرد که میزبانی را به ایران بدهید.

«**یکی از دست‌آوردهای اجلاس تعامل ایران و ژاپن بوده است. این پل ارتباطی چگونه شکل گرفت؟**

برگزاری اجلاس فرصت خوبی شد. میزبانی اجلاس بیشتر بهانه‌ای است که مقامات را به داخل ایران دعوت کنیم و زمینه ساز شود برای معرفی مردم دو کشور با ارتباطات فرهنگی که برقرار می‌کنند و منجر به آشنایی بیشتر به آداب و رسوم و اشتراکات فرهنگی بین دو کشور شود. حرکت‌ها گام به گام برداشته شد و یکی از این حرکت‌ها در رابطه با توسعه همکاری‌ها با ژاپن بود. آنها آژانسی با ماهیت همکاری‌های بین‌المللی به نام «جایکا» دارند. اولین توفیق این بود که به عنوان نماینده ایران سفری به ژاپن رفتیم و در آنجا ایران را معرفی کردم. این قدم زمینه‌ای شد که بتوانیم از سایر ظرفیت‌هایی که در «جایکا» وجود داشت استفاده کنیم. ۴ رکن اساسی را به عنوان پل ارتباطی و همکاری شناسایی کردیم. یکی؛ اعزام نمایندگان کشورهای خارجی است به ژاپن، که با پیشرفت‌های کشور ژاپن آشنا شوند. دومین مسئله؛ اعزام متخصصین و کارشناسان است در حوزه فرهنگی سومین؛ همکاری‌های پژوهشی و چهارمین؛ ارسال تجهیزات فنی. در قالب بحث اعزام نمایندگان ایران تلاش‌هایی انجام شد و ما توانستیم در یک تفاهم سه ساله، هر سال ده نماینده ایران را به مدت یک ماه به ژاپن اعزام کنیم. در آنجا نمایندگان ایران هم با نوسازی مراکز مذهبی و هم با روند سیاست‌گذاری در حوزه گردشگری در ژاپن آشنا شدند و متقابلاً در فرصت‌هایی که می‌شد در بحث توسعه همکاری مشارکت داشتند.

پس از برگزاری دوره نخست و بازگشت نمایندگان، سمینارهایی در بخش خصوصی برگزار شد. حضور نماینده‌گان «جایکا» در این سمینارها و جلسات منجر شد که این دوره سه ساله را به ۵ سال افزایش دهیم. ما ۵ سال هر ماه ده نفر را به ژاپن اعزام کردیم. این دست‌آورد گامی موثر برای بخش توسعه، گسترش و تعمیق روابط بین ژاپن و ایران بود.

«**در موزه ملی ژاپن چند اثر ایرانی نیز وجود دارد. نگاه ژاپن نسبت به فرهنگ و تمدن ایرانی چگونه است؟ نمایشگاه ۷ هزار سال تمدن ایران در کدام کشورها برگزار شد؟**

در موزه «شوسویین» در ژاپن جامی است که در زمان‌های گذشته، شاهزاده‌های ایرانی به شاهزاده‌ی ژاپنی داده، این جام را در موزه‌ای در ژاپن کماکان نگهداری می‌کنند. وجود این جام در موزه ژاپن نیز یکی از پل‌های ارتباطی است که به واسطه آن ایران را معرفی می‌کنیم.

یکی دیگر از اقدامات ما برای معرفی ایران در ژاپن، نمایشگاه ۷ هزار سال تمدن ایران بود که دور اولش در آلمان برگزار شد و مورد استقبال زیادی قرار گرفت. این طرح را به وزارت امور خارجه اعلام کردیم و که پس از تأیید به مدت یکسال در ۵ شهر ژاپن نمایشگاه برگزار شد. اقبال خیلی خوبی داشتیم و مردم ژاپن از این نمایشگاه ایران بازدید کردند. این زمینهای شد برای پژوهش‌گران و کارشناسان ژاپنی در حوزه مرمت و احیای آثار تاریخی تا با ایران در قالب پروژه‌های مشترک در سایت‌های تاریخی ایران همکاری کنند. روند دیگری که بین ایران و ژاپن اتفاق افتاد برگزاری جلسات مشترکی بود که مقامات‌شان به ایران سفر کردند. یکی از این مقامات، آقای پرفسور هیپوچی استاد و رئیس دانشگاه اوزاکا بود که در سفرش به ایران وقتی ظرفیت‌ها را ملاحظه کردند، اعلام آمادگی کردند برای کارهای پژوهشی بین ایران و ژاپن در زمینه باستانی و سایت‌های باستانی ایران.

گام دیگر همکاری بین ایران و کشورهای مثل فرانسه بود که در سفرهایی که اولین معاون رئیس جمهور و رئیس میراث فرهنگی گردشگری به فرانسه داشتند، چهار سند همکاری را بین دو کشور به امضا رسید که یکی از اسناد، تشکیل کارگروه مشترک بین موزه ملی و موزه لوور بود که زمینه ساز شد تا نمایشگاه هفت هزار سال تمدن ایران را با همکاری موزه لوور در فرانسه نیز برگزار کنیم و آنجا هم مورد استقبال قرار گرفت.

عوامل دیگری که می‌شود به آن اشاره کرد در راستای برنامه و گسترش همکاری در منطقه این است که ایران موسسه عالی میراث فرهنگی دارد و این ظرفیت بسیار خوبی است. تصمیم بر این بود تا با همکاری یونسکو و پشتوانه و ظرفیت بالایی که در قالب اساتید پژوهش‌گر و مرمت‌گر در ایران داریم، بتوانیم دوره‌های اساسی آموزشی میراث فرهنگی و کاوش را در ایران برگزار کنیم و کارشناسان کشورهای منطقه را جذب کنیم تا آموزش خود در ایران ببینند و از آنجا که سایت‌های بسیاری هم در ایران است، می‌توانند به عنوان بخش عملیاتی و کاربردی بعد از دوره‌های تخصصی دانشگاهی عملا در این سایت‌های تاریخی هم از نزدیک روند کاوش‌هایی که انجام می‌شود را مشاهده کنند. این برنامه خیلی قوی بود که در دستور کار داشتیم متاسفانه توفیق نشد، در حوزه بین الملل بعد از ۱۵ سال به دلیل تغییرات مدیریتی این توفیق را از دست دادم.

«دست‌آوردهای ایران در اجلاس های پیشین را به اختصار توضیح دهید.»

در سازمان جهانی گردشگری اولین رکن مجمع عمومی است که تمام مقامات عالی رتبه گردشگری کشورها در آن حضور پیدا می‌کنند و تصمیمات قطعی برای دو سال آتی در آنجا اتخاذ

می‌شود. در کمیسیون‌های تخصصی طرح و بحث می‌شود. اما دومین رکن، شورای اجرایی است که تمام برنامه‌هایی که برای دوسال آینده‌تهیه و تدوین می‌کنند در این شورای اجرایی طرح و بحث شده، تصمیم‌گیری می‌شود و نهایتاً برنامه جامع دوسالانه آتی به مجمع عمومی برده می‌شود تا تصویب نهایی شود. میزبانی اجلاس شورای اجرایی توسط ایران یکی دیگر از دست‌آوردهای ما بود. ما آنجا موفق به معرفی ظرفیت‌های کشور ایران به کشورهای خارجی شدیم. یکی از کمیته‌های تخصصی بررسی عضویت سازمان‌ها و مؤسسات گردشگری خصوصی، در سازمان گردشگری جهانی را دارد. ایران هم به عضویت این کمیته نائل شد.

از دیگر فعالیت‌هایی که می‌شود به آنها اشاره کرد. روند توسعه و برگزاری کنفرانس بین المللی فرهنگ و گردشگری بود که با مشارکت UNWTO و سازمان یونسکو در ایران انجام شد. عاملی شد که مولفه‌هایی که مربوط به گردشگری فرهنگی است و از دید فرهنگی می‌تواند مورد توجه باشد، توسط کارشناسان ایرانی طرح و بحث شد و کارشناسان ما نظرات و پیشنهادات خود را اعلام داشتند.این امر بسیار مورد استقبال قرار گرفت. خوشبختانه با تلاش‌هایی که در سال ۲۰۱۸ انجام شد. تبلیغ به عنوان پایتخت گردشگری کشورهای اسلامی توانستیم در کشور نیجر به تصویب برسانیم و با همکاری و گزارشات کارشناسی بسیار خوبی که اداره کل گردشگری آذربایجان شرقی ارائه کرده بودند. در هیئت ژوری ۹ نفره ۷ نفر به ایران رای دادند.

در کنار این مهم مجمع آسیایی گفتگو و همکاری نیز وجود دارد تحت عنوان «ای.سی.دی.» که این نیز اولین دوره‌ای بود که در ۲۰۱۷ ایران میزبانش بود. در دوره دوم «کامبوج» میزبان این مجمع بود و ما نیز به عنوان نماینده از ایران حضور داشتیم. توضیحات را ارائه کردیم و توافقی که در ایران انجام شده بود را در قالب گزارشی مختصر ارائه کردیم و نهایتاً توفیق پیدا کردیم که «همدان» را به عنوان پایتخت گردشگری کشورهای عضو «ای.سی.دی.» یا «مجمع گفتگو و همکاری آسیایی» که بالغ بر ۴۰ کشور هستند، به تصویب برسانیم. در اجلاس ای.سی.دی یکی از کشورهای که نظرات کارشناسانه و دقیق ارائه می‌کرد و ایران بود. در کنار بیانیه‌های مربوط به جلسه، من شخصا در مورد همدان تحقیقاتی را آماده کرده بودم، از پیشینه تاریخی تا ظرفیت های گردشگری(به زبان انگلیسی) با تصاویر به عنوان یک پرزنتیشن. دبیرکل به من اشاره کرد که مبنای پیشنهاد شما برای معرفی شهر همدان به عنوان شهر گردشگری کشورهای آسیایی چیست؟ من یک نسخه از مصوبات سال ۲۰۱۴ که در منامه بحرین برگزار شده بود و بند ۱۴ آن به همین موضوع اختصاص داشت به دبیر کل اجلاس ارائه دادم. با ملاحظه‌ای که انجام شد و رای‌گیری بعد از آن همدان به تصویب رسید و عنوان «شهر

گردشگری کشورهای آسیایی را کسب کرد. در سال ۲۰۱۸ هم تبریز و هم همدان میزبان این دو اجلاس بودند.

«سال ۹۹ را چگونه ارزیابی می‌کنید. آیا پیشرفتی در مسیر تحقق اهداف صورت گرفته؟»

ما طبق چشم انداز بیست ساله، برنامه داشتیم تا ۱۴۰۴ میزبان پذیرایی ۲۰ میلیون گردشگر و ۲۵ میلیارد دلار درآمد (به میزان دو درصد اقتصادی) برای ایران فراهم کنیم که حرکت این روند با توجه به تلاش‌های انجام شده به خوبی پیش می‌رفت. اما متاسفانه در سال گذشته، بحث کرونا پیش آمد و تمام برنامه‌ها که به صورت جهشی داشت پیش می‌رفت، متوقف شد. منجر به این شد که ما توجه را به سمت امنیت و سلامت جان مردم متمرکز کنیم. اولویت تماما به سمت بهداشت معطوف شد تا سلامت جان عزیزانمان را تامین کنیم. بعد از یک سال در حال تلاش هستیم در کنار این شرایط بحرانی و تحمیلی با رعایت تمامی پروتکل‌های بهداشتی، روندی که آغاز کردیم را پی‌گیری نماییم. ما تلاش می‌کنیم بحث سفر کماکان ادامه داشته باشد. ما تشویق به سفر نمی‌کنیم، چرا که اولویت ما، امنیت مسافران و میزبانان سفر است. امیدواریم که بعد از واکسناسیون تمامی مردم و ایمنی عزیزان بتوانیم دوباره برنامه توسعه گردشگری را ادامه دهیم.

امید است که کارهای موثرتری انجام شود. هنوز ظرفیت‌های فرهنگی و گردشگری ایران ناشناخته مانده. کشوری که دارای ۴ فصل است و در تمام طول سال می‌تواند میزبان گردشگران باشد. ایران در طول سال می‌تواند در بیست دیزین شما را مهمان اسکی کند و با یک ساعت و نیم پرواز به سمت جنوب می‌تواند تعطیلاتی عالی را در کنار آب‌های گرم خلیج فارس به شما وعده بدهد.

«برای سال ۱۴۰۰ بجز بحث اقامت گاهها ستاد مرکزی هماهنگی خدمات سفر، برنامه‌ی دیگری هم دارید؟»

عمده مردم علاقمندند در تعطیلات عید نوروز، به سفر بروند و حرکت بسیار کلانی را در زمان تعطیلات عید نوروز در سفرهای داخلی شاهد هستیم. در گذشته ستاد تسهیلات نوروز دایر بود که عمدتاً به تعطیلات نوروز و گردش مردم می‌پرداخت و بعد ما بررسی کردیم و دیدیم ما تعطیلات تابستانی را هم داریم و در تعطیلات فواصل بین التعطیلین، نیز مردم علاقه‌مند به سفر هستند. این شد که در بهمن ماه سال ۱۳۹۲ گزارشی تخصصی تهیه و ارسال شد برای هیئت محترم وزیران و منجر به تشکیل «ستاد مرکزی هماهنگی خدمات سفر» شد، که سیاست‌گذاری را در چهارچوب ایجاد تسهیلات با برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، نظارت و فراهم کردن امکانات لازم، که مردم بتوانند در سراسر ایران به

راحتی سفر کنند. آماری که در سال ۹۸ ارائه کردیم چیزی بالغ بر ۷۰ میلیون اقامت ثبت شده در کشور در ۱۸ روز اتفاق افتاده بود. در یک بازه زمانی کوتاه ملاحظه می‌کنید که حجم کلانی از اقامت مردم است.

البته سابق مسافران در پارک‌ها چادر می‌زدند، در کنار خیابان‌ها در مدارس اسکان می‌گرفتند و … ما با نظارت سعی کردیم مردم را به اقامت در مکان های دارای مجوز سوق دهیم. و تسهیلات مناسبی را به مردم ارائه کنیم که تعطیلات خوبی داشته باشند.

در سال ۹۸ ما شعاری را انتخاب کردیم تحت عنوان «نوروزبانان بی نوروز.» مردم خودشان ملاحظه می‌کنند که پلیس راهبر حضور دارد و در میادین ورودی شهرها کمپ‌هایی را استقرار داده‌اند که مرکب از اورژانس، هلال احمر، دوایر و دفاتر اطلاع رسانی و… است. شاید مردم اینها را ببینند و رد شوند. اما این عزیزان افرادی هستند که در ایام نوروز که مردم به سفر می‌روند و از تعطیلات خود لذت می‌برند در تلاش‌اند تا از این ایام را با خاطره‌ای خوش برایشان بسازند.

«لطفا در مورد شعار بین المللی که مصوب آن شما بودید هم توضیحاتی را بفرمایید.»

یکی از مواردی که در سازمان WTO سازمان جهانی گردشگری مطرح می‌شود که یک حرکت یکپارچه را ایجاد کند و همه کشورها براساس یک عنوان حرکت کنند. هر دو سال یکبار از کشورها درخواست می‌کنند که شعاری را پیشنهاد دهند. خوشبختانه در سال ۲۰۰۱ که سال گفتگوی تمدن‌ها مطرح شد. فرصت بسیار خوبی شد و من پیشنهاد دادم اینطور مطرح کنیم «جهانگردی ابزاری برای صلح و گفتگوی تمدن‌ها» که مورد استقبال قرار گرفت و به عنوان شعار سال ۲۰۰۱ تصویب شد. رکن اساسی گردشگری ارتباط مرد است. اون سال ما میزبان تعداد زیادی توریست به ایران بودیم. این خیلی خوب است که نمایندگانی که از ایران به اجلاس‌ها اعزام می‌شوند، انعکاسی از فرهنگ و تمدین ایرانی باشند.

ژئوتوریسم چیست؟

چرا به مهمترین موضوع گردشگری جهان و ایران تبدیل شده است؟

مهرداد سرهنگی
ایده پرداز و پژوهشگر ژئوتوریسم



ژئوتوریسم (Geotourism) یا همان گردشگری زمین شناسی که به آن زمین گردشگری نیز گفته می شود، شاخه ای از صنعت گردشگری است که به استفاده از پدیدهها و جذابیت های زمین شناختی، ژئومورفولوژیکی و میراث معدن کاری می پردازد. مخاطبان زمین گردشگری، نه تنها متخصصان و کارشناسان زمین شناسی و ژئومورفولوژی، بلکه گردشگران عادی و تمام علاقه مندان به طبیعت هستند که در جریان فعالیت های زمین گردشگری، ضمن بازدید از پدیده های جذاب زمین شناسی، با میانی پیدایش و اهمیت وجودی آنها نیز آشنا می شوند. این صنعت توریسمی در مناطقی که دارای یادمان ها، آثار، رخساره های خاص زمین شناسی و پدیده های ژئومورفولوژیکی، از جمله غارها، آبشارها، دریاچه ها، کوه ها، دره ها، سنگواره ها، چشمه ها، مخاطرات زمین، معادن و غیره باشند قابل توسعه می باشند.

این صنعت نوظهور از سال ۲۰۰۲ میلادی، مورد توجه سازمان جهانی یونسکو قرار گرفت و باعث ایجاد ژئوپارک های جهانی شد که در نهایت با محوریت ژئوتوریسم شبکه ژئوپارک جهانی شکل گرفت و باعث رشد گردشگر و تحول اقتصاد محلی در این مناطق و کشورها گردید که یکی از آنها نیز ژئوپارک جهانی قشم می باشد.

در ایران نیز هم پا با جهان کارهای جسته گریخته انجام شده که قابل تحسین می باشد. اما مهم ترین اصل این قضیه، تهیه نقشه و پتانسیل یابی پدیده های ژئوتوریسمی است که بعد از نقشه ژئوپارک های پیشنهادی ایران به یونسکو، اولین و تخصصی ترین نقشه ژئوتوریسمی ایران و خاورمیانه توسط اینجانب در منطقه «سرعین» استان اردبیل که یکی از پرپتانسیل ترین مناطق ژئوتوریسمی ایران است در سال ۱۳۹۷ تهیه گردید. در قالب یک نقشه ۱:۲۵۰۰۰ که تمامی جاذبه های منطقه را پوشش می دهد و مدلی شد برای تهیه نقشه های گردشگری استاندارد با پوشش کشوری که در حال انجام است.

در ایران عزیزمان پدیده های بسیار شاخص و مهم ژئوتوریسمی در سطح ملی و جهانی وجود دارد که به معرفی بعضی از آنها می پردازیم.

کوه سیلان

این کوه که با ارتفاع ۴۸۱۱ متر، سومین قله مرتفع ایران است. به دلیل قرار گرفتن دریاچه ای زیبا به اسم «سلطان ساوالان» در دهانه آتشفشانی آن، در ارتفاع ۴۷۶۹،۵ متر و مساحت ۵۸۱۰ مترمربع، جزو سه دریاچه مرتفع آتشفشانی جهان و یکی از منحصربه فردترین پدیده های ژئوتوریسمی ایران بوده، که همه ساله کوهنوردان و گردشگران بی شماری را برای دیدن این دریاچه و دیگر جاذبه های پیرامونی خود جذب می کند.

جزیره هرمز (ژئوفود)

جزیره هرمز که به عنوان بهشت زمین شناسی ایران معروف است، یکی از جزایر زیبای تنگه هرمز می باشد. این جزیره به دلیل نوع ساختارهای زمین شناسی و رسوبات موجود به جزیره هزاررنگ نیز در بین گردشگران معروف بوده که در طی فرآیند میلیون ساله و تحت تاثیر بالآمدگی گنبد نمکی از داخل آب به وجود آمده است. از جاذبه های آن می توان به ساحل سرخ، ساحل سیاه، ساحل لاک پشت ها، غار نمکی رنگین کمانی و ... اشاره کرد. جزیره هرمز، یکی از مهم ترین مقاصد ژئوتوریسمی خصوصا فصل زمستان می باشد. این جزیره به دلیل ویژگی خاص خود به عنوان یکی از مناطق ژئوفودی (Geo Food) ایران نیز مطرح است.





آتشفشانی به خصوص چشمه‌های آب گرم درمانی «سبلان» که به مراکز ژئوتراپی معروف هستند را می‌توان نام برد.

ژئوتوریسم معادن

بخش مهمی از چرخه زندگی انسان‌ها، حاصل فعالیت‌های معدنی در سطح و اعماق زمین است. این فرآیند از زمان‌های بسیار دور، همراه بشریت بوده که از آن به عنوان معدن‌کاری کهن در ژئوتوریسم یاد می‌شود. بخش عظیمی از این فرآیند با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی در حال حاضر رقم می‌خورد که در کنار فعالیت اقتصادی اخیراً به عنوان ژئوتوریسم معادن جهت رشد و توسعه اقتصاد بومی و محلی رواج پیدا کرده و گردشگران می‌توانند، با حفظ ایمنی، از نوع معدن‌کاری و فرآیند کار و جاذبه‌های ایجاد شده حاصل از معدن‌کاری استفاده برده و تفریحات و گردش‌مفرحی را داشته باشند.

آبشارها

آبشارها، یکی دیگر از پدیده‌های بسیار جالب ژئوتوریسمی هستند که به شکل‌های مختلف و تحت تاثیر حرکت آب و مواد روان بر روی سنگ‌ها، گسل‌ها و شکستگی‌های حاصل از فرآیندهای بیرونی زمین، در غارها، دریاها، یخچال‌ها، معادن و سطح زمین تشکیل می‌شوند. به دلیل تنوع ساختاری و لایه‌های زمین‌شناسی ایران، آبشارهای بسیاری در سطح کشور وجود دارد که از مهم‌ترین و جذاب‌ترین مناطق گردشگری ایران می‌باشند.

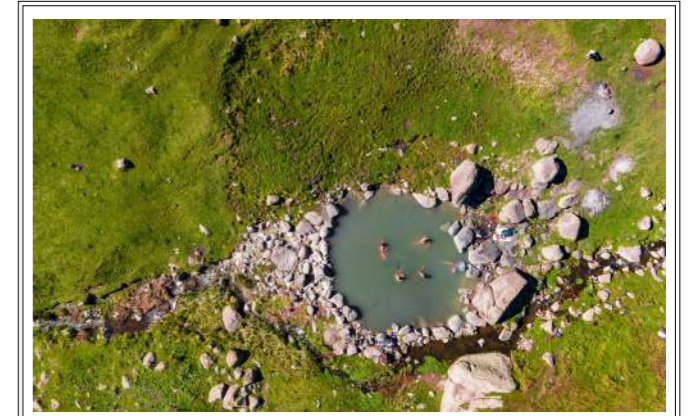


کوه‌های رنگی آلاداغ (ژئوتوریسم هوایی)

یکی از زیباترین مناطق ژئوتوریسمی کشور لندفورم‌های رنگی، مربوط به رسوبات مارنی، ماسه سنگی و آهکی زمان نئوژن اتوبان زنجان به تبریز و منطقه میانه است که نگاه هر مسافری را در این جاده به خود جذب می‌کند و خستگی را از تن راننده و مسافر می‌کاهد. این منطقه را نیز از نظر ژئوتوریسمی به عنوان مقصد ژئوتوریسم هوایی (Aerial Geotourism) می‌توان نام برد. به طوری که خط پروازی تهران به تبریز، استانبول و اروپا از این منطقه عبور می‌کند و تماشای آن از فراز آسمان، تفکر هر مسافری را به چگونگی تشکیل و تکامل زمین مشغول می‌نماید.

چشمه‌های آب گرم و معدنی (ژئوتراپی)

هر جا آبی می‌جوشد، با خود زندگی و حیاط می‌آورد. ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و نحوه تکامل زمین‌شناسی خود و همچنین وجود توده‌های آتشفشانی، کوه‌ها و گسل‌های فراوان، باعث خروج آب‌های گرم و معدنی از اعماق زمین به سطح زمین می‌شود. حال اگر این چشمه‌ها گرم باشند، باعث ایجاد استخرهای آب‌گرم‌درمانی در دل طبیعت خواهند شد که جهت آب‌تنی و ورزش مورد استفاده قرار می‌گیرند. اگر از نوع رسوبی باشد، باعث ایجاد ساختارها و اشکال زیبای حاصل از رسوب‌گذاری املاح آب می‌شود که از پدیده‌های بسیار مهم و زیبای ژئوتوریسمی ایران است. این گونه چشمه‌ها گستردگی بسیار بالایی دارند، از جمله چشمه باداب سورت، چشمه گراوان و آبگرم‌های اطراف کوه‌های



خیریه لبخند ایتم

شدم من حامی لبخند ایتم
توام ای دوست از حامیان باش

آدرس شعبه جهت مراجعه حضوری:

تهران / منطقه ۱۷ / میدان ابوذر (فلاح سابق) / بیست متری ابوذر /
روبه روی ۱۴ متری باقری (سالم) / جنب داروخانه / پلاک ۷۹۵ /
خیریه لبخند ایتم


شماره کارت جهت واریز:


۵۸۹۲۱۰۱۲۱۱۸۷۸۸۸۵

شماره ثبت:

۴۲۹۲۷



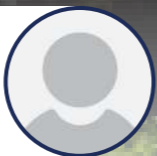
 LABKHANDEAYTAM

 HAMIYANLABKHAND



آرامش در طبیعت...

صحرا محمودیان
روانشناس



دادن» نسبت به اتفاقات منفی، به سمت «پاسخ دادن» با هوشیاری می‌باشد.

این‌که شما متوجه این واقعیت می‌شوید که وقتی دچار استرس شده‌اید ممکن است قبل از انجام هر کاری چانه‌تان فشرده شود یا شانه‌هایتان به سمت داخل خم شود. با آگاهی به این موضوع می‌توانید میزان تنش‌ها را کاهش دهید.

با تمرینات ذهن آگاهی به پذیرش احساس ناخوشایند (مانند استرس یا اضطراب) دست پیدا می‌کنید که جایگزین انکار یا جنگ با آن می‌شود. آن‌چه که در این‌جا اهمیت دارد، درک شما از تجربه‌هایتان است.

با این‌کار شما، به بدن و ذهن‌تان استراحت می‌دهید. به جای این‌که وقت‌تان را صرف انجام دادن یا رسیدن به چیزی کنید، فرصتی را به خودتان می‌دهید که فقط باشید. که به معنای حضور آگاهانه در زمان حال، «اینجا و اکنون» می‌باشد. در آخر به تدریج اتفاقات را از زاویه دید متفاوتی می‌بینید و نسبت به مسائل زندگی، نگرش بهتری بدست می‌آورید.

*یادمان باشد: آن چیز که ما را خوشبخت می‌کند، استعدادهای ما نیست بلکه انتخاب‌های ما است.

ویلیام گلسر

دیگر می‌رود و گاهی افکار آهسته حرکت می‌کنند و فاصله میان آنها می‌افتد.

حضور آگاهانه در آن، همیشه دختر طبیعت را به یک سفر درونی دعوت می‌کند که با عبور از جاده کنجکاوی می‌تواند ماجراجویی‌هایش را به یک احساس رضایت درونی تبدیل کند، صرف نظر از این‌که بخواهد فقط یک روز را سپری کرده باشد و با آگاه بودن به این مسئله که ما افکارمان نیستیم بلکه نظاره‌گر بر افکارمان هستیم و با دریافت انرژی مثبت جهان هستی می‌توانیم برای آرامش و کاهش تنش‌های روزمره‌مان گام‌هایی برداریم.

دکتر «ریچارد لازاروس»؛ محقق استرس و روان‌شناس معروف، استرس را این‌طور تعریف می‌کند: «استرس رابطه‌ای بین شخص و محیط اطرافش است. شخص آن را این‌طور ارزیابی می‌کند که این اتفاق بر منابع انرژی‌اش تحمیل می‌شود یا فراتر از توان منابعش است و سعادت و رفاه او را تهدید می‌کند.» بنا بر تعریف «مایند فولنس» یا همان «ذهن آگاهی» عبارت از کسب هوشیاری نسبت به تجربه‌های درونی و بیرونی به همراه نوعی حس مهربانی، کنجکاوی و پذیرش است. حالا چطور مایندفولنس می‌تواند به شما کمک کند؟

((حقیقت عینی آگاه بودن از عکس‌العمل‌ها، خود عکس‌العمل را تغییر می‌دهد.)) : یعنی تغییر مسیر از «واکنش نشان

کنیم و برای بهبودش قدمی برداشته تا بتوانیم ذهنمان را به تعادل برسانیم. مانند همین خانه‌تکانی‌های نزدیک عید که در تلاشیم زیبایی، آرامش و حال خوب را به خودمان هدیه بدهیم.

شما این توانایی را دارید که با بالابردن میزان انعطاف‌پذیری در خودتان، خوشحالی بیشتری را در وجودتان پرورش دهید. ممکن است ذهنتان درگیر این مسئله شود که لحظات خوشی کوتاه هستند و ناپایدار. اما خبر خوب این است که شادی امری است کاملاً مسری و نکته مهم‌تر این‌که شما با معنا بخشیدن به اتفاقاتی که برایتان رخ می‌دهد، می‌توانید پایداری آن را در زندگی خود، بیشتر کنید.

جالب است که بدانید بنابر یک سری تحقیقات، افرادی هستند که آگاهانه انتخاب می‌کنند در زمان خیلی سخت، رشد کنند که آن را «رشد پس از سانحه» می‌نامند، این فقط یک گزینه است که این افراد آن را انتخاب می‌کنند و به سمت چیزی حرکت می‌کنند که باعث بالارفتن رشد و یادگیری و احساس خوب‌شان می‌شود، درست مانند این‌که شما انتخاب می‌کنید که در یک روز تعطیل به دامان طبیعت بروید.

طبیعت مانند مادری مهربانی که سخاوتمندانه تمام نعمت‌هایش را به ما می‌بخشد و ذهن مانند اقیانوسی است. گاهی پرخروش و گاهی آرام، گاهی بی‌وقفه از فکری به فکر

«من باور دارم که یک برگ علف، کمتر از کار ستارگان نیست.» «والث ویتمن»

آیا زندگی مانند یک سفر است؟ یا سفر کردن خود زندگی است؟ نگاه تو به زندگی چه رنگی دارد، چه شکلی است؟ اولویت‌هایت در زندگی چه چیزهایی هستند؟ اصلاً اهل جستجو و یادگیری هستی، یا ترجیح می‌دهی از دایره‌ی امن خارج نشوی؟

به نظرم هر کدام از ما می‌توانیم این سؤال را از خودمان بپرسیم. چرا که هر لحظه در حال انتخاب هستیم.

دختر طبیعت: پرسه زدن در کوچه پس‌کوچه‌ها است، نه فقط شهر خودش بلکه آن مقصدی را که آگاهانه انتخاب کرده. رفتن به بازارچه و حجره‌های قدیمی و خوردن فالوده‌ی شیرازی. دیدن مکان‌های جدید، فرهنگ‌های متفاوت، آداب و رسوم مختلف و یا هم صحبت شدن با اهالی روستا با آن لهجه شیرین و لباس‌های زیبایشان، سراسر لذت بخش و پر از یادگیری است.

سفر یعنی: پختگی، چرا که باعث می‌شود تو شناخت بیشتری و جامع‌تری نسبت به خودت و محیط پیرامونت بدست بیاوری.

سفر به تو یاد می‌دهد: که هر چیز اضافی را از خودت دور کنی و به سمت ناشناخته‌ها بروی، سبک، آزاد و رها.

اما از طرفی: آیا حواسمان به سلامت روان‌مان هست؟ این‌که هر محرکی که باعث ناراحتی ما می‌شود را شناسایی



در رابطه با اقامتگاه‌های بوم‌گردی باید بگویم، فکر می‌کنم من اولین نفر در ایران هستم که تقریباً نود درصد (شاید هم بیشتر) اقامتگاه‌های بوم‌گردی را بازدید کرده‌ام و با در طول سفرهایم در آنها اقامت داشته‌ام. همین‌طور باید بگویم در طول سفرهایم تجربیات زیادی در رابطه با انواع اقامتگاه‌های بوم‌گردی در شهرهای مختلف ایران کسب کرده‌ام. نقاط ضعف و قوت زیادی را در آنها دیده و بررسی کرده‌ام و از آنجایی که علاقه زیادی به بوم‌گردی داشتم و دارم مطالعاتی هم در این زمینه انجام داده‌ام که در کنار تجربیات زیادی که در سفرهایم از اقامت در اقامتگاه‌ها بدست آوردم انگیزه خوبی به من داد تا به عنوان مشاور تجربی بوم‌گردی به مدیران اقامتگاه‌ها بطور داوطلبانه کمک کنم. من اینجا لازم میدانم تعریفی از اقامتگاه‌های بوم‌گردی ارائه بدهم.

اقامتگاه‌های بوم‌گردی، اقامتگاه‌هایی هستند که در محیط‌های طبیعی و بومی، با رعایت بالاترین سطح ممکن ضوابط زیست‌محیطی و به شکلی سازگار با معماری بومی، بافت تاریخی و سیمای طبیعی منطقه تأسیس شده و ضمن حداکثر تعامل با جامعه محلی و توجه به تنوع اقلیم، زمینه حضور گردشگران را با کیفیتی قابل قبول و تعریف شده، فراهم می‌نمایند.

از جمله مهم‌ترین ارکان این‌گونه اقامتگاه‌ها میتوانم به بهداشت محیط آنها اشاره کنم که رکن بسیار حائز اهمیتی است. دو مسئله همیشه دغدغه خاطر گردشگران و مسافران است:

اول؛ تمیز بودن سرویس‌های بهداشتی، حمام و اتاق استراحت و دوم؛ تمیز بودن رختخواب‌های محل اسکان و بی نقص بودنشان.

اما مسئله‌ای که برای خود من به عنوان یک گردشگر و ایران‌گرد خیلی مهم است اصل یک، مهمان‌نوازی، خوش اخلاقی و گشاده رویی است. ایجاد حس صمیمیت منطقی، قابل قبول، تعامل و ارتباط پسندیده با مهمان در اقامتگاه‌های بوم‌گردی بسیار حائز اهمیت است.

نکته دیگری که میتوانم به آن اشاره کنم، ایجاد زمینه آشنایی مهمانان با فرهنگ، آداب و رسوم محلی و بومی میزبان است. استفاده از غذاهای محلی، پوشش‌های محلی، تزئینات بومی و محلی از اصول اولیه این نوع اقامتگاه‌ها است. نکته قابل ذکر دیگر این است که کلیه اقامتگاه‌های بوم‌گردی باید طرح‌های مشخصی در خصوص مدیریت و بازیافت پسماندها و همچنین استفاده بهینه از پس‌آب‌ها به اجرا درآورند. وجود اقامتگاه‌های بوم‌گردی نباید در هیچ شرایطی به آلودگی زیست‌محیطی بستر پیرامون خود، منتهی شود. البته در رابطه با اقامتگاه‌های بوم‌گردی نکات مهم بسیار زیادی وجود دارد که می‌شود بطور گسترده به آنها پرداخت و راجع به آنها صحبت کرد.

بوم‌گردی با مستانه

مستانه بیگی



« با سلام. مستانه بیگی هستم، ایران‌گرد، مدرس دانشگاه، راهنمای تور و مشاور بوم‌گردی، هشت سالی می‌شود که ایران‌گردی می‌کنم. ایران‌گردی، یکی از بزرگترین آرزوهای من بود که برای رسیدن به این آرزو، سال‌ها کار، تلاش، پس‌انداز و برنامه‌ریزی کردم. هشت سال پیش سفرهایم را با برنامه‌هایی دقیق، مکتوب و از پیش تعیین شده شروع کردم.

@MASTANEBEI

آن نقطه از غار، به حال نزدیک تر است. زمانی که در مسیر این تونل‌ها پیاده‌روی می‌کنید، دیواره‌هایی از جنس نمک را مشاهده خواهید کرد که در سراسر آن قندیل‌هایی از نمک آویز هستند و همین موضوع، زیبایی خاصی را به تونل نمکی در گرمسار بخشیده است.

بعد از دیدن غارهای نمکی به یک رستوران محلی زیبا و باصفا رفتیم. آن‌جا «ته‌چین گوشت گرمساری» خوردیم که یکی از غذاهای معروف سمنان و بسیار خوشمزه است. در آن رستوران با موتورسوارهای دیگری همراه شدیم و از جاده آب سرد که بسیار جاده زیبا و بی‌نظیری است، به سمت تهران بازگشتیم و سفری یک شب و دو روزه عالی را با کمترین هزینه و بیشترین لذت به پایان بردیم و هفته‌ای عالی را شروع کردیم.



از تهران حرکت کردیم و بعد از رسیدن به دماوند رفتیم به محل برج شبلی. برج شبلی، برج کوچک اما بسیار قشنگی بود، آجرکاری متنوع و با سلیقه‌ای داشت. کوچه‌های منتهی به برج هم با صفا بودند و برای پیاده‌روی آرام، مناسب. برج شبلی در نکوداشت حاکمی بعد از مرگش ساخته شده و به نظرم هر یادمانی برای آدم‌های خوب، انرژی متفاوتی دارد. آجرکاری در دوران سلجوقیان بسیار پر رونق و اثر ارزشمندی است که از آن دوران مانده. اگر صدای خوبی دارید، در داخل برج می‌توانید آواز بخوانید و از انعکاس صدا در این مکان لذت ببرید.

پس از دیدن برج، به سمت مزرعه رفتیم. هر اندازه از قشنگی مزرعه بگوییم کم است. مزرعه تشکیل شده از یک منطقه وسیع با مکان‌هایی دیدنی و جذاب که همگی در این مجموعه قرار دارند. در واقع مزرعه خورشید (واقع در دماوند) اولین مزرعه گردشگری کشور است. همچنین سومین هتل نمکی جهان و اولین هتل نمکی در ایران.

جاذبه‌های گردشگری این مزرعه شامل:

لاک پشت خانه، ماهیگیری به همراه طبخ بعد از صید، دلیجان، تراکتور و تراکتور سواری، ایستگاه فرغون سواری، آگراتوریسم و محصولات ارگانیک، پیست سراسره، آموزش کار با چوب، محصولات محلی مزرعه، سالن سنتی، پیست تیوپ سواری، فعالیت‌های گروهی شبانه، حیوانات اهلی مزرعه، ایستگاه تاب خانوادگی، آموزش کار با تراکتور، خرگوش‌خانه، کامیون سواری، باغ دره خورشید، هتل نمکی، زمین ماسه‌بازی، پل معلق کابلی، استخر رو باز کودک، بخش پرندگان اهلی مزرعه، مهد کودک حیوانات، استخر گاومیش، بازی و مسابقات گروهی، ایستگاه الاغ سواری، آموزش شیر دوشی سنتی، باشگاه سوارکاری، آموزش پخت نان کودکان، رستوران و کافی شاپ. اما همه این‌ها یک طرف و بودن در اتاق‌هایی که با سنگ نمک ساخته شده، همراه با دیدن دماوند در طرفی دیگر واقعا خستگی را از تن‌تان به در می‌کند. صبح بعد از صبحانه راهی گرمسار شدیم، برای دیدن غار نمکی. گرمسار خودش شهر جذاب و دیدنی در استان سمنان است که قدمتش به دوران اشکانیان بازمی‌گردد. در همسایگی این شهر دیدنی یک کویر پهناور، کوه دماوند و چندین قلعه‌ی دیگر قرار گرفته است که جلوه‌ی بی‌نظیری را برای بازدیدکنندگان فراهم می‌کند. تونل نمکی در گرمسار بزرگترین معدن و تونل نمکی، در منطقه خاورمیانه است و در حال حاضر ۴۰ تونل نمک را در خود جای داده است. این غار سهم عمده‌ای در استخراج نمک در کشور ایران دارد. البته این یک غار به اصطلاح «دست‌کن» است. دیواره‌های خاردار این معدن، تیره و طوسی رنگ است و هر چه به عمق آن نزدیک‌تر می‌شویم، درون این غار روشن‌تر و براق‌تر می‌شود. نزدیک شدن به سطح‌های روشن‌تر، گویای این موضوع است که زمان حفر

بابک ابراهیمی

سفرهای بابک بابی و هزار راه نرفته!

«خیلی ناگهانی تصمیم به سفری کوتاه به حومه را گرفتم و از آن جایی که سفر و مسافر، جاده و عابر هم دیگر را پیدا میکنند و بدون هر کدام آن یکی ناتمام و بی‌معنی می‌شود، گفتم یک جایی نزدیک تهران را ببینیم. دماوند پر از قصه، راز، افتخار و بسیار جای دیدنی. در نمایشگاهی که داشتم، با یک زوج گردشگر آشنا شدم که مزرعه خورشید را داشتند. با خود گفتم قبل آن برج قدیمی را هم سر راه ببینیم. در همسفرهایم خانمی موتور سوار، عضو فدراسیون هم بودند که واقعا راید باه ایشان لذت‌بخش است. این خانم، نمونه‌ای از خانم‌هایی هستند که واقعا به‌تنهایی و بدون حمایت این مسیر را شروع کردند و با همه سختی‌ها و قضاوت‌هایش کنار آمده‌اند و به قهرمانی در این رشته رسیدند.»

گیله مرد در مسیر جنوب!

بهمن گيله مرد



وقتی که سفر جنوبم را شروع کردم، هیچ وقت فکرش را هم نمی‌کردم قبل از رسیدن به جنوب پایم به یکی از باشکوه‌ترین بناهای تاریخی باز شود، که حتی اسمش هم تا آن روز به گوشم نخورده بود.

از رشت حرکت کردیم، با خودم گفتم برای اقامت، نزدیک یزد که شدیم جایی برای استراحت پیدا می‌کنیم. همان نزدیکی بودیم که استوری گذاشتم بچه‌ها، برای اقامت کجا را پیشنهاد می‌دهید؟ هرکسی جایی را معرفی کرد. تا اینکه یکی از گزینه‌ها خیلی جدی‌تر شد. آدرس را پرسیدم. خبری از یزد نبود! روستای فهرج. اقامتگاه کدخدا راستش را بخواهید تا اون موقع حتی اسمش را هم نشنیده بودم. اما وقتی سبا گفت یکی از قدیمی‌ترین مسجدهای خشت و گل ایران آنجاست، بی‌معطلی آدرس را گرفتم و راهی روستای فهرج شدیم. شب بود و رنگ زرد و آفتابی تیر چراغ برق‌ها روی دیوارهای خشت و گل روستا، تصویر افسونگری به بافت قدیمی روستا داده بود. شب خیلی سردی بود، آن قدر که حتی حوض کوچک داخل اقامتگاه به قطر یک متر کاملاً یخ زده بود. آنجا بود که تازه فهمیدم قدیمی‌ها وقتی میگفتند تا حالا یخ حوض شکستی؟ صحبت از چه می‌کنند.

آن شب با شوق دیدن مسجد شیستانی نشستیم پای آتشی که محمد؛ مدیر اقامتگاه، وسط حیاط بخاطر ما برپا کرده بود و تا نیمه‌های شب از قصه‌های مسجد و روستا و لشگرکشی اعراب برای ما گفت. از اینکه دین مردم اینجا زرتشت بوده و قدمت این روستا به ۵ هزار سال پیش برمی‌گردد و ... صبح که شد به بهانه دیر شدن ادامه مسیر با عجله رفتم سمت مسجد. بنایی با عمر ۱۴۰۰ سال!

مسجد جامع فهرج؛ ۱۴۰۰ سال پیش این بنا با خشت و گل ساخته شد. این مسجد در نیمه اول سده اول هجری وقتی که اعراب برای کشورگشایی به این منطقه عازم شدند، مردم روستا که پیرو دین زرتشت بودند به خاطر پرهیز از جنگ این مسجد را با دست‌های خودشان در چند روز ساختند. جدا از قدمت قابل توجه این بنای خشت و گل، معماری آن است که مورد توجه زیادی قرار گرفته. به گفته استاد «محمدکریم پیرنیا»، پدر معماری ایران، طراحی و معماری این بنا با طراحی و معماری یکی از طبقات تخت جمشید، به‌نام خزانه، مو‌نمیزند. وجود حوض وسط این مسجد، سرستون‌های چوبی و یک سری دیگر از المان‌های معماری، دلیل بر این مدعا است. از نکته‌های قابل توجه دیگر این مسجد، وجود المان‌های میترائیسیم، روی دیواره‌ها است. (مثل نقشه هفت پر خورشید). اما مهم‌ترین دلیلی که عنوان می‌شود، این بنا از همان ابتدا به عنوان مسجد ساخته شده، وجود شیستان‌هایی است که به سمت قبله ساخته شده‌اند.

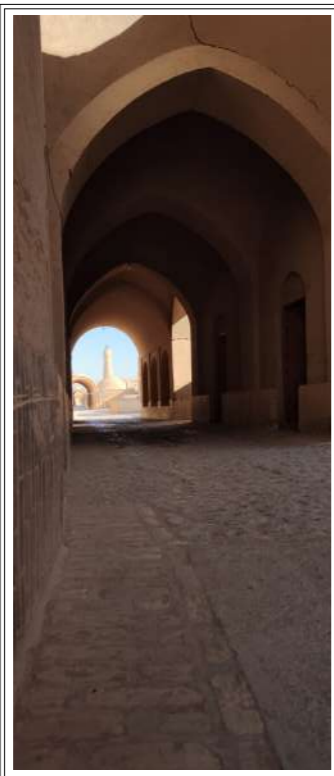
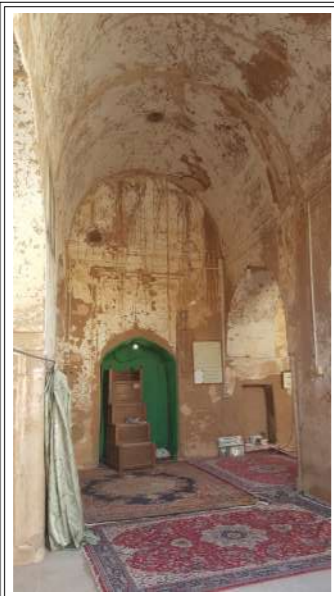
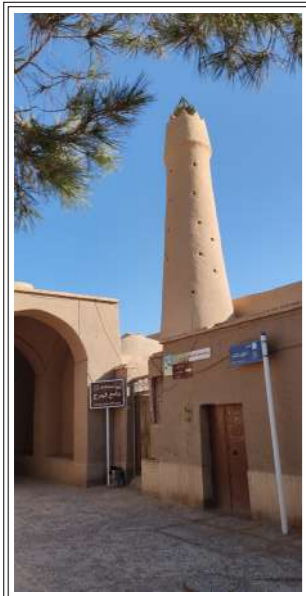
من در جاده به سمت قشم، همان‌طور که پیچ‌های جاده مرا با خودش به هر طرفی که می‌خواست می‌برد، به این فکر می‌کردم که ما کجای این قصه هستیم؟ سهم ما چیست؟ چه کار باید بکنیم؟

سفر عجیب جنوب من، از اینجا بود که آغاز شد. تقریباً ساعت ۷ بود که رسیدیم بندرعباس، خسرو به نفس‌های آخر افتاده بود که اولین پمپ بنزین ممکن نگه داشتم. وقتی پیاده شدم سوز و سرمای که به صورتم می‌خورد را باور نمی‌کردم! آنجا بندرعباس بود و من از سرمای هوا یخ می‌زدم! این عجیب‌ترین چیزی بود که می‌شد تخیل کرد! بندر عباس برای من، یادآور گرما و شرجی همیشگی بود. اما آن شب انگار بندر هم سردش شده بود. البته روزها بعد فهمیدم آن شب، بندرعباس سردترین شب خودش را در ۵۰ سال گذشته تجربه کرده بود. خلاصه که بعد بنزین زدن حرکتیمان را به سمت بندر پل (بندر پهل) ادامه دادیم، بندر پهل در فاصله حدوداً ۶۵ کیلومتری غرب بندرعباس قرار دارد و دلیل معروفیتش این است که میتوانی با قایق‌های باری که آنجا مستقر هستند، با پرداخت مقدار پول به همراه ماشینت وارد جزیره قشم شوی. بعد از حدود یک ساعت ونیم رانندگی وقتی رسیدیم به بندر پهل، صف زیادی از ماشین‌ها را دیدیم که برای رفتن به قشم، پشت هم ایستاده بودند. چون آخر هفته بود حجم آدم‌هایی که قصد رفتن به جزیره را داشتند بیشتر از حد معمول بود و وجود آدم‌های عجولی که نوبت را رعایت نمی‌کردند و باعث ترافیک بیشتر میشدند هم مزید بر علت بود که هم بیشتر از انتظار معطلی داشته باشیم.

بالاخره چیزی در حدود دو ساعت انتقال ما به جزیره قشم و خروجمان از آخرین گیت بندر لافت طول کشید. اما جالب‌ترین قسمت ماجرا اینجا بود که آن‌قدر این انتقال جذاب و پر هیجان بود که باورمان نمی‌شد همه این اتفاق‌ها فقط دو ساعت زمان برده باشد. به هر حال وقتی که به خود آمدیم که در جزیره قشم بودیم و احساس رسیدن به اولین مقصد، خوشحالی جالب و زیرپوستی برایم داشت که توضیح دادنی نیست، تنها باید چشیدو تجربه کرد. ما دیگر در جزیره بودیم. اما مسئله این بود که ما جای خواب نداشتیم! چون اصلاً به این که شب قرار است کجا بمانیم، فکر نکرده بودم. دلیل این اتفاق بی‌برنامه بودن نبود، من معتقد هستم که وقتی از قبل انتخاب نمی‌کنی کی قرار است به کجا برسی و دقیقاً کجا اتراق کنی، انگار خودت را محدود به چیزی یا مکانی نکرده باشی، شناور بودن یا همان حس رهایی به‌خصوصی دراد و به تو اجازه می‌دهد هر جایی ممکن است، باشی. بستگی به این دارد آن لحظه چه اتفاقی برایت می‌افتد. حالا برای این که بدانید دقیقاً ما ساعت ۱۰ شب در کدام موقعیت دنبال جای خواب می‌گشتیم بهتر است توضیح کوتاهی از جزیره قشم به شما بدهم.

جزیره قشم با طول ۱۳۵ کیلومتر و عرض ۴۰ کیلومتر بزرگ‌ترین جزیره ایران است. خود شهر قشم بزرگ‌ترین بخش شهری جزیره محسوب می‌شود و نزدیک‌ترین فاصله

را به شهر بندرعباس از لحاظ دریایی نسبت به بقیه مناطق این جزیره دارد. این نزدیکی باعث رشد و ورود امکانات شده، اما جالب است بدانید تقریباً همه جاذبه‌های دیدنی این جزیره، با شهر قشم فاصله دارد و همگی آنها در غرب جزیره قرار دارند، مثل تنگه چاهکوه، دره ستارگان، غارنمکی، جنگل حرا و ... بخاطر همین تصمیم گرفتیم اسکانمان را همین سمت جزیره، دور از شهر قشم داشته باشیم که بالاخره توانستیم با چندتا تماس، یکی از اقامتگاه‌های خوب آن منطقه را رزرو کنیم و شب رو به صبح برسانیم. صبح که شد نمی‌دانستم چه چیزی در انتظار ما است.



دودکش های جن یا هودو در استان زنجان



سهند سعیدی
محقق و پژوهشگر

یکی از زیباترین منطقه‌هایی که از نظر زیبایی‌های طبیعی و زمین‌شناسی در کشور عزیزمان ایران است در منطقه ماهنشان در استان زنجان قرار دارد که یکی از غنی‌ترین مجموعه‌های آثار زمین‌شناسی است. علاوه بر وجود رودخانه قزل‌اوزن که یکی از رودخانه‌های بزرگ ایران است و همچنین تپه‌های رنگی که به نوبه خود از جاذبه‌های توریستی در شمال غرب کشور به حساب می‌آیند، به نظر من سومین چیز دیدنی در این منطقه هودوها یا به قول عامه دودکش‌های جن هستند. تعداد خیلی زیادی از این دودکش‌های جن با شکل‌ها، اندازه‌ها، رنگ‌ها و بافت‌های مختلف در نقاط مختلف این منطقه وجود دارند که به نوبه خود از زیبایی‌های منحصر به فرد این ناحیه هستند.

وقتی از زنجان به سمت غرب حرکت می‌کنید، خصوصاً وقتی بخواهید از زیبایی‌های جاده قدیم زنجان، لذت ببرید، حدود سی دقیقه زمان لازم دارید تا به سه راهی ماهنشان برسید، البته قبل از آن هر دو طرف جاده منظره‌های سبز خیلی زیادی خواهید داشت که نتیجه وجود رودخانه زنجان رود به موازات جاده است. باغ‌های سبز، مزرعه‌های بسیار زیبا و همچنین جنگل‌هایی از درختان صنوبر اوراسیایی (به اسم عمومی درخت تبریزی و به لهجه محلی درخت راجی) می‌بینید که در طول سالیان زیاد به دست مردم محلی هر منطقه کاشته شده‌اند.

خلاصه وقتی بعد از چند کیلومتر به سه راهی ماهنشان برسید و داخل راه ماهنشان بپیچید تقریباً خیلی زود متوجه می‌شوید که از منطقه زمین‌شناسی قبلی خارج شده‌اید و در یک منطقه جدید هستید، دیگر خبری از درخت‌های پیر و بزرگ نیست و منطقه نسبتاً خشک‌تری پیش روی چشم شما قرار دارد.

بعد از گذشت تقریباً پانزده تا بیست دقیقه به روستای اندآباد می‌رسید که یکی از روستاهای سرسبز و زیبا در استان زنجان است، از اینجا به بعد دیگر چشم از منظره‌های اطراف جاده بردارید، (البته این توصیه صرفاً برای مسافران عزیز است. اگر رانندگی می‌کنید، حواستان به جاده باشد). بعد از روستای اندآباد خیلی سریع اولین نشانه‌های تپه‌های رنگی را می‌بینید. خصوصاً زمان غروب آفتاب اینجا جای خیلی

خوبی برای عکاسی است. در ادامه راه، باید از چند گردنه کوچیک و راه‌های پر پیچ و خم رد شوید تا به روستای مادآباد برسید. البته قبل از آن چند روستا دیگر نیز خواهید دید. به محض اینکه از این روستا رد شوید، تقریباً در فاصله دو کیلومتری بعد از روستا اولین هودو یا دودکش جن را می‌بینید که این بلندترین هودوی تنها در استان زنجان است. اگر خواستید در کنار این دودکش جن عکس بگیرید، می‌توانید ماشین را سمت چپ جاده پارک کرده و با اطمینان خاطر به بازدید خود برسید.

گفتن این نکته نیز خالی از لطف نخواهد بود، از این نقطه به بعد وارد منطقه حفاظت شده طبیعی انگوران می‌شوید که اولین منطقه حفاظت شده طبیعی است که در کشورمان؛ ایران ثبت شده و زیستگاه امن و آرام گونه‌های خیلی خاص و زیبایی از حیوانات و گیاهان است.

بعد از رد شدن از این محل، راه را به سمت شهر ماهنشان ادامه می‌دید و تقریباً بعد از پنج کیلومتر به یک سه راهی می‌رسید که جاده دست راست به شهر ماهنشان و دست چپ به روستای ایگلی بولاغ ختم می‌شود، البته باید بگویم که تقریباً یک کیلومتر قبل از رسیدن به سه راهی توجه شما کاملاً به اثر و عارضه‌ای که به سوی آن پیش می‌روید، جلب شده و تقریباً دارید به طور ناخواسته به سمتش حرکت می‌کنید.



یک دید پانوراما از بافت منطقه ماهنشان



قسمتی از بافت زیبای و خاص زمین‌شناسی شهرستان ماهنشان



هودوی بزرگ بعد از روستای مادآباد



مجموعه هودو های قره دره انگوران

یک مجموعه بسیار زیبا کنار هم قرار گرفته‌اند. برای رسیدن به این مجموعه هودوها، باید به طرف شهر دندی حرکت کنید. دقیقا قبل از ورود به دندی از خروجی روستای انگوران به سمت این روستا بروید، تا اینجا راه بسیار سر راست است و به راحتی می‌توانید پیدایش کنید اما بعد از این نطقه راه برای کسانی که راه را نمیشناسند سخت می‌شود. به نظر من توریست‌های عزیز که برای بازدید این منطقه می‌روند حتما به همراه یکی از راهنماهای گردشگری کارت‌دار استان این سفر را انجام دهند. چون بعد از روستای انگوران باید چند کیلومتری پیاده روی کنید تا به این هودو ها برسید. پس از از روستای انگوران به طرف روستای آکیز قشلاق حرکت کنید و بعد از روستا باید چند کیلومتر دیگر، مسیر خود را ادامه دهید تا از طریق دره‌های

بین کوهی به منطقه هودوها برسید. این مجموعه هودوها یکی از زیباترین و بی نظیرترین منطقه‌هایی است که دوست‌داران طبیعت می‌توانند ببینند. اینجا نقطه آخر سفر امروز ما بود و امیدوارم که به زودی بتوانم جاهای دیدنی دیگری را به شما معرفی کرده و توصیف دقیق از آنجاها به شما بدهم.

بد نیست بدانید از این نوع هودو در استان زنجان و خصوصا در منطقه ماهنشان تعداد خیلی زیادی وجود دارد و چون برای دیدن خیلی از آنها باید مسیرهای کوهستانی را پیاده روی کنید، نیاز دارید که یک راهنمای معتبر و کارت‌دار میراث فرهنگی شما را همراهی کند، تا بتواند راحتی و سلامتی مسافرتان را تضمین کند و خطرات به یاد ماندنی و خوبی را برای شما رقم بزند.

همانطور که پیش‌تر اشاره کردم، از تعداد زیادی هودو که بهم چسبیده‌اند، تشکیل شده و خود این هودو ها میلیون‌ها سال طول کشیده تا به خاطر فرسایش خاک بر اثر باد و باران به وجود بیایند. بعد از به وجود آمدن این هودوها مردم بومی منطقه از دوره امپراطوری ماد متوجه پتانسیل آن برای ایجاد استحکامات دفاعی شدند و از همان دوره شروع به حفر راهروها و اتاق‌هایی درون این بافت کردند تا از آن به عنوان یک قلعه دفاعی در مقابل دشمنانشان و کسانی که به آنها حمله میکردند، استفاده کنند. این موضوع تا دوران میانی اسلام، ادامه داشته و از این مجموعه به همین منظور استفاده شده است.

شاید بد نباشد اشاره کوچیکی هم کنم به این موضوع که دوران میانی اسلامی در ایران مقارن با هجوم مغول‌ها به کشورمان است و در آن دوره در خیلی از جاهای ایران که بافت طبیعی خاک به مردم اجازه حفر تونل و پناه‌گاه می‌داده، این مکان‌ها بدست مردم آن زمان برای دفاع در مقابل حمله‌ها ایجاد شده و در خیلی از جاهای کشورمان شهرهای زیرزمینی و تشکیلات دفاعی مثل این را که داخل زمین حفر شده‌اند، داریم.

بازدید قلعه بهستان که تمام شد اگر خواستید کمی استراحت کنید، می‌توانید به شهر ماهنشان رفته و ضمن استراحت کنید برای باقی تفریحات و گردش روز خود تصمیم گیری کنید.

و اثر دیگری که بسیار مایل هستم به شما معرفی کنم، در مقابل دو اثر قبلی، کمتر شناخته شده است. این اثر به مجموعه هودوهای قره دره انگوران معروف است و مجموعه‌ای از صدها هودو است که ارتفاعی بین ۲ تا ۵ متر دارند و در

قلعه بهستان که یک مجموعه بزرگ از هودوها است، اکنون در مقابل شما ایستاده. اگر روستا و باغ‌ها را رد کنید و راه خود را مستقیم به سمت قلعه ادامه دهید، به کناره رودخانه قزل‌اوزن می‌رسید که دقیقا زیر پای قلعه بهستان جاری است. اینجا محیطی است که سازمان میراث فرهنگی برای گردشگرها و میهمانانی که میخواهند در هنگام سفر استراحت کنند تعدادی آلاچیق آماده کرده.

خبر خوب برای عکاسان و گردشگران این است که این منطقه یکی از جاهایی که میتوانید در آن عکس‌های یادگاری خوبی از خود و قلعه ثبت کنید. اگر مایل هستید بیشتر به این اثر نزدیک شوید و همینطور برای دیدن بیشتر آثار قلعه و اطراف آن، سوار ماشین شوید و راه خاکی کوتاهی که در مسیر، طی کرده بودید را برگردید و به محض رسیدن به آسفالت، آن راه را به سمت چپ ادامه دهید، بعد از رد شدن از پلی فلزی، سمت چپ شما یک راه خاکی شیب‌دار قرار دارد که مستقیما به سمت قلعه بهستان می‌رود.

بعد از اینکه به قلعه رسیدید می‌تونید ماشین را همانجا پارک کنید و برای بازدید از قلعه بروید، فقط باید اینجا موضوعی را به شما متذکر شوم، هودو ها به خاطر تشکیل شدنشان در بافت خاک‌های رسوبی به راحتی فرسایش پیدا میکنند و بافت خیلی سستی دارند. پس در زمان بازدید، سعی کنید اصلا به پرتگاه‌ها یا جاهایی که به آن دید ندارید، نزدیک نشده و قدم‌های خود را خیلی با احتیاط بردارید. چون به خاطر باد و باران بافت این خاک حتی از سالی به سال بعد میتواند خیلی تغییر کرده و کاملا سست شود، پس خیلی مراقب خود باشید.

در توضیح و تحلیل قلعه باید بگویم، این عارضه طبیعی



دریاچه ارواح

مخوف، مرموز و شگفت انگیز

شراره موحدی



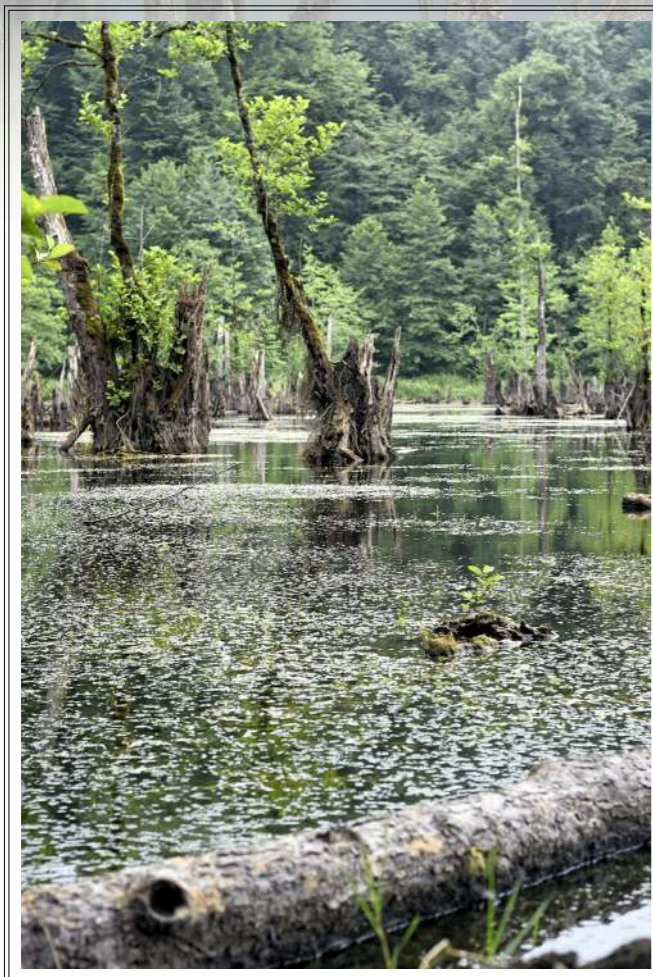
« همیشه مناطق بکر و مرموز و ماجراجویی در آنها برایم جذاب و شگفت انگیز بوده اند! برای همین، همیشه در سفرهایم به دنبال رگه ای از ماجراجویی هستم تا سفر را برایم دل چسب تر کند. بیشتر اوقات مقاصد را انتخاب میکنم که بتواند حس کشف و واکاوی چیزهای مرموز را در من زنده کند! به همین دلیل این بار «دریاچه ارواح» مقصد سفر ماجراجویانه ام شد. دریاچه ای که از همین نامش تا توصیفات دیگرش مرموز است! اولین بار که نامش را شنیدم کمی ترس برم داشت و شروع به تخیل کردم که چرا این نام؟ چه افسانه یا حقیقتی پشت این نام هست؟ چرا هنوز هم این اسم را در خور این منطقه میدانند؟ اصلا آیا این نام و این منطقه سنخیتی باهم دارند؟ و هزار سوال مشابه به این سوالها باعث شد تا کوله پشتی ام را ببندم و راهی سفر شوم تا از نزدیک ببینم و کشف کنم. مطمئن بودم که یک ماجراجویی بزرگ در انتظارم است!

۲۵۶ کیلومتر و مسیر دوم ۲۴۸ کیلومتر است. مسیر دوم را انتخاب میکنیم و برای آنکه برای بازدید از تالاب به تاریکی برنخوریم تصمیم گرفتیم طوری حرکت کنیم که شب به نوشهر رسیده و آنجا استراحت کنیم و صبح عازم دریاچه ارواح شویم. حوالی ساعت ۵ عصر حرکت کرده و بدون توقف به مسیرمان ادامه میدهیم. مسیر تقریباً ۲۰۰ کیلومتری تا نوشهر را ۴ ساعته طی کرده و حوالی ساعت ۹ شب به نوشهر رسیده و استراحت می کنیم.

روز بعد، صبح زود و بعد از طلوع آفتاب به سمت دریاچه حرکت میکنیم. باید در ۱۲ کیلومتر ۱۲ مسیر نور به نوشهر پس از جاده ونوش وارد جاده فرعی روستای چلندر و صلاح الدین کلای سفلی میشدیم و بعد از طی ۱۰ کیلومتر وارد یک جاده فرعی شده و به دریاچه میرسیدیم.

طی بررسی هایی که راجع به این دریاچه انجام دادم متوجه شدم قدمت دریاچه طبیعی ارواح یا ممرز به دوره کرتاسه میانی تا کواترنری برمیگردد، یعنی حدود چند میلیون سال قبل! منشاء آب این تالاب از چشمه های مجاور و آب باران تامین شده و مساحتی حدود ۱۵ هکتار دارد، طول ۷۰۰ متر و عرض ۳۰۰ متر. در این محدوده، گونه های آبزیان، مار، قورباغه و در زمستان گونه های مهاجر دیده میشود و البته در حومه دریاچه و در جنگل نیز حیوانات وحشی زندگی میکنند. یک سرزمین کاملاً شگفت انگیز!

طبق تحقیقی که انجام داده بودم دلیل آنکه این منطقه جنگلی و بکر است، باید با ماشین آفرود به آن سفر کرد تا به مشکلی برنخورد. از چند نفری که به این دریاچه سفر کرده بودند شنیده بودم که اگر وسیله نقلیه مناسب نباشد ماشین آسیب دیده و اگر راننده ناشی باشد ممکن است در پیچ جاده دچار حادثه شود. چادر، کیسه خواب، پتوی نجات، فندک، غذای کافی، لباس گرم کافی و سایر وسایل مهم و مورد نیازم را برداشتم و به پیشنهاد دوستان با یکی از مجریان تور مربوط به آن منطقه به نام mini toor راهی سفر شدم. این دریاچه در ۵ کیلومتری شمال روستای چلندر از توابع نوشهر و ۱۵ کیلومتری بخش صلاح الدین کلاه منطقه نوشهر، در میان جنگل انبوه پهن برگ منطقه ملاکلا قرار گرفته است. گوگل مپ دو راه برای سفر از تهران به دریاچه ارواح پیشنهاد میدهد، یکی مسیر تهران-پردیس-نور-ونوش و دیگری مسیر تهران-کرج-نوشهر-ونوش. مسیر اول



بقه ام را میگیرد و میان تالاب پرتابم میکند و حواله ام میکند به کرام الکاتبین! اهنوز هوا گرگ و میش بود که وسایلمان را جمع کردم و راه برگشت را در پیش گرفتیم. راه برگشت از طبیعتی بی اندازه زیبا و بی نظیر؛ یک سرزمین رمز آلود و شگفت انگیز. بازهم باید برگردم. شاید شگفتی های دیگری کنار این دریاچه منتظرم باشد.



داشته. این جنگل محل گذر شهر کجور (کجه یا رویان) بوده و محل عبور کاروان های خراجی که به کجور میرفت اند. سی سنگان یا همان چهل گیس محل زندگی روستایی به حکم فرمایی زنی به همین نام (چهل گیس) بوده. همه اون سال خراج دادن به جز چهل گیس که اعلام خودمختاری کرد و گفت خراج نمیدهیم. که این اعلام باعث شد فرمانروای مور دستور شکستن سد رو داد و باعث درست شدن سیل بزرگی شد که تمام منطقه چهل گیس و از بین برد. این سیل به سیل سنگان و بعد ها و به مرور زمان سی سنگان شد. فکر کنم ۷ حمام و قبرستان قدیمی و سنگ فرش های باستانی هنوز وجود داشته باشه. والا راست و دروغش رو خبر ندارم. الله اعلم.» و باز خندید. حرف های مرد ماندن کنار تالاب را برایم جذاب تر میکند. بعد از رفتن مرد محلی، کنار دریاچه قدم زدم و به آب و جانوارانی که نمیدیدم اما روی آب مسیر حرکتشان معلوم بود نگاه میکردم و به صداها گوش میدادم، سعی میکردم همه را در ذهنم ثبت کنم. روز را کنار دریاچه و زیبایی هایش گذراندم. تمام این مدت به دریاچه نگاه میکردم و سیر نمیشدم از زیباییش. با درخت های مرده نگاه میکردم و با خودم میگفتم یعنی چه روزگاری اینجا گذشته؟ زیر این آب چه شگفتی های دیگری پنهان شده؟ چه مردمانی از اینجا گذر کرده اند و چه حکایت هایی برای این جا ساخته اند؟ هوا کمی سرد شده بود و از صدای زوزه ی حیوانات و صداها ی عجیب دیگری که میشنیدم دیگر واقعا کم کم ترسیده بودم. هر صدای خش خشی که از پشت سرم می امد فکر میکردم حالا یک روح می آید و

متوقف کردیم و تقریبا ۱۰ کیلومتری را در جاده ی خاکی میان جنگل پیاده روی کرده تا به دریاچه رسیدیم. خدای من فکر میکنی به رمان های هری پاتر و جادوگرهایش قدم گذاشته ای! همانقدر مخوف و پر از جادو. آنقدر جادویی که فکر میکنی غافل شوی یک جادوگر سوار بر جارویش از بالای سرت رد میشود و سحرت میکند! مه غلیظی دریاچه را پوشانده بود و درخت های شکسته و مرده ای که سرتاسر دریاچه سر از مه بیرون آورده بودند، انگار هزار پیرزن جادوگر زیر آب نشسته بودند و موهای ژولیده شان از آب بیرون آمده بود! کمی منظره ی ترس آلودی است اما واقعا شگفت انگیز است! دور تا دور دریاچه را درختان سبز و سالم پوشانده بودند اما چرا درخت های داخل دریاچه شکسته و مرده اند برایم سوال برانگیز بود. آنقدر اینجا بکر و دست نخورده باقی مانده که آدم فکر میکند اولین کسی است که اینجا را کشف کرده است! کنار دریاچه آتشی روشن کردیم و جای آتشی بنا کردیم تا خستگی به در کنیم. کمی دورتر کنار دریاچه مردی را دیدم که به نظر محلی می آمد. از او دعوت کردم تا کنار آتش بیاید و مهمان یک پیاله چای آتشی ما شود. گفت که از اهالی روستای پایین است. پرسیدم «واقعا روح داره اینجا؟!» میگوید هنوز کسی چیزی ندیده اما قدیمی ها بیراه حرفی نمیزده اند و حتما چیزی بوده که این نام را روی اینجا گذاشته اند! به مزاح میگوید «میتوانی شب را اینجا بمانی و ببینی سرو کله ارواح پیدا میشه یا نه! آ ای چای خوردن با ارواح مزه میده!» و میخندد. در ادامه حرف هایش حکایت جالبی تعریف کرد. گفت: « شنیده ام که اینجا سد بزرگی

تمام مسیر پوشیده از درخت بود. یک منظره بینظیر و آرامش بخش. مدام باخودم فکر میکردم دریاچه قرار است چه شکلی باشد؟ اینجا که آدمی به آن دستی برده به این زیبایی است، حال آنجا که هنوز بکر و دست نخورده باقی مانده چگونه خواهد بود. تمام مسیر به این موضوع فکر و آن منطقه را تصور کردم. به ونوش رسیده و وارد جاده فرعی روستای چلندر و صلاح الدین کلای سفلی شدیم که بعد از آن محیط بانی قرار داشت. لازم بود برای ورود به منطقه یک سری اقدامات اداری صورت بگیرد. یکی از محیط بانان گفت که باید خیلی مراقب باشیم چون به دلیل بکر بودن منطقه حیوانات وحشی زیادی در آن جا وجود دارند که ممکن است سر راهمان قرار بگیرند. این حرف بیشتر هیجان زده ام کرد! کار که تمام شد جاده شمالی را به طول ۱۰ کیلومتر ادامه دادیم و با دیدن تابلوی دشت و بند ممرز وارد جاده فرعی شدیم. با اینکه هوا کاملا آفتابی بود جنگل آنقدر درختان در هم تنیده داشت که کمتر نوری به زمین میرسید و فضایی شبیه به شب ایجاد کرده بود. خدای من! جنگل درست مثل جنگل هایی بود که در قصه ها شنیده بودم. تاریک، زمین نمور و پر از درختان تنومند. اینجا بهشت خداست.. صداهایی که از جنگل می آمد باعث میشد که بفهمم چرا نام اینجا را دریاچه ی ارواح گذاشته اند! صدای حیوانات گوناگون گاهی مرا میترساند! عین یه ارکستر سمفونی حیات وحش! صداها ی درهم و برهم که نمی فهمیدم هر کدام برای کدام جاندار میتواند باشد. با این حال ، برای آنکه لذت سفرمان دو چندان باشد کمی دور تر از دریاچه ماشین را





سفرنامه اصفهان تا بوشهر

سال ۱۳۹۷

« عشق به زاگرس و مردمانش (بختیاری‌ها، قشقایی‌ها و بویراحمدی‌ها) کافی است، تا مسیر سفر به دریای جنوب و مردم خون‌گرم بوشهر را از دل زاگرس و جاده‌های فرعی ناآشنا انتخاب کنیم. هیجان سفر در مسیرهای ناآشنا، اتفاقات و مناظری که انتظار روبرو شدن با آن را ندارید، لذت بخش‌تر از رسیدن به مقصد سفر تعیین شده است.

مردم‌شناسی شهر بروجن است، سراغ ندارم تا همسفران هر آن‌چه را توصیف کرده‌ام، یکجا ببینند. مگر می‌شود دستی، سیم سازی را به مضرابی بنوازد و سماعی در آدمی در نگیرد؟ صدای تار از غرفه‌ی استاد صنعتگر و نوازنده‌ی ساز، ما را از تماشای غرفه‌های دیگر موزه به سوی خود می‌کشد و گپ و گفت و ساز و آوازمان به درازا می‌کشد. گویی که انگار قصد سفر به همین جا و همین لحظه را داشته‌ایم و راهی در پیش نداریم.

چشمه و پارک طبیعی سیاه سرد در پنج کیلومتری جنوب بروجن، سر راه سفر ما قرار گرفته. کف دست آبی از چشمه نوشیدن اگر نه شفا است، که جفا در حق چشم‌ها است که منظر چنارهای کهنسال هفتصد ساله را در آن کف دست آب نظاره نکنند. بروجن و آب و هوای سردش را پشت سر می‌گذاریم تا در مسیر زیبای جاده‌ی بروجن لردگان به درکی آگاهانه از زیبایی و خالق آن برسیم. دیدن جاذبه‌های لردگان مجال جداگانه‌ای می‌طلبد. ولی نمی‌توان بدون خوردن کباب بره از این شهر گذر کرد. به اندازه‌ی طبخ و صرف نهار در گندمزاری که دست ساقه‌های سبزش تا زانوی کودکی نو پا بیشتر نمی‌رسد و در زیر درخت بلوطی در حاشیه شهر توقف می‌کنیم و سپس لردگان را به قصد تفرج در جاده‌ی زیبا و کوهستانی بلوط‌بلند، ترک می‌کنیم. سرعت مجاز رانندگی در این جاده‌های به غایت زیبا، به میزان نظر بازی شما با کوه و بلوط و منظر رودهای کنار جاده بستگی دارد. اما چه می‌شود کرد که سایه‌های بلند، خبر از نزدیک

شدن پایان روز می‌دهند و ناگزیر باید شب را در شهری به صبح برسانیم. تعجب نکنید که از دریاچه‌ی پشت سد کارون ۳ چیزی نمی‌نویسم که خوش ندارم کارون را اسیر و به طبع آن خوزستان را فقیر ببینم.

زورق آفتاب در آغوش ساحل مغرب آرام گرفته که به شهر ایذه می‌رسیم. خیالمان را از بابت شب‌مانی، در محلی راحت می‌کنیم و به شهرگردی در ایذه می‌پردازیم. شهر به خاطر جاذبه‌های طبیعی و تاریخی اطرافش میزبان خیل مسافران نوروزی و شلوغ و پر جنب و جوش است. هم‌کلامی با مردمان ایذه برای کسب اطلاعات بهانه است؛ قصد آن است تا لهجه‌ی لری بختیاری را نیوش کنم. صبح فردا اتفاق نظر همسفران بر سر این است که به خاطر ازدحام گردشگر جاذبه‌های تاریخی بی‌نظیر ایذه را واگذاریم و به سمت جاده‌ای فرعی که صیدون را به دهدشت متصل می‌کند حرکت کنیم.

فاصله‌ی ۴۳ کیلومتری ایذه تا باغ‌ملک را دو ساعته پیمودیم؛ که اگر ترافیک سفرهای نوروزی هم نبود، باز هم در طول این مسیر قطعاً برای تن سپردن به هوایی که طعم بهاری داشت و تماشای گندمزاری که به بهانه‌ی هر نسیمی رقصنده‌ی دلربایی را مانند بود، توقف می‌کردیم. در فاصله‌ی ۳۱ کیلومتری باغ‌ملک تا صیدون برای کسب اطلاعات از وضعیت جاده و جاذبه‌های طول مسیر با هر کسی که صحبت می‌کردیم، پیشنهاد می‌داد که مسیر را تغییر دهیم و از مسیر اصلی به سفرمان ادامه دهیم. جالب بود که حتی بعضی‌ها برای اینکه نظرمان را تغییر بدهند، در نهایت

وجود جاده‌ای که بعد از صیدون به دهدشت برسد را انکار می‌کردند. تا آنجایی از نتیجه‌ی جمع بندی اطلاعات کسب شده از مردم محلی و بررسی نقشه در تصمیم خود مصمم بودیم که در انتهای صیدون رودخانه جاده را قطع نکرده بود. البته که اگر شاسی ماشین بلند بود هرگز لحظه‌ای شک نمی‌کردم و به ماشین نیسانی هم که در وسط رودخانه گیر کرده بود کمک می‌کردم. اما حالا یا باید مسیر آمده را برمی‌گشتیم و یا راهی پیدا می‌کردیم. بالاخره از بالا دست رودخانه که عریض‌تر شده بود، مسیر مناسبی پیدا کردیم و به دل رودخانه زدیم. پس از گذشتن از رودخانه نگاهم به فاتحی می‌مانست که به سرزمین فتح شده‌اش می‌نگرد.

نمی‌توانم منظر سیاه چادر عشایر را بگذارم و به راحتی بگذرم. مخصوصاً که صدای زنگوله‌ی دور، صدای بز جلو روی گله، در های و هوی کودکانه‌ی شبان و رش باران، زیباترین موسیقی متن این تماشای باشد. پس همان جا بساط نهار را در پناه یک کپر و مابین سیاه چادر و رودخانه علم می‌کنیم. هر چند حالا دیگر ژاله کوب باران بهاری و گل آلود شدن رودخانه مرا وادار به اندیشه در رابطه با راهی که نمی‌شناختم، می‌کرد. از تنها ماشینی که از مسیری که ما در پیش داریم می‌آید، شرایط جاده را جویا می‌شوم. توصیه می‌کند که تا هوا روشن است مسیر را طی کنید و اهمیت این توصیه را زمانی درک می‌کنم که قسمتی از مسیر را در جاده‌ای باریک و کوهستانی و بدون هیچ علائم راهنمایی با گردنه‌های صعب العبور و پیچ‌های ۱۸۰ درجه و گه‌گاهی آسفالت آب شسته، طی می‌کنیم.

تأثیر آب و هوا بر محیط در فاصله‌ای به مسافت ۳۰ کیلومتر، چنان زیاد است که گویی از فصلی به فصل دیگر سفر می‌کنیم. منظر گندمزاری که تونالیت‌های رنگ سبز را به نمایش گذاشته و بر و بالای شکوهمند درختان بلوط روح را چنان پر و لبریز می‌کند، که گویی دیگر جای افزایش کمترین قطره‌ای در آن باقی نمی‌گذارد. روستای «پس رش» و «انجیره» را پشت سر می‌گذاریم و در دو راهی دیشموک □ درغوک، مسیری که منتهی به دیشموک می‌شود را انتخاب می‌کنیم. ژاله کوب باران بهاری روی شیشه‌ی ماشین ریتمی به غایت وجدآور به وجود آورده و برف پاک‌کن‌ها این ارکستر را رهبری می‌کنند که ناگهان صدای خرد شدن شیشه‌ی عقب ماشین موسیقی و ریتم را بر هم می‌زند. یک آن، دستپاچگی قبل از خونسردی مدیریت می‌کند. هیچ سر پناهی به جز درخت بلوط در آن شرایط در اطرافمان نبود تا کمی در پناه آن به وضعیت موجود سر و سامانی بدهیم. در همین حین محمد که از اهالی روستای «دالون» است با موتور از راه می‌رسد. از فرق سر تا پا خیس شده بود و با لهجه‌ی لری اصرار داشت که ما میهمان خانه‌ی آنها باشیم. همسفران مردد بودند ولی من اطمینان داشتم که غیرت لر اجازه نمی‌دهد ما در این وضعیت بی سر پناه بمانیم. دنیا بدون مهربانی امثال محمد، زیادی خشک و خشن است. محمد ما را به خانواده‌اش سپرد و برای تماشای بازی فوتبال رفت. آقای آنسته، داماد خانواده در کمال محبت همه‌ی اعضای خانواده را در پذیرایی از ما فرا خواند. تمام آن بعد از

ظهر و تا صبح فردا، باران همچون دم اسب پیوسته از آسمان فرو ریخت. آقای آنسته تا دهدشت با ماشین خودش ما را همراهی کرد و تا نصب شیشه در کنارمان ماند و سپس ما را بدرقه کرد.

از سفر آن‌چه به جز تجربه، خاطره، کشف و بلعیدن مناظر برایم مانده، افتخار آشنایی با آدم‌هایی مثل محمد و آقای آنسته در روستای دالون و احمدرضا در بهبهان است که مهربانی را زندگی می‌کنند. احمدرضا از بستگان همسفر ما بود که دعوتش را پذیرفتیم و یک روز دیگر از برنامه‌ی سفر عقب ماندیم. ولی محضر دوست دیر یافته‌ای را درک کردیم که بعد از میهمان نوازی بی‌نظیرش تا نیمه‌های شب از تجربیاتش در طریقت عرفان بهره بردیم. گر چه بهبهان را پشت سر می‌گذاریم ولی خاطره‌ی احمدرضا را با خود به جاده‌ی زبدون می‌بریم. در طول مسیر ۴۵ کیلومتری این جاده‌ی پر پیچ و خم که رودخانه‌ی کم آب زهره را دنبال می‌کند، تپه‌های ماسه‌ای سبزآبی، سنگ‌های کونگروملا، پهن‌دشت دیمزار، نگاه سنگین خوشه‌های طلایی سبز گندم به ساقه‌ها و تک درخت‌های کنار در دل گندمزار دیده‌ها را مسخ کرده است. رطوبت هوای بعد از گردنه‌ی عامری، بوی دریای جنوب می‌دهد. ولی ای کاش کسی توصیه می‌کرد که در ایام نوروز به خاطر کافی نبودن امکانات رفاهی و بهداشتی و هتل و محل استراحت، با این حجم گردشگر به شهرهای دیلم و گناوه سفر نکنید. ولی دیگر دیر شده بود و ما هم جزیی از این کل بودیم. ترافیک خیابان‌ها و قدم زدن در بازار

پر جنب و جوش و صف طولانی رستوران و تاریکی هوا مجال استراحتی می‌طلبید. پس چادرها را در محل از قبل تعیین شده‌ای برپا کردیم. صبح روز بعد نگاه از ساحل دریای گناوه بر می‌گیریم و عازم بوشهر می‌شویم.

دو روز از برنامه عقب هستیم و باید در اولویت‌بندی و برنامه‌ریزی، تجدید نظر کنیم که وقت تنگ است و اعمال بسیار. در این وقت اندک بازدید از بافت قدیمی شهر بوشهر و دل سپردن به غروب دریا در ساحل ماسه‌ای و گپ وگفت با اساتید گرگورباف و دمام‌ساز در برنامه قرار می‌گیرد. راهنمای ما در بوم‌گردی شهر بوشهر، کهزاد نامی است که گر چه زاده‌ی کوه‌های چهار محال است اما دل در گرو دریا دارد و سال‌ها در نیروی‌دریایی، خدمت کرده و بوشهر را به خوبی می‌شناسد.

کارگاه گرگوربافی را به کمک ناخدا کهزاد به راحتی پیدا می‌کنیم و استاد گرگورباف، همان‌طور که به کارش مشغول است از سخاوت دریا و سختی کارش حرف می‌زند و گلایه می‌کند که مجبور است کارگران پاکستانی و افغانی را استخدام کند. چرا که جوانان بوشهری دل به کار گرگوربافی نمی‌دهند.

نمی‌توان کوچه پس کوچه‌های تنگ و تودرتو، در بافت قدیمی بوشهر را -هر چند در سایه روشن نور کم رمق چراغ‌ها- ندیده گرفت. لزوم کوچه‌های تنگ و پر پیچ و خم در این بافت‌ها جنبه امنیتی در ناامنی‌های گذشته داشته است. بالکن‌های چوبی یا «شناسیل» که بیرون‌زدگی آنها از

نمای ساختمان جلوه خاصی به آن می‌دهد، به غیر از زیبایی بصری رعایت چند نکته را در معماری یادآوری می‌کند: طب، اخلاق و استفاده از انرژی پاک.

جالب است که کوچه‌های تنگ و تاریک به کارگاه استاد دمام‌ساز منتهی می‌شود. خون‌گرم بودن مردم جنوب در لبخند سخاوتمندانه، روی باز و پذیرایی ساده و بی‌آلایش استاد دمام‌ساز است که برایم نمود پیدا می‌کند. از کاربری سنج و دمام و شاخ در آیین‌های مذهبی و محلی بوشهر حرف می‌زند. لحن و لنگر کلامش و نیروی مکنده‌ی بی‌امان لهجه و عطر زنده‌ی تن مرد بندری کافی است تا رضایت از اولویت‌بندی برنامه را در روح خود احساس کنیم.

صبح روز ۱۲ فروردین، در حالی مجبور به ترک بوشهر هستیم که خیلی از جاذبه‌های طبیعی و تاریخی آن را ندیده‌ایم. اما حس سیرایی و رضایت از سفره‌ی بی‌دریغ سفر را احساس می‌کنیم. در راه بازگشتیم و حالا دیگر گندمزار طلایی در انتظار داس زمخت و دستان دهقان، میل به آسودن پس از پیمودن داشت و نخلستان و بهارنارنج تازه رخت زفاف بر تن کرده بودند. کاش می‌شد کندوی کله‌ی آدمیزاد را از بوی بهار نارنج پر کرد و عسل افکار را با طعم آن چشید. دست بدرقه‌ی درخت بلوط تا دو راهی پل قرح در جاده‌ی یاسوج بدرقه‌مان می‌کند. غروب را از فلارد تا روستای گوشکی تماشا می‌کنیم و سپس دوباره از جاده بروجن به اصفهان بر می‌گردیم و مهیای برگشتن به تهران خاکستری می‌شویم.



موسسه خیریه حمایت از کودکان استثنایی سفیران نشاط

تحت نظارت بهزیستی استان تهران

شماره ثبت: ۴۸۸۷۴



- کارگاه چرم.
- مهارت آموزی
- نوروفیدبک
- معرق کاری
- مینا کاری
- صنایع دستی
- روانشناسی
- عروسک بافی



۰۹۱۰ ۴۷ ۶۶۶ ۳۷



@safiranneshatngo

www.safiranneshatngo.com

۰۲۸۰ ۲۳۱۳ ۴۷۷۴ ۵۲۹۰

موسسه خیریه سفیران نشاط

خشک و مملو از مقررات. ما به عنوان مشاور پس از پایان جلسات انرژی مثبت را منتقل کرده و تمام انرژیهای منفی و خشک را جذب می‌کنیم و این در دراز مدت می‌تواند فرسوده کننده باشد. ذهن لازم دارد که کمی آرامش بگیرد که آدم بتواند از پس تنش‌های شغلی بر بیاید.



«مدیر ماجراجو» عنوانی است که دکتر ناصری، به خود اختصاص داده و آنرا از یک برند، تبدیل به یک تفکر کرده است. مدیر ماجراجو، مدیری است که با تمرکز بر نیم‌کره سمت راست مغز انسان به مدیران، شیوه جدیدی از سبک مدیریت به خصوص مدیریت خلاقانه و مدیریت در شرایط هیجانی و بحران را آموزش می‌دهد و باعث ایجاد کنترل بیشتر، بهتر و تأثیرگذارتر در سازمان می‌شود. این سبک از مدیریت توسط حسین ناصری به همراه تیم متخصص در دنیا به ثبت رسیده است. حدود یک دهه پژوهش و تحقیقات صورت گرفته توسط دکتر حسین ناصری و تأیید دانشگاه‌های بین‌المللی، پشتوانه این سبک مدیریتی است. دکتر حسین ناصری نویسنده، شاعر، نوازنده، کارآفرین و مدیر پیشرو ایرانی است که با عشق خود به سفر، کارهای بزرگی در زندگی‌اش انجام داده است. وی در اهداف خود سفر به فضا را در سال ۲۰۲۳ برنامه ریزی کرده. حسین ناصری با انجام تمرینات سخت خود را سال‌ها است، برای این سفر خاص و جذاب آماده می‌کند و قصد دارد به‌عنوان اولین مرد تاریخ ایران، در سفر به فضا، نام خود را ثبت و جاودانه کند. مدیر ماجراجو به او این جسارت را داده است تا به صورت آگاهانه و متکی بر خود، قدرت انجام کارهای بزرگ را داشته باشد. سفر به قطب شمال و سفر به فضا گوشه‌ای از برنامه‌های انجام شده و اهداف آینده این مرد توانمند است.

در سفر به قطب شمال حسین ناصری با ۵ لایه لباس در دمای ۳۵ درجه سانتیگراد زیر صفر با طی مسیری از یخ و سورت‌سوارای نشان داد که هرچه سفر ماجراجویانه‌تر، قدرت آدمی و تفکرش والاتر است. این یعنی عظمت خالق که تکه‌ای از وجودش را در تمامی انسان‌ها به ودیعه نهاده است. زمانی که با دکتر ناصری در مورد مهارت و برنامه‌ریزی سخن می‌گویید، کاملاً قدرت و تکیه بر توان فردی را در سخنانش و نگاهش لمس و درک می‌کنید. چرا که با شناخت از خود و خالقش بر این باور است که همه انسان‌ها قادرند کارهای بزرگ انجام دهند. دکتر ناصری به عنوان یک کار آفرین

«بفرمایید که این علاقه به سفر برای شما، از کجا شروع شد؟»

داستان فقط سفر نبود. سفر فقط یکی از تغییرات بود. فضای کاری خشک و جدی مشاوره مدیریت باعث شد به این فکر بیافتم که باید تغییری ایجاد کرده تا ذهنم را ریکآوری کنم. به نوعی ذهنم را به واسطه فعالیت‌های تسکین دهنده و آماده برای کار سخت کنم. وقتی می‌گویم کار سخت، منظورم فضای جدی و خشک مشاوره مدیریت است. سروکار داشتن با مدیران، بحث و مشاوره دادن در چهارچوب رسمی، بعضاً



Adrenaline Surge

مصاحبه با قطب نورد ایرانی خالق سبک مدیریت و برند مدیر ماجراجو دکتر حسین ناصری

مصاحبه کننده: همایون ارجمند

«حسین ناصری، نامی که با ایران گره خورد. زمانی که سخن از قطب‌نوردی و به خصوص قطب شمال، به میان می‌آید، نام «دکتر حسین ناصری» در کنار نام ایران، می‌درخشد. ۲۰ سال در شبانه روز ۵ ساعت خواب برای مردی که رویاهای بزرگی در سر دارد. استایل او سبکی خاص از زندگی‌اش شده. سبکی که باعث دست‌آوردهای بزرگی برای ایران و ایرانی شده است. دکتر حسین ناصری بعد از «برادران امیدوار»، اولین قطب‌نورد ایرانی است که پرچم سه رنگ ایران را در قطب شمال به اهتزاز درآورد و نام خود را در تاریخ ایران ثبت کرد. سفری پرچالش و طاقت‌فرسا که از اسکاندیناوی شروع و به مدار نود درجه قطب شمال، ختم شد. او با همراهی تیم ۱۲ نفره و از طریق یخ‌نوردی و کایاک، قطب شمال را فتح نمود، تا یک «نه» دیگر را به «بله» تبدیل کند.»



یکی از روش‌هایی که برگزیدم ورزش حرفه‌ای تنیس بود. که تا چهارمی استان هم رفتم اما به علت مصدومیت آنرا رها کردم. فعالیت دیگر سفرها بودند. دلیلش این بود که بتوانم نوعی در روزمرگی ایجاد کنم و روحیه‌ام را تقویت کنم.

« می‌خواهم از سفرهایتان بگویم. از میان سفرهایتان شما سفری افسانه‌ای داشته‌اید به قطب شمال. اما چرا قطب شمال را انتخاب کردید؟

ما گروهی هستیم که روی بحث‌های سی.اس.ا. کار می‌کنیم، مثل گرم شدن زمین و آب شدن یخ‌ها، انقراض حیوانات خاص، زیست بوم‌ها. همچنین روی موضوعاتی چون زمین پاک، هوای پاک و محیط زیست کار می‌کنیم. محقق زمین هستیم. یکی از ۷۵ سفری که داشتیم، در واقع آخرین سفرم، به قطب شمال بود که آبان سال گذشته شکل گرفت. دلیل اول؛ تحقیق بود و دلیل دوم؛ ماجراجویی. این سفر برای من اوج ماجراجویی بود. یکی از هیجان‌انگیزترین، پراوج و فرودترین و پرچالش‌ترین سفرهایی بود که داشتم. من سه سال برای آن روز سفر، دوره دیدم. برای کایاک، یخ نوردی، استقامت و بدن‌سازی که بتوانم سرتیفیکیت‌های لازم را اخذ کنم و به قطب شمال بروم. به سفارش دانشگاه سیدنی حدود ۴۰۰ صفحه داکيومنت توسط گروه تهیه و به استرالیا ارسال شد.

« در این سفر چه چیزی بیشتر از سایر موارد جذاب بود؟

اینکه ما در دنیا چقدر چیزهای عجیب و مکان‌های ناشناخته داریم. دنیا مملو از ناشناخته است و عمر انسان به کشف یک هزارم آن نمی‌رسد. منظور من در همین کره زمین است. نه خارج از اینجا. حتی اگر شبانه‌روز و کل عمرتان را سفر کنید، یک هزارم این عجایب را هم نمی‌توانید، ببینید. ناشناخته‌ها جذاب بود و یک چیز جذاب دیگر؛ حیوانات این منطقه جغرافیایی‌اند. من عاشق خرس‌های قطبی هستم و در این سفر آنها را از نزدیک دیدم. البته در کنار این‌ها، ترس‌هایی که هرگز با آن مواجه نشده بودم نیز بودند. من در سفرهایم به نقاط مختلف دنیا رفته‌ام. کوه‌های مختلف، دره‌های مختلف... اما این ترس‌ها تازه بودند. اینجا بسیار متفاوت بود. یکی از بزرگ‌ترین ترس‌ها، زمانی بود که ما می‌خواستیم قایق کایاک‌مان را در آب‌های آزاد، درست میان یخ‌های قطبی بیاندازیم، که بتوانیم خود را به مدار ۹۰ درجه برسانیم. این ترسی بود که هرگز مشابهش را تجربه نکرده بودم. نه در پرش از هواپیما، نه در سفرهای دیگر و... هرگز! البته می‌گویم ترس، اما در واقع بیشتر این حس را می‌شود هیجان و جذابیت ترجمه کرد.

« جرقه‌ای که این سبک از سفرهای خاص را در وجودتان رقم زد از کجا آغاز شد؟

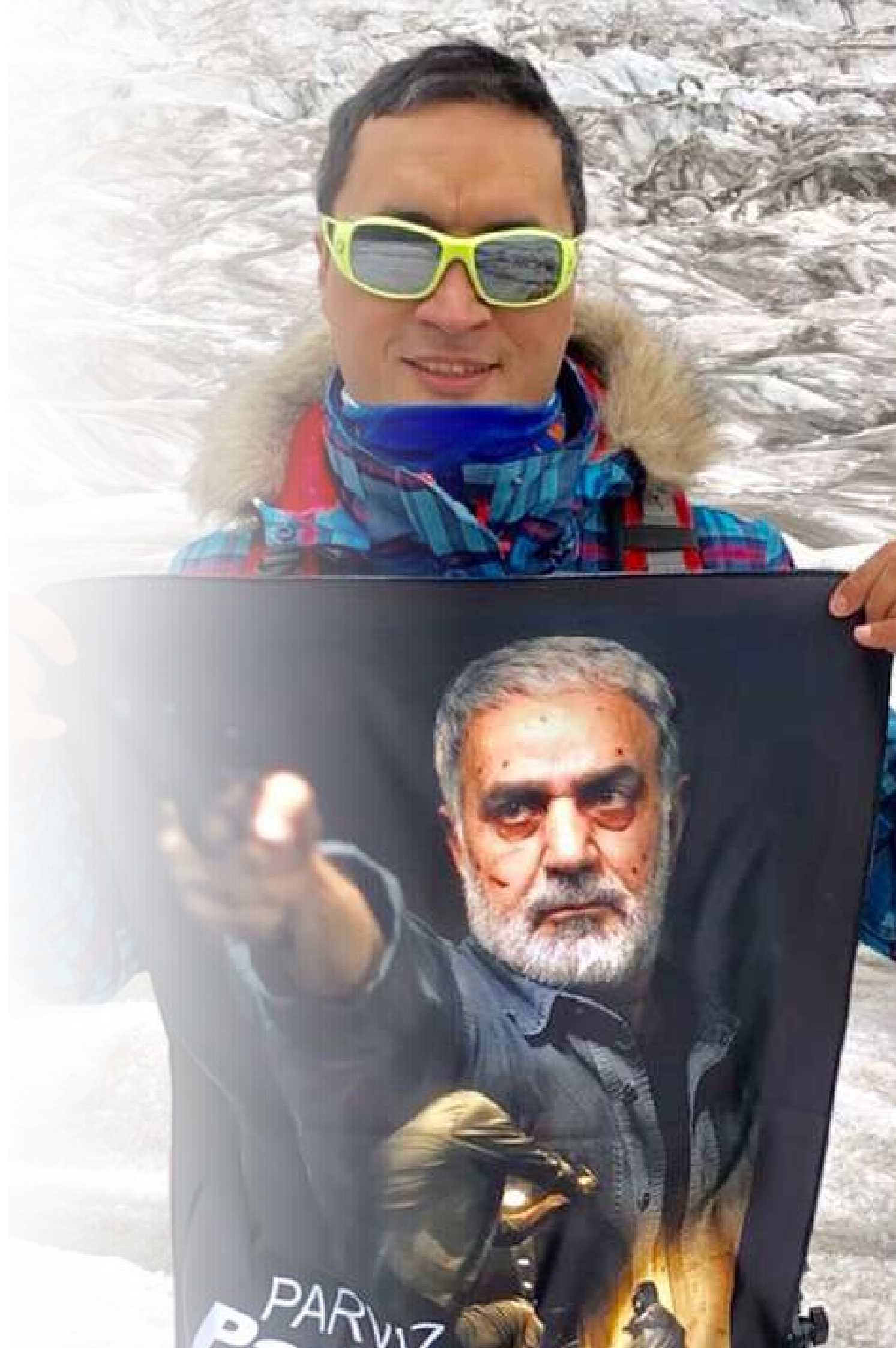
من یک سفر عادی به پاریس، ایتالیا و... برایم آنچنان جذاب نیست. ما در کشور خودمان آنقدر مکان‌های جذاب و عجیب داریم که یک سفر عادی به نقاط دیگر دنیا، برایم فاقد جذابیت است. لازم می‌بینم تفاوت میان ماجراجویی و سفر را تشریح کنم. در واقع من سفر را انتخاب نکردم. ماجراجویی را انتخاب کردم. ماجراجویی یعنی رفتن به میان ناشناخته‌ها، لازمی آن قدرت بدنی و آمادگی جسمانی است. شما باید بتوانید رکوردی ثبت کنید که بقیه در دنیا ثبت نکرده‌اند. یا حداقل، کمتر ثبت شده است. این گونه سفرها به شما هیجان می‌دهد همچنین آدرنالین را در خون‌تان افزایش می‌دهد. این گونه سفرها شما را شاد و سرزنده می‌کند. البته سفرهای عادی هم جذاب‌اند اما واقعا ماجراجویی است که ذهن و فکر شما را ورزش می‌دهد.

« می‌خواهم کمی در مورد مدیر ماجراجو، سبکی مدیریت که شما خالق آن در جهان هستید، صحبت کنید و بگویید آیا این مدیر ماجراجو شما را به سمت سفر بعدی‌تان که سفر به فضا است سوق داد یا هیجان این سفر برایتان جذاب بود؟

خیر. در واقع خیلی پیش‌تر از اینکه مدیر ماجراجو شکل بگیرد، یا ابتکار آن به‌نام من ثبت شود، سال‌ها قبل من ماجراجویی را انتخاب کردم و چون شغلم مشاوره مدیریت بود، مدیر ماجراجو زاده شد. این عنوان دو بخش دارد، بخش نخست؛ مدیریت که دکتر حسین ناصری است و بخش دوم؛ ماجراجو، که حسین ناصری است که عاشق هیجان و آدرنالین است. قبل از اینکه مدیر ماجراجو شکل بگیرد، من سفرهایم را شروع کرده بودم. از رامسر خودمان شروع کردم و سال گذشته به قطب شمال ختم شد و در برنامه‌ی آتی، بعد از کامل کردن دوره آموزشی‌ام می‌توانم از جو زمین خارج شوم. پیش از آن قصد دارم سفرهای روی زمین را به پایان برسانم. (نیوزیلند آخرین گوشه از زمین است که باید به آنجا سفر کنم). از دوره‌هایم چیزی حدود ۲ الی ۳ سال دیگر باقی مانده. بعد از پایان دوره می‌خواهم تمام زمینی که به آن سفر کرده‌ام را از فضا ببینم و با آن سلفی بگیرم. این اوج برنامه‌های من است.

« فکر می‌کنم این برنامه ۲۰۲۳ است؟

بله. در حال حاضر بخاطر کرونا یک سال است دوره متوقف شده. پس از پی‌گیری دوره احتمالاً یک سال به آن افزوده شود. چیزی بین سال ۲۰۲۲ و ۲۰۲۴ محقق خواهد شد.



از یک دیدگاهی می‌شود گفت این سبک از مدیریت باعث شده شما مدیریت و ماجراجویی را به هم گره بزنید و کارهای خارق‌العاده و اهداف بزرگی را تیک زده و به انجام برسانید. شما موسیقی، نویسندگی، سفر و ماجراجویی، ورزش (به صورت حرفه‌ای) و مدیریت را کنار هم گذاشته‌اید. آیا همه اینها تاثیری است که این سبک از مدیریت بر ما انسان‌ها می‌گذارد و به مدیران کمک می‌کند؟

این مجموعه‌ای که از آن صحبت کردید، همگی به سمت راست مغز، یعنی همان پتننت من، مدیر ماجراجو مربوط است. در واقع این مدیر ماجراجو هدف اصلی‌اش اکتیو کردن سمت راست مغز مدیران است. سمت چپ مغز؛ منطق، ریاضی، حساب و کتاب، جلسه و پول روی پول آوردن است و نه زندگی! سمت راست مغز؛ هنر، موسیقی، شعر و شاعری، خطاطی، ماجراجویی، سفر و آدرنالین است. مدیران ما طبق آمار علمی ۹۸ درصدشان (مدیران کل دنیا را عرض می‌کنم). چپ مغز هستند. این فاجعه است، چون دچار روزمرگی می‌شوند. پول روی پول می‌گذارند. برنشان را بزرگ کرده اما چون نمی‌توانند تجربیاتشان، فراز و نشیب کسب و کارشان و اندوخته‌های ذهنی‌شان را به نسل‌های بعدی منتقل کنند، از دنیا می‌روند و برنشان هم با آنها می‌میرد. شاید تنها اسم‌شان بماند. اما چه وقت متوجه می‌شویم که کار ایراد دارد؟ وقتی که می‌بینیم ما یک برند جهانی در ایران نداریم. در حالی که ما زمانی، تولیدکننده‌ی کفش داشتیم که صاحب «تیمبرلند» هنوز متولد نشده بود. برند کفش مرغوب و باکیفیتی بود، اما اکنون نام و نشانی از آن نیست. در واقع مؤسس هر برندی در ایران، از دنیا برود، برند نیز نابود می‌شود. با پرورش سمت راست مغز، شما مغزتان را کارآمدتر می‌کنید.

من روزی نیست که پیانو نزنم. حتما یک ساعت در روز ساز می‌نوازم. حتما کارهایی می‌کنم که از دو سمت مغز استفاده کنم. من بعد از ۳۶ سال پیانو زدن دو ماه است که ملودیکا خریده‌ام. تمرین جدید من این است که با یک دست پیانو می‌نوازم و با دست دیگر ملودیکا. مثل این است که بخواهی همزمان با دو دستت بنویسی.

وقتی از مغز اینگونه استفاده می‌کنید، تمرینی برای ذهن است. این مجموعه اتفاق‌ها باعث اکتیو شدن سمت راست مغز می‌شود. ما رسالت‌مان این است به دنیا بیایم و چیزی را در دنیا تغییر دهیم و آنگاه از دنیا برویم. من آدم زندگی روزمره نیستم. زندگی کارمندی و تکراری را نمی‌پسندم. باید تاثیرگذار بود، مثل جابز، ایلان ماسک و... مدیر ماجراجو اتفاق‌هایی را رقم می‌زند که دنیا تغییر کند. این فلسفه مدیر ماجرا جو است.

با توجه به رسالت مدیر ماجراجو، این تاثیر را بر صنعت گردشگری چگونه ارزیابی می‌کنید؟ مستقیم متمرکز شویم بر مدیران صنعت گردشگری.

شخصاً نظرم این است که برای رسیدن به مدیریتی کارآمد، موسیقی، هنر و... همه این محرک‌ها ۲۰ درصد و سفر ۸۰ درصد تاثیرگذار است. کسی که جهان‌بین می‌شود، سن و سالش مهم نیست. ممکن است یک آدم ۳۵ ساله، کل جهان را دیده باشد و اندازه یک آدم ۸۰ ساله تجربه داشته باشد. اتفاق‌های مختلف، چالش‌های مختلف و... اگر این سفر چاشنی ماجراجویی داشته باشد که خیلی بهتر است. اگر یک سفر عادی و گردشگرانه را با بخش کوتاهی ماجراجویی ترکیب کنید، مطمئناً تاثیر مطلوب‌تری خواهد داشت. به عنوان مثال من در امریکا چند بار از هواپیما پریدم. در تورنتو، وین (اتریش)، روسیه و همچنین در دوی هم پرش از هواپیما داشتیم. موزه‌ها و میادین اصلی را هم دیدم. مثل یک گردشگری در این سفرها، در هتل اقامت داشته‌ام. ولی چاشنی ماجراجویی هم به آن اضافه کرده‌ام.

صنعت گردشگری جزو ۲ الی ۳ صنعت بزرگ دنیا است. که اگر به صورت ترکیبی و هدفمند و با تارگت مشخص، سفر و گردشگری انجام شود. لذت و مضاف بر آن تجربه‌ای که به آدم می‌دهد چندین برابر خواهد بود تا اینکه فقط سفری بروید، گردش کنید و بازگردید. کشف ناشناخته‌ها حضور در مناطق خاص، شما را تغییر می‌دهد. بسته به توانتان سفرتان را انتخاب کنید. مثلاً من برای ۵ روز سفر، ۳ سال دوره دیدم و آماده شدم. این سفری است که در تاریخ زندگی من و تاریخ کشور ثبت شده. گردشگری و سفر ۸۰ درصد از تغییر زندگی شما را ایجاد می‌کند. مدیر ماجراجو، علاوه بر اینکه می‌تواند به مدیران صنعت گردشگری کمک کند تا تغییرات را چه در خود و چه در سازمان به صورت عمده ایجاد کند، علاوه بر آن، در واقع باید بحث سفرهای ماجراجویانه را هم در ایران احیا کند.

اسم این سفرها را می‌توان سفر خلاق گذاشت. مدیر ماجراجو می‌گوید: «وقتی زمین می‌خوری هم دست خالی بلند نشو! حتی وقتی زمین خوردی، چیزی از روی زمین بردار!» از سفر قطب شمال می‌زنم. مثلاً من می‌توانستم ناشناس و انفرادی به قطب بروم و بازگردم. تفریحی و توریستی. من اما با رئیس محیط زیست ایران که آن زمان خانم «معصومه ابتکار» بود، با رئیس جمهور وقت، دانشگاه‌های مختلف دنیا، از جمله با دانشگاه «UCLA» آمریکا دانشگاه «McGill» کانادا و دانشگاه «سیدنی»، صحبت کردم و گفتیم ما که در هر حال تصمیم داریم مسیری به این دشواری را برویم، شما به ما یک تیم تحقیقاتی بدهید، که در این سفر روی چند موضوع



رخ می‌دهد. حالا نیاز نیست حتما سفری پرمخاطره تدارک بینید. سفرتان را خلاق انتخاب کنید و فقط روتین‌های یک گردشگری ساده را در آن نگنجانید. همان اصطلاحی که پیش تر به آن اشاره کردم. «حتی وقتی زمینی می‌خورید دست خالی بلند نشوید و...» خودتان را از منوتن بودن و روزمره بودن رها کنید. فراز و فرود زندگی‌تان را جذاب می‌کند.



و اسمش را گذاشتیم باشگاه «موج آدرنالین». باشگاهی که راست مغزها، هنرمندان را که در بیشتر مواقع، جز فعالیت هنری خود به بیزنس علاقه‌ای ندارند(به اصطلاح هنری هستند) و چپ مغزها(مدیرانی که در کارشان موفق‌اند، اما زندگی نمی‌کنند) در کنار هم حضور دارند. ترکیب این دو با هم، دو خط پارالل(موازی) است که هرگز به هم نمی‌رسند. این دو گروه، یکدیگر را درک نمی‌کنند. راست مغزها، بلد نیستند پول در بیاورند و بیزنس کنند، چپ مغزها هنر ندارند و از زندگی جا می‌مانند و جز کار، چیزی بلد نیستند. وقتی با هم یک‌جا قرار می‌گیرند. ما برایشان چالش ایجاد می‌کنیم. مثلا بازی، مسابقه، سفرهای خاص، این در کنار هم قرار گرفتن یک انرژی ایجاد می‌کند که مدیران به اکتیو شدن سمت چپ مغز هنرمندان کمک می‌کنند و بالعکس. این ترکیب یعنی مدیرماجراجو. مدیر به مدیران و ماجراجو به هنرمندان اشاره دارد. ما یک بازی- مسابقه داریم در باشگاه و در برنامه‌های مان در سفرهایی که می‌رویم و همه روزه در سفر کارگاه داریم. کارگاه‌هایی که بر روی ریکآوری و ورزش دادن ذهن کار می‌کند. ما اینجا ذهن اعضا را به تنظیمات کاخانه برمی‌گردانیم. (Reset Factory) یعنی مدیر و هنرمند را ریست می‌کنیم و آماده اش می‌کنیم که با ذهن خالی از باگ و ذهنی آماده و قدرت مضاعف به کار بازگردد و دنیایش را تکان بدهد.

«همینجا از شما قول می‌گیریم که در شماره‌های آینده گزارشی جامع از باشگاه «موج آدرنالین» تهیه کنیم. در پایان چه پیامی برای مدیران صنعت گردشگری دارید؟ با توجه به اینکه شرایط کرونا است و تصمیم‌گیری‌ها در شرایط بحران صورت می‌گیرد و بحث توسعه گردشگری را در سال ۱۴۰۰ داریم که خیلی پررنگ شده و همه از آن صحبت می‌کنند. شما به عنوان خالق یک سبک از مدیریت خاص که برای خود و اطرافیان‌تان دست‌آوردهایی داشته‌اید، چه توصیه و پیشنهاداتی دارید؟»

فقط خلاق باشند. تفاوت ایجاد کنند و چاشنی هیجان را به سفرهای‌شان اضافه کنند که بتوانند دست‌آوردهای بیشتری داشته باشند. اگر فقط در یک دایره یا یک روتین زندگی کنیم، چیزی است که همیشه بوده، هست و خواهد بود. به سفر خلاق فکر کنند. نه تفریح روتین. سفری که دست‌آورد داشته باشد. سفری که وقتی به آن می‌روید یک آدم هستید و وقتی بازمی‌گردید یک آدم دیگر.(متحول شوید). من هر سفری که رفتم. آنقدر چالش، حادثه، تجربه و هیجان داشته‌ام که در هر سفر رشد کردم و پخته شدم. سفرهایم مرا بزرگ و مقاوم کردند. این اتفاق خوبی است که در سفر ماجراجویانه

کار کنیم. مثل آب شدن یخ‌ها، انقراض حیوانات قطبی، بالا آمدن آب دریاها و... می‌توانیم در این سفر پرمخاطره روی این موارد هم تحقیق کنیم. من پرچم سفیر موسیقی ایران را با خودم به قطب شمال بردم. همچنین پرچم سفیر سینمای ایران «آقای پرویز پرستویی» را. می‌توانستم خودم بروم و برگردم. اما پرچم لیورپول (لیگ برتر انگلستان) و پرچم تیم پرسپولیس را هم با خودم به قطب شمال بردم. یعنی به عنوان یک سفیر همه جانبه از ورزش، هنر تا سینما... چاشنی‌هایی به این سفر اضافه کردم که آن اتفاق خوب و خلاق در آن جریان پیدا کند.

از دید من یک سفر ساده با اتوبوس و چادر زدن شبانه و کباب خوردن، سفر نیست. من دنبال سفر خلاقم. سفری که یک چیزی به ما اضافه کند. نه که فقط تفریح باشد. تفریح خوب است، زندگی کردن است. اما سفر خلاق به شما دانش می‌دهد. اینکه با مردم بومی آنجا حرف بزنید با تاریخ‌شان آشنا شوید خیلی جذاب است، اما اگر حرکتی بزنید که به خودت و دنیا هم دانشی اضافه کند، قابل تقدیر است.

من تا هیمالیا و کلیمانجارو رفتم. به نپال هم سفر کردم نپال با شرپاها آشنا شدم. این‌ها کسانی هستند که کمک می‌کنند افراد به قله اورست برسند. کول‌بر هستند. ما شرپاهایی داریم که ۲۲ یا حتی ۲۳ بار قله اورست را فتح کرده‌اند. اما کسی آنها را نمی‌شناسد. من روی شرپاها کار کردم. یا در اسپانیا روی چیرلیدرها کار کردم. دخترها و پسرهایی که میان مسابقات بسکتبال با موسیقی حرکات موزون اجرا می‌کنند و به تیم ورزش خود انرژی می‌دهند. (دخترها و پسرهای نوجوان). هر جایی که می‌روم. سعی می‌کنم دانشی کسب کنم. سوغات من از سفرهایم اینجور چیزها است. سفر خلاق یک نوع اتفاق خوب است. هر چیزی که در آن خلاقیت باشد، اتفاق خوب است.

«شما جزو مدیرانی هستید که طی بیست سال اخیر فقط ۵ ساعت در طول شبانه روز استراحت می‌کنید. در رسالت از این سبک زندگی و مدیر ماجراجو شما باشگاه آدرنالین (باشگاه مدیران ماجراجوی ایران) را ثبت کردید. در مورد این باشگاه و اهدافش هم برای ما توضیح دهید.»

سبک مدیر ماجراجو که ثبت شد، مبحثی دانش بنیان بود، سیلابس درسی و مقاله «ISI» شد و در دانشگاه‌های مختلف دنیا انتشار یافت. وقت آن رسیده بود که این دانش به بیزنس تبدیل شود. من بیزینس متدش را نوشتم. به این فکر افتادم که «اولین باشگاه مدیران ماجراجو» را راه‌اندازی کنم و این باشگاه را به اتفاق دوست عزیزم «رضا یزدانی» افتتاح کردیم

سفر به ته دنیا! آفریقا

بنیامین رضایی



« سفر برای من مانند جعبه مدارنگی است که هر قاره و هر کشوری رنگ خاص خودش را در آن جعبه دارد. اما آفریقا پر رنگ‌ترین قاره در این جعبه رنگ‌ها است. تا حالا چندین و چند بار به مناطق مختلف آفریقا سفر کرده‌ام. اما هر موقع اسم آفریقا می‌آید ناخودآگاه تبسمی در گوشه لبم به صراحت نمایان می‌شود!

سفر به آفریقا یک سفر معمولی نیست. یک چالش است. درسی است از زندگی. از دیدگاه همه این سفر، سفری متفاوت است. به نظرم سفر به آفریقا مثل سفر به حج است؛ در زندگی آدم باید چیزهایی اتفاق بی‌افتد تا آن شخص بتواند به آفریقا سفر کند (از لحاظ ذهنی و شرایطی). ابتدا خاطر نشان کنم که آفریقا یک کشور نیست، یک قاره است با ۵۲ کشور کوچک و بزرگ که هر کدام‌شان، داستان‌ها و رازهایی جذاب دارند، زمانی که بعضی مناطق آفریقا را را کنکاش می‌کردم، انگار داشتم در تاریخ راه می‌رفتم. دیدن فرهنگ‌ها و رسم و رسومات مختلف که در این سرزمین که اکثراً خانواده محور هستند، دیدن شرایط و سبک زندگی و پیدا کردن دوست‌های جدیدی که حتی زبان‌شان را بلد نیستی، از لذت‌های خاص این دنیا برای من بود.

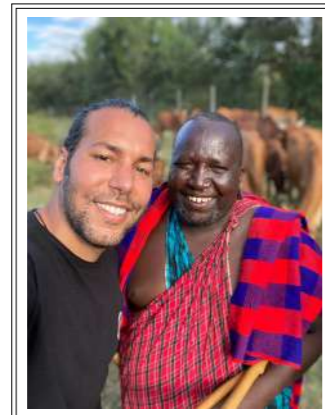
یکی از قبایلی که به سیستم ۳۰۰ سال پیش زندگی می‌کنند، افراد قبیله ماسایی‌ها هستند که بیش از دومیلیون نفر می‌باشند. آنها هنوز هم به صورت سنتی زندگی میکنند و هیچ‌گونه اعتقادی به تکنولوژی ندارند. ماسایی‌ها یک قبیله نیمه عشایر مغرور آفریقایی‌اند که از مشهورترین قبایل آفریقای شرقی به حساب می‌آیند. یک قوم بومی بزرگ در آفریقا است که در کنیا، تانزانیا و اوگاندا مستقر شده‌اند. به دلیل سنت، آداب و رسوم و همچنین پوشش متمایزشان و نیز نزدیکی به بسیاری از پارک‌های ملی که در آفریقای شرقی وجود دارد، در بین اقوام آفریقایی، در رتبه نخست شهرت قرار دارند و به دلیل پیوند با پارک‌های ملی، آنها بین‌المللی و کاملاً شناخته شده‌اند.

ماسایی‌ها صورت و بدن خود را با خال کوبی و جای زخم، به شکل الگوهای ساده از خطوط و حلقه‌ها، تزئین می‌کنند. آنها گاوهای خود را با الگوهای مشابه تزئین می‌کنند. هر طایفه ماسایی دارای الگوی منحصر به فردی است که گله‌های خود را با آن تزئین کرده و از گله طایفه‌های دیگر متمایز می‌سازد.

از نظر ظاهری، ماسایی‌ها از قبایل دیگر با اندامی باریک، قد بلند، حالت مستقیم، شانه‌های پهن، باسن باریک در مردان و راه رفتن خاص و غرور آمیز متفاوت هستند. زنان ماسایی به اندازه نمایندگان جنس قوی‌تر، متناسب و لاغر هستند، سرهای آنها لزوماً تمیز تراشیده شده و گوش‌هایشان مملو از گوشواره‌های عظیم است.

فرهنگ ماسایی

جامعه ماسایی از نظر ماهیت به طور کامل مردسالار است. مردان بزرگ ماسایی معمولاً به بزرگان بازنشسته می‌پیوندند و اخذ بیشترین تصمیمات برای قبایل ماسایی به عهده ایشان بوده و چگونگی انجام امور را تعیین می‌کنند. قوم ماسایی، اکثراً یکتاپرست هستند و خدای آنها به نام «اینکیا» یا «اینکیا» است.





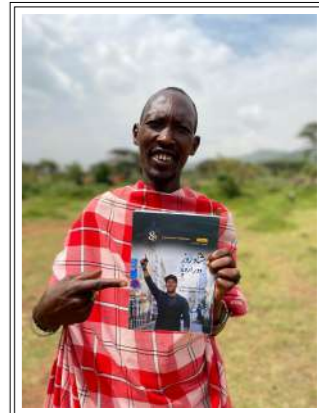
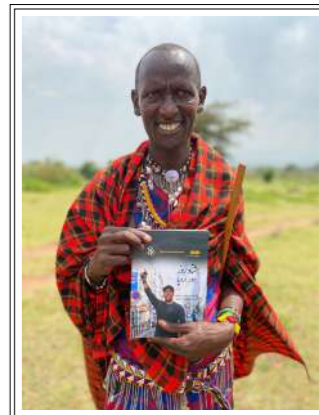
برای افرادی که به روش ماسایی و به روش سنتی زندگی می‌کنند، پایان زندگی عملاً، بدون برگزاری مراسم تشییع جنازه رسمی است و مردگان در مزارع برای لاشخورها گذاشته می‌شوند که این رسوم در اقوام کهن آذربایجان نیز مرسوم بود. زیرا ماسایی‌ها اعتقاد بر این دارند که دفن برای خاک مضر است و چرخه طبیعت را مختل می‌کند.

شیوه زندگی مردم سنتی ماسایی بیشتر روی گاوهایشان متمرکز شده است که منبع اصلی غذای‌شان را تشکیل می‌دهد. در بین ماسایی‌ها و چند گروه قومی آفریقایی دیگر، میزان ثروت یک مرد تعداد کودکان و گاوها است. بنابراین هر چه بیشتر بهتر. مردی که دارای گاوهای فراوان است اما فرزندان زیادی ندارد، فقیر قلمداد می‌شود و بالعکس. همچنین در هنگام پرداخت مهریه و یا دیه از گاو به عنوان میزان استفاده می‌شود. در ایران این میزان را شتر می‌دانند. موسیقی و رقص ماسایی

به طور سنتی، موسیقی ماسایی، شامل ریتمی است که توسط گروه آوازخوانی با هارمونی یکسان اجرا می‌شود. در حالی که «اولارانیانی»، (رهبر آهنگ) ملودی را می‌خواند. «اولارانیانی» به‌طور معمول شخصی است که به بهترین وجه می‌تواند آن آهنگ را بخواند. «اولارانیایی» شروع به خواندن «نامبا» از یک آهنگ می‌کند و گروه با آن به اتفاق پاسخ می‌دهند.

اگرچه دولتهای کنیا و تانزانیا، برنامه‌هایی را برای ترغیب ماسایی‌ها برای ترک زندگی سنتی نیمه عشایری خود ایجاد کرده‌اند، اما مردم ماسایی آداب و رسوم قدیمی خود را انجام می‌دهند. با این حال، هر چند آرام این در حال تغییر است. به رغم ظاهر بیرونی آنها، که ممکن است برخی مسافران دچار ترس و وحشت شوند، در حقیقت ماسایی‌ها مردمی بسیار رفتار و منشی بسیار دوستانه و مهربان هستند که زندگی در طبیعت را دوست دارند. آنها علاقه خاصی به رنگ‌های روشن به خصوص قرمز و آبی و زرد دارند.

به هر حال، ماسایی‌ها معتقدند که همه دام‌های روی زمین توسط خداوند نگای به قبیله آنها اهدا شده است. ماسایی‌ها به‌ندرت تحصیل می‌کنند. تمام آموزش‌های آنها به انتقال مهارت‌ها و دانش‌های نظامی، شکاری و روزمره، از نسلی به نسل دیگر خلاصه می‌شود.



سفر جاده ای

شرق تا غرب آمریکا

آرش دلجوان



برای بسیاری «آمریکا» کشور رویاها و موفقیت‌ها است (American Dream)، اما برای ما دوست‌داران سفر و طبیعت، آمریکا کشوری است با تنوع آب و هوایی، تنوع خرده فرهنگ‌ها و طبیعت فوق‌العاده. از کوه‌های یخ «آلاسکا» تا بیابان‌های «آریزونا» و «تگزاس»، از کوه‌های «کلرادو» تا دشت‌های «کالیفرنیا»، از فرهنگ سیاه‌پوستان تا «هیسپنیک‌ها». انواع گوناگون قومیت‌ها با ادیان و باورهای مختلف، کشوری را شکل داده که برای هر علاقه‌مند به سفر و طبیعت‌گرد، یک مقصد ایده‌آل است. در آخرین روزهای سال ۲۰۲۰ میلادی (دی ماه ۱۳۹۹) فرصتی فراهم شد تا سفری در آمریکا داشته باشم و گوشه‌ایی از این تنوع و زیبایی را از نزدیک، بیشتر از پیش ببینم.

شهر «بوستون» و ساحل اقیانوس اطلس، در شرق آمریکا، مبدا سفری شد که بنا بود با گذر از چندین ایالت و رانندگی به ساحل اقیانوس آرام در شهر «سیاتل»، در منتهی‌الیه شمال غرب آمریکا برسد. نزدیکترین راه برای این سفر عبور از بزرگراه شمالی آمریکا در جنوب مرز کشور «کانادا» است که به دلیل شرایط فصلی، آب و هوای بسیار سرد و احتمال برف، بویژه در ایالت «مونتانا»، به اجبار از این مسیر منصرف شدم و بزرگراه میانی را انتخاب کردم که از قسمت مرکزی عبور می‌کرد. مشکل این بزرگراه هم عبور از قسمت کوهستانی ایالت «کلرادو» و بخش‌هایی از ایالت «یوتا» است که احتمال وجود کولاک و یخ‌بندان‌های شدید در آن منطقه بسیار بالا است و اجازه تردد بدون تجهیزات مناسب، (لاستیک زمستانی، زنجیر چرخ و ...) در این فصل سال وجود ندارد. در نهایت تصمیم به انتخاب بزرگراه مرکزی گرفتم، با این تفاوت که در میانه‌راه به سمت جنوب حرکت کنم و با دور زدن کوه‌ها مجدداً به سمت شمال بازگردم.

«بوستون»، مبدا این سفر، مرکز ایالت «ماساچوست» از قدیمیترین شهرهای آمریکا شمرده می‌شود که نقش پررنگی هم در استقلال آمریکا داشته است. مهمترین ویژگی بوستون تعداد زیاد دانشگاه‌ها و مراکز علمی بسیار معتبر است که این شهر و منطقه را به نوعی از مهم‌ترین مراکز علمی و دانشگاهی آمریکا و حتی جهان کرده است. از مهم‌ترین این مراکز می‌توان به دانشگاه «هاروارد» و «ام‌ای‌تی» اشاره کرد. وجود این مراکز علمی بوستون را تبدیل به شهری جوان با فرهنگی چندملیتی و پویا کرده است.

از اولین روز سفر تصمیم گرفته بودم که برنامه ریزی خیلی دقیق و جزئی نداشته باشم و بنا به شرایط آب و هوایی و اتفاقات سفر، پیش بروم. اولین اتفاق در روز اول پیش آمد و به دلیل بارش سنگین برف به اجبار سفر را یک روز عقب انداختم، تا نهایت شنبه ۱۲ دسامبر ۲۰۲۰ ساعت ۵ صبح شهر

«بوستون» با سرمای ۱۵ درجه زیر صفر را به سمت غرب ترک کردم. اولین مقصد شهر «پیتزبرگ» در ایالت «پنسیلوانیا» بود که پس از ۱۲ ساعت رانندگی، به مقصد رسیدم. پس از گشت و گذار در شهر و استراحت به مسیرم به سمت غرب در ایالت «اوهايو» ادامه دادم تا به شهر «کولومبوس» برسم. اما قبل از رسیدن به شهر «کولومبوس» از مسیر اصلی منحرف شدم تا یک دهکده متفاوت را ببینم.



۱. آمریکا نام قاره ایی است، شامل کشورهای متعدد که در یک دوره تاریخی (۱۷۸۷ میلادی تا ۱۹۵۹) با یکدیگر متحد شدند و ایالات (دولت‌ها) متحد آمریکا را تشکیل دادند. در این نوشته به پیروی از این اشتباه رایج مراد از آمریکا، ایالات متحده آمریکاست.
۲. هیسپانیک (Hispanic) صفتی است که به مردم اسپانیایی‌زبان یا پرتغالی‌زبان به ویژه در آمریکای لاتین اطلاق می‌شود.
۳. دانشگاه هاروارد که همواره بین ۵ دانشگاه برتر دنیا شمرده میشود ۲۱۵ سال پیش از دارالفنون تاسیس شد.
۴. MIT: Massachusetts Institute of Technology

در ایالت «اوهایو» بزرگترین دهکده‌های گروه «آمیش» قرار دارد. آمیش‌ها دارای شاخه‌ایی از مذهب مسیحی هستند که درقرن ۱۷ بنیان‌گذاری شد و امروز بیشتر در آمریکای شمالی زندگی می‌کنند، هر چند جمعیت‌شان از ۲۰۰–۳۰۰ هزار نفر تجاوز نمی‌کند. مهمترین ویژگی آمیش‌ها عدم برخورداری از دست‌آوردهای نوین مانند: برق، بیمه، خودرو و … است. آمیش‌ها به مدارس دولتی نمی‌روند و مدارس و سیستم‌های اجتماعی خود را دارند. زیبایی گردش در این دهکده دیدن رفت و آمد مردم با اسب و گاری با لباس‌های محلی و کارکردن آنان در مزرعه و مغازه‌های خودشان به روش کاملاً سنتی است. نکته خیلی جالب برای من هنگام صحبت با یکی از این افراد آشنایی وی با روستای «خاموشان‌طالقان» بود، که گروهی از مردم در آنجا هم بدون بهره برداری از تکنولوژی زندگی می‌کنند. پس از بازدید از دهکده آمیش‌ها و شهر کولومبوس مسیرم به سمت غرب را ادامه دادم.

در ادامه مسیر به سمت غرب از ایالت های «یندیاناپولیس»، «میزوری» و «کنزاس» عبور کردم. این منطقه از آمریکا به غرب میانه^۵ معروف است. جایی که فرهنگ های گوناگون با هم دیدار می‌کنند. این منطقه در گذشته از مراکز مهم سرخپوستان بوده که متأسفانه امروز جمعیت زیادی از آنان باقی نمانده است. رودخانه «می سی سی پی» و دشت‌های حاصلخیز این منطقه را تبدیل به یکی از قطب‌های کشاورزی آمریکا کرده است. در شهر «سنت‌لوییس»، طاقی نمادین به ارتفاع ۲۰۰ متر (۲برابر مجسمه آزادی) طراحی شده تا نمادی از گسترش کشور آمریکا به سمت غرب باشد. «جلال آل احمد» در خاطرات خود، این بنا را این‌گونه توصیف می‌کند، «دیگر اینکه این سنت‌لوییس دوازدهمین شهر آمریکاست؛ با یک طاق نصرت بلند دروازه مانند… علامتی برای شهر. وسیله پز اهالی، و نیز وسیله جلب سیاح. چون این سنت‌لوییس را از قدیم، دروازه غرب می‌گفته‌اند و هر که می‌رفته سمت غرب آمریکا، اینجا آب و آذوقه و اسب و استر تهیه می‌کرده… والخر… بدک نبود. طرح بلند کشیده‌ای داشت… طاق نصرتش که دروازه باشد، سخت نظرمان را جلب کرد.»

گذشتن از این طاق و حرکت به سمت غرب در روزهای آخر سال میلادی چندان ساده نیست. ایالت‌های کلرادو و یوتا و کوه های «راکی» مسیر چندان مناسبی برای رانندگی در زمستان نیست. در نتیجه به سمت جنوب حرکت می‌کنم تا با عبور از ایالت «اکلاهاما»، کوه های راکی را دور بزنم و با ادامه مسیر به سمت غرب وارد ایالت «نیومکزیکو و الباکرکی»^۶ شوم. البارکرکی به عنوان یک پاسگاه نیروهای اسپانیایی در سال ۱۷۰۶ دایر شد ولی به تدریج با گسترش منطقه حول کلیسای قدیمی، تبدیل به دهکده و در سال ۱۸۳۲ به عنوان شهر شناخته شد. حدود نیمی از مردم شهر ریشه و اصالت

لاتین تبار دارند که این خصیصه در معماری، رستوران‌ها و موسیقی خیابانی به طور پررنگی دیده می‌شود. این تفاوت فرهنگی را در خون‌گرمی مردم و رفتارشان نیز می‌توان دید. مردم لاتین تبار باورهای مذهبی نسبتاً قوی دارند و مراسمی چون کریسمس را با شکوه و جلوه بیشتری برگزار می‌کنند که متأسفانه به دلیل کرونا امسال جشن‌های کریسمس و موسیقی‌های خیابانی برگزار نشدند. در توقف بعدی کمی از شهرها فاصله گرفتم و به منطقه منحصر به فرد طبیعی رسیدم.

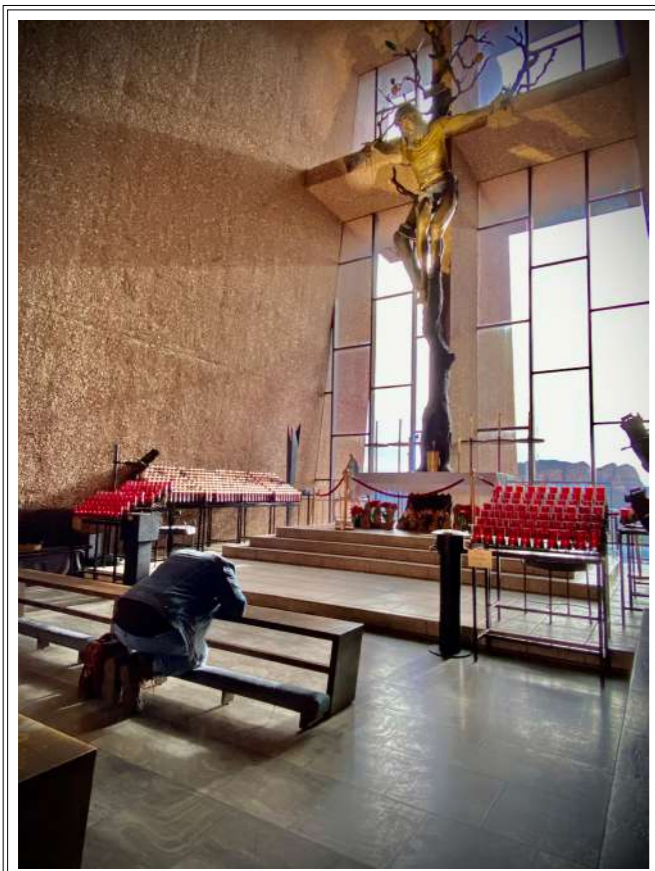
مقصد بعدی شهر «سدونا» در شمال ایالت «آریزونا» بود، یکی از بهترین مناطق طبیعت گردی آمریکا. تغییرات اقلیمی و فرسایش آب و خاک در طول میلیون‌ها سال منطقه‌ایی منحصر به فرد ایجاد کرده است. شن و ماسه‌های سرخ رنگی که در طول این سال‌ها به سنگ‌های مستحکم و عظیمی تبدیل شده‌اند و کوه‌های سنگی را در این منطقه شکل داده‌اند. پارک ایالتی «سنگ سرخ»، «پل شیطان» و «کلیسای صلیب مقدس» از مهمترین جاذبه‌های این منطقه است. کلیسای صلیب مقدس بنا بود در «بوداپست» ساخته شود، اما با شروع جنگ جهانی، محل ساخت بنا به این منطقه تغییر کرد. معماری متفاوت و هم‌خوان با طبیعت منطقه ویژگی جالبی به این کلیسا داده است. این طبیعت زیبا در کنار هوای بسیار خوب منطقه که در این فصل سال به حدود ۲۰ درجه در طول روز می‌رسد، باعث توقف چند روزه برای کوهنوری و پیاده‌روی در این منطقه شد. سپس زمان ادامه مسیر به سمت مقصد فرا رسید.

بعد از ترک آریزونا برای ادامه مسیر با عبور از بین دو شهر «لس‌انجلس و لاس وگاس» باید کم‌کم به سمت شمال حرکت می‌کردم. به خاطر طولانی‌تر نشدن مسیر و نداشتن زمان کافی، امکان بازدید از این دو شهر فوق‌العاده وجود نداشت. اما برای عبور از بین این دو شهر باید از صحرای «موهاوی» عبور می‌کردم که به سبب درخت‌های «جاشوا» به صحرای جاشوا نیز معروف است. درخت جاشوا که به نخل «یوکا» نیز معروف است، درخت بومی منطقه جنوب و جنوب غربی آمریکاست که نقش مهمی در زیست‌بوم منطقه دارد و زیست‌گاه بسیاری از پرنده‌های بومی است. صحرای موهاوی با اختلاف دمایی بسیار شدید در طول شبانه روز دارای گونه‌های بسیار متفاوت جانوری به ویژه خزندگان است. موهاوی نام خود را از قبایل سرخ پوست منطقه گرفته است. با عبور از درختان جاشوا و یک رانندگی طولانی در طول ایالت کالیفرنیا به شهرهای «ساکرامنتو و سان فرانسیسکو» می‌رسم که تقریباً در فاصله یک ساعت از همدیگر در شمال ایالت کالیفرنیا قرار دارند.

^[1] Midwestern states

^[2] مشخص نیست منظور جلال از دوازدهمین شهر آمریکا چیست. از لحاظ جمعیت این شهر ۶۵امین شهر پرجمعیت آمریکاست. شاید مراد جلال ۱۲امین شهر پرجمعیت غرب میانه است که با واقعیت سازگارتر است.

^[3] Albuquerque



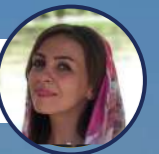
سانفرانسیسکو یکی از بزرگ‌ترین و ثروتمندترین شهرهای آمریکا است. پل «گلدن گیت» مهمترین جاذبه توریستی این شهر است که تبدیل به سمبل شهر شده است. پل گلدن گیت بعد از مجسمه آزادی از مهمترین نمادهای آمریکا است. به علت مه شدید در این منطقه رنگ پل نارنجی انتخاب شده. یکی از دیگر از نکات جالب درباره این پل تعداد زیاد رخدادهای خودکشی با سقوط از روی پل است. از دیگر جاذبه‌های این شهر زندان «آلکاتراز» است که در دوره‌ای مقرر معروفترین و خطرناک‌ترین زندانیان مانند «آل کوپن» بوده. از دیگر نکات بسیار جالب شهر، محله چینی‌ها است که یکی از بزرگ‌ترین اجتماع مردم چینی تبار در خارج از چین است. با خارج شدن از سانفرانسیسکو و حرکت به سمت شمال کم کم به روزهای آخر سفر هم نزدیک می‌شوم. با خروج از کالیفرنیا، وارد ایالت زیبای «اورگان» می‌شوم. جاده‌های زیبای این ایالت که پوشیده از درخت‌های سرسبز فلک کشیده است و متاسفانه، آثار آتش سوزی‌های سال ۲۰۲۰ گاه‌گاهی بر درختان دیده می‌شود. یکی از جاذبه‌های طبیعی زیبای اورگان غارهای اورگان است که به دلیل شیوع کرونا، امکان بازدید در حال حاضر وجود ندارد. در نتیجه به رانندگی و لذت بردن از جاده‌های زیبا و سرسبز شمال غرب آمریکا ادامه دادم تا با عبور از ایالت اورگان وارد ایالت «واشنگتن» شوم و به مقصد نهایی خود برسیم، شهر «سیاتل»؛ شهر باران و گل.

این سفر بیست روزه تبدیل به یکی از خاطره‌انگیزترین سفرها برای من شد. در طول نزدیک به ۸۰۰۰ کیلومتر رانندگی، فرصت دیدن چندین شهر و ایالت با مردم، طبیعت و فرهنگ‌های کاملاً متفاوت و گوناگون را بدست آوردم. از طرفی فرصت بسیار با ارزشی برای تنهایی و خلوت کردن با خود بدست آوردم که در دنیای پر سرعت امروز شاید کمتر فرصت چنین کاری فراهم شود. در نهایت امروز با تجربه‌های جدید و خاطرات شیرین، آماده برنامه‌ریزی برای سفرهای آینده و مقصدهای جدید هستیم.



تحقق رویای کودکی در دنیای دیزنی لند

بهاره شیرانی



تا جایی که به یاد دارم، دوران کودکی‌ام را با کارتون‌های والت دیزنی سپری کردم. عاشق کفش‌های سیندرلا بودم و حتی یک جفت کفش شیشه‌ای پاشنه‌دار، شبیه آن خریده بودم. نمی‌دانم چرا؟ ولی با زیبای خفته همزاد پنداری می‌کردم. از طرفی در تصوراتم به دنبال شاهزاده رویاهایم بودم و از طرف دیگر دوست داشتم سرزمین کوتوله‌های سفید برفی را پیدا کنم و با هفت کوتوله خوشگل و با مزه دوست باشم. در رویای کودکی‌ام عاشق سرزمین آلیس بودم و دلم می‌خواست برای یک بار هم شده قدم در دنیای عجایب‌باش بگذارم. از علاالدین و غول چراغ جادویش نگویم که چه آرزوهایی داشتم و به دنبال برآورده شدنشان بودم. از همان دوران کودکی با تماشای پینوکیو آموختم از دروغ بترسم، تا جایی که وقتی یک دروغ‌گودکانه و کوچک می‌گفتم یواشکی جلوی آینه بینی‌ام را چک می‌کردم، مبادا دراز شده باشد. خاطرم هست برادر کوچکترم عاشق دامبو، فیل کوچولوی گوش بزرگ و معصومیت نگاهش بود. روزی یک بار زیبای خفته و دامبو را با هم می‌دیدیم، آن میان هم برای تنوع میکی موس و دانلد داک تماشا می‌کردیم. خلاصه من با این دنیا بزرگ شدم و معصومیت کودکی‌ام غرق در تخیلات والت دیزنی بود.

بزرگتر شدم و برای نخستین بار قسمت اول انیمیشن جذاب داستان اسباب بازی‌ها رو در مسیر پرواز یک مسافرت داخل هواپیما دیدم. خاطرم هست در همان سفر، وقتی پشت ویتربین یک مغازه اسباب بازی فروشی، عروسک شخصیت وودی را دیدم با تمام وجود عاشقش بودم تا بخرمش و برادرم به دل نه صد دل عاشق شخصیت باز (فضا نورد مغرور انیمیشن) شده بود.

کودکی ما تمام شد، اما یاد و خاطرات خوش آن دوران هنوز در خاطرم است و باور دارم بخشی از شخصیت نه تنها من، بلکه بسیاری از هم‌نسلانم با دیدن کارتون‌های دیزنی شکل گرفت.

در سفر به کشور فرانسه و شهر زیبای پاریس این فرصت را داشتم تا به رویای کودکی‌ام تحقق بخشم. وارد دنیای کارتون‌های مورد علاقه کودکی‌ام شوم و برای یک روز هم شده در دنیای رویایی والت دیزنی زندگی کنم.

شاید خنده دار باشد، اما انیمیشن جذاب و نسبتاً جدید «فروزن» ساخته این کمپانی را هم برای اولین بار در پرواز به سمت پاریس تماشا کردم و به حدی برایم رویایی و تماشایی بود که در بدو ورود به دیزنی لند کودک درونم بیدار شد و مثل بیشتر دختر بچه‌های درون پارک با دیدن السا و آنا از شدت ذوق سر از پانمی‌شناختم.

دیزنی لند که لقب شادترین نقطه کره زمین را گرفته، مجموعه پارک‌هایی جذاب متعلق به کمپانی والت دیزنی است که حد و مرزی برای سن و سال ندارد و شما را در واقعیت به دنیای کارتون‌هایش وارد می‌کند.

در صف خرید بلیط ورودی با دیدن آقایان و خانم‌های مسن به یقین رسیدم که دیزنی لند جایی مخصوص کودکان نیست و برای تمامی سنین جذاب و پرازهیجان است. با خودم فکر کردم شاید این جادوی جناب والتر الیاس(والد دیزنی) و برادرش اولیور دیزنی است که توانسته پس از گذشت سال‌ها کماکان مردم سراسر جهان را به سمت خودش، تخیلاتش و تجربه دنیایش بکشاند.

اولین مجموعه پارک بازی دیزنی لند، سال ۱۹۵۵ در زادگاه این کمپانی، کشور آمریکا تاسیس شد. پس از چند سال اولین پارک خارج از کشور این مجموعه در توکیو ژاپن افتتاح شد و پس از آن تنها شعبه دیزنی لند اروپا در پاریس بازگشایی شد که نسخه هم‌تای دیزنی لند اولیه در کالیفرنیا است و این پارک نه تنها کوچک‌تر نیست، بلکه وسعتی به بزرگی همان دارد. مجموعه دیزنی‌لند هم اکنون هفت شعبه در سراسر جهان در کشورهای آمریکا، ژاپن، فرانسه و چین دارد. جالب است بدانید این پارک در فرانسه به قدری محبوب است که تعداد بازدیدکنندگان آن با موزه لوور و برج ایفل برابری می‌کند.

صبح با قطارهای سریع‌السیر RER به سمت دیزنی لند حرکت کردیم و حوالی ساعت ده و نیم به آنجا رسیدیم. با صف طولانی و پرازدحامی مواجه شدیم که البته این

امر برای مجموعه دیزنی لند کاملاً عادی است. حدود یک ساعتی را در انتظار تهیه بلیط سپری کردیم و در این مدت طی صحبت‌هایی که شنیدم، متوجه شدم اگر بلیط این پارک را از قبل تهیه می‌کردیم هم قیمتی به مراتب مناسب‌تر می‌داشت و هم اینکه بدون معطلی وارد می‌شدیم. یادم آمد در فرودگاه غرفه‌ای برای فروش بلیط دیزنی لند بود که هر بلیط را به قیمتی بسیار مناسب‌تر از آنچه ما خریدیم به فروش می‌رساند، اما از آنجا که تجربه نخست‌مان بود و معمولاً در فرودگاه‌ها قیمت‌ها بالاتر است، متأسفانه تهیه نکردیم.

ساعتی گذشت و بالاخره وارد دنیای رویایی و پراهیجان‌والد دیزنی شدم...

خیابانی بلند با پوشش سنگی (سنگ‌فرش) که در دو سوی آن فروشگاه‌ها و ساختمان‌های رنگارنگ و زیبا با طراحی کارتونی و کلاسیک قرار داشتند و کالاهای مختلف؛ از لباس شخصیت‌های مختلف گرفته، تا لوازم تزئینی و خوراکی‌هایی با تم دیزنی را به علاقه‌مندان ارائه می‌دادند. جالب است بدانید پر طرفدارترین کالای این فروشگاه‌ها، تل‌میکسی موس است که تقریباً اکثر افرادی که به پارک وارد می‌شوند، از بزرگ و کوچک، زن و مرد در همان بدو ورود تهیه می‌کنند. این خیابان و سبک طراحی‌اش یادآور خیابان نیویورک در سال

۱۹۳۰ می‌باشد. خیابان اصلی و معماری ساختمان‌هایش به حدی جذاب بود که نمی‌دانستم همان‌جا بمانم یا مسیر را به سمت نماد معروف دیزنی، قلعه زیبای خفته که از دور نمایان بود ادامه دهم. قصری بی‌نهایت زیبا و باشکوه که در ابتدای تمامی انیمیشن‌های کمپانی‌والد دیزنی نمایش داده می‌شود، جایی نیست جز قلعه زیبای خفته. برای من که در دوران کودکی بارها و بارها این تصویر را از پشت قاب شیشه‌ای تلویزیون دیده بودم قرار داشتن در اینجا درست روبروی این کاخ رویایی، لذتی باور نکردنی، بیشتر شبیه به یک خواب یا رویا بود.

با وارد شدن به داخل قلعه سر جای خود می‌خکوب شدم، نمی‌دانستم این خواب و رویا است یا اینکه من واقعا وارد دنیای انیمیشن محبوب کودکی‌ام شدم. قلعه‌ای بسیار زیبا با پنجره‌ها و شیشه‌های رنگی که تصاویری از کارتون را مثل پازل کنار هم قرار داده بودند. در گوشه گوشه‌ی راهروهای قلعه، نمادهای جذابی، همچون کتاب جادویی سخن‌گو که بازگوکننده داستان بود و زیبای خفته‌ای که در کنار دوکاش آرام خفته بود، به راستی تحقّق رویارویی با شخصیت محبوبم بود.

طولی نکشید که صدای موسیقی به گوش رسید و کارناوالی از شخصیت‌های محبوب دیزنی در خیابان به راه افتاد. با دیدن

کالسکه سیندرلا و کشتی کاپتان هوک (مربوط به انیمیشن پیتروپن)، چنان کودکانه به وجد آمده بودم که سن و سالم را از یاد بردم. دیدن رژه‌ای موزیکال و شاد همراه با رقص زیبا در کنار آنا و السا، دیو و دلبر، زیبای خفته و شاهزاده‌اش، میکی موس و صدها شخصیت محبوب دیگر که برایم دست تکان می‌دادند، به راستی همانند رویا بود. گویی خواب‌های دوران کودکی‌ام تعبیر شده بود و من پس از گذر سال‌ها هم اکنون در دنیای رنگارنگ و سراسر شاد آنها بودم.

نزدیک ظهر بود و کماکان از هیچ وسیله بازی‌ای استفاده نکرده بودیم، راستش با توجه به صف بسیار طولانی در یک روز، امکان استفاده از تمامی بازی‌ها نیست، بنابراین برای شروع، دنبال قسمتی گشتیم که صف نسبتاً کمتری دارد. ورود به دنیای پینوکیو و کلبه پدر ژپتو صف کوتاهی داشت، خوشحال و بدون درنگ وارد صف شدیم و پس از مدت کوتاهی با ورود به داخل کلبه‌ای چوبی متوجه شدیم صف اصلی اینجا است که از دید ما پنهان مانده. خلاصه که حسایی رکب خوردیم و بالاخره بعد از ساعتی انتظار سوار قطاری شدیم که داخل کلبه حرکت می‌کرد و روایتگر داستان پینوکیو بود. البته که دیدنش خالی از لطف نبود، اما ارزش آن صف طولانی را نداشت.





در جست و جوی نمو است که تنها در دیزنی لند پاریس وجود دارد و با سرعت بسیار زیاد در لوکیشنی از استرالیای شرقی می‌پیچد و هیجان زیادی دارد. با توجه به صف بسیار طولانی حدود دو ساعته برای استفاده از این ترن هیجان انگیز، سعی کنید اولین نفرات صف باشید تا در زمان تان صرفه جویی شود.

پس از تجربه پر از هیجان ترن در جست و جوی نمو، به سمت سرزمین فرانتیرلند یا سرزمین غرب وحشی رفتیم. با قدم زدن در اینجا میان کاکتوس‌ها می‌توانید دوران قدیم آمریکا، فروشگاه‌ها، گاو چران‌ها و کابوی‌ها را ببینید و به دنبال جویندگان طلا بروید. بزرگ‌ترین ترن هوایی کوهستانی را در اینجا می‌توانید تجربه کنید، با سرعتی بالا در میان کوهستان و صخره‌ها بچرخید و وارد معادن طلا شوید.

در بخش استودیو پارک دیزنی نیز بازی‌ها و سرگرمی‌های زیادی برای کودکان است. از دنیای اسباب بازی‌ها و نمایش سرگرم کننده‌اش همراه با شخصیت‌های محبوب انیمیشن گرفته، تا دنیای آشپزی راتاتویی، موش سر آشپز مشهور و برج هالیوودی و...

به ساعات پایانی شب نزدیک می‌شدیم و زمانی حدود نیم ساعت تا شروع خیره کننده‌ترین برنامه پارک، نورپردازی و آتش بازی بر روی قلعه معروف دیزنی داشتیم. بنابراین از بقیه تفریحات صرف نظر کرده و به سمت پارک پوکوهانتس رفتیم و گشتی در میان این پارک زیبا و چادرهای خیمه‌ای‌اش زدیم و سپس به سمت قلعه روانه شدیم.

جمعیت زیادی منتظر شروع برنامه بودند، تا اینکه با یک نورپردازی بسیار زیبا و متحرک از انیمیشن‌های معروف میکی موس، شیر شاه و فروزن و ... بر روی ساختمان قلعه جذاب‌ترین بخش برنامه آغاز شد و با همراهی رقص آب و نور ادامه یافت و در نهایت با یک آتش بازی بی‌نظیر خاتمه یافت.

به جرات می‌توانم بگویم یکی از لذت بخش‌ترین روزهای عمرم را در دنیای والت دیزنی و در این مجموعه سپری کردم و اگر بار دیگر خداوند به من شانس سفر به یکی از کشورهای که این مجموعه پارک جادویی شعبه دارد را بدهد، قطعا بازدیدش را از دست نخواهم داد.

بعد از تجدید خاطره با پینوکیو، چشمم به سرزمین عجایب آلیس افتاد. تپه‌های بلند و سرسبز و تو در تو که با ادامه دادن مسیری مارپیچ در هر گوشه‌اش سورپرایزی برای ما داشت. از آنجا که کارتون آلیس و قدم زدن در سرزمینش، رویای کودکی‌ام بود، بی‌درنگ مقصد بعدی همان بود. صف چندان طولانی نبود، چرا که در فضای باز قرار داشت و همه می‌توانستند سریع وارد شده و در دنیای عجایب آلیس گشتی بزنند. بر سر میز غذاخوری معروفش بنشینند و حسایی با دیدن چیزهای عجیب و غریب در این سرزمین شگفت زده شوند.

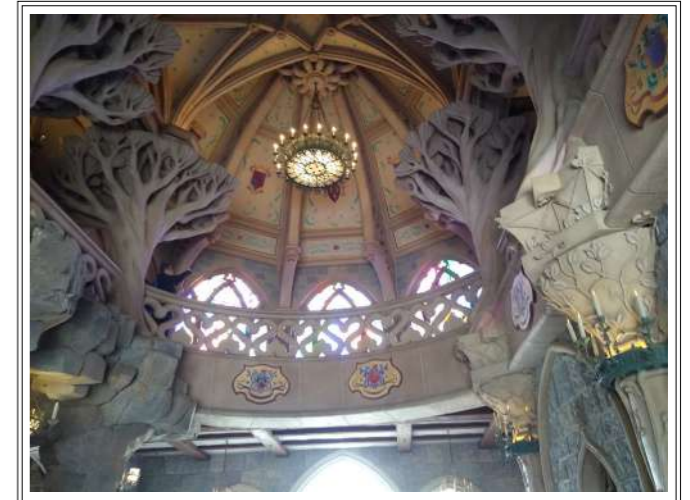
انیمیشن پیترپن، از کارتون‌های مورد علاقه همسرم بود. با دیدن دنیای پیترپن، تصمیم گرفتیم تفریح جذاب بعدی‌مان باشد. صف بسیار بسیار طولانی بود و حدود یک و ساعت و نیم انتظار کشیدیم و این تنها نکته منفی مجموعه دیزنی لند است چرا که زمان زیادی را در صف‌های ورود از دست می‌دهید و عملاً فرصت کافی برای استفاده از تمامی بازی‌ها را نخواهید داشت. خاطرتان باشد اگر قصد سفر به این مکان سراسر هیجان و شاد را دارید حتماً از قبل درباره بازی‌های مورد علاقه‌تان تصمیم بگیرید.

بالاخره سوار کشتی پرنده پیتر پن شدیم. در همان ابتدا به اتاق وندی (دخترک معروف داستان) وارد شدیم و با همراهی او از پنجره اتاقش خارج و در تاریکی شب، بر فراز شهر زیبای لندن به پرواز در آمدیم. از بالا محو تماشای خانه‌های این شهر، خیابان‌ها و ساعت بیگ بن بودم، تنها نور فضا، درخشش ستارگان از بالای سر و چراغ‌های شهر در زیر پایم بود. بر خلاف تصور اولیه‌ام این بخش از مجموعه جذاب‌ترین، زیباترین و رویایی‌ترین بازی‌ها نه تنها دیزنی لند، بلکه تمام عمرم بود.

بعد از توقف کشتی و خروج از دنیای پیتر پن، به سمت شهر علاالدین، دنیای جادو و خیال راهی شدیم، مکانی زیبا با معماری عربی و جذابیت‌های دیدنی از قالیچه پرنده و چراغ جادویش تا خیمه‌های دست فروشان شهر که هر یک به نوبه خود جذاب و پر از خاطره بود.

یکی از فیلم‌های بسیار معروف و پر طرفدار مجموعه دیزنی لند، کشتی دزدان دریایی کاراییب است که بسیار لذت بخش و هیجان انگیز بود. نکته جالب آنکه دقیقاً شخصیتی همانند جانی دپ با همان شکل و شمایل آنجا حضور دارد و همراهی‌تان می‌کند. اگر از قبل نمی‌دانستم که کارمندان این پارک بازیگران حرفه‌ای و دوره دیده هستند و بسیار شبیه به شخصیت اصلی انتخاب می‌شوند، به راستی باور می‌کردم خودش است. سوار بر ترن کشتی نما وارد زندگی دزدان دریایی می‌شوید، می‌جنگید و یکی از لذت بخش‌ترین بازی‌های عمرتان را تجربه می‌کنید

و اما معروف‌ترین و منحصر به فردترین بازی این پارک، ترن





یادداشتی از بازیگر

صالح میرزا آقایی



را داشتیم؛ از بامداد با حالی خوش و شادمان از بازارچه قدیمی شروع میکردیم، حظ میبردیم، عکس می گرفتیم و حال خوبمان را با همشهریانم آن که سر خوش بودن و شادمان، تقسیم می کردیم و در انتها با دستی پر از خرید، گل و سنبل و سمنو به خانه برمی گشتیم تا سفره هفت سین مان را بچینیم و منتظر برای لحظه جادوی سال تحویل باشیم.

دلم می خواهد یاد کنم که قریب به ۳۰ سال است که هر نوروز چند روز مانده به سال تحویل نو، گوشم پر میشد از تصنیف های قدیمی و بهاریه هایی که برایم خاطرات گرانبه های گذشته را تداعی می کرد؛ خانم دلکش، مرضیه، الهه، پوران، بنا و...

۲۹ اسفند، همواره برایم یادآور دوران طلایی است رفتن به کوهساران و لذت بردن از روزهای خوش آفتابی در درکه و ارتفاعات اوسون، که بخشی از زندگی آن شده بود؛ با رفقای جانی که حالم را دو چندان خوش تر می کردند.

و اینک در آستانه پنجاه سالگی ام؛ این اولین نوروزی است که حال و هوایم غریب است؛ با فضای پیرامونم بیگانه ام، حالم آنچنان که باید خوش نیست و غمگینانه به اطراف نگاه می کنم؛ به واقع هرچه تلاش می کنم به دشواری می توانم خود را شادمان در یابم؛ اما در حقیقت، نیک می دانم تنها «امید به زندگی» است که می تواند ما را سرپا نگه دارد. فقط و فقط خودمان هستیم که می توانیم با عشق به زندگی و آینده، خودمان را حفظ کنیم.

بهارتان خجسته باد صالح میرزا آقایی

این قافله عمر عجب میگذرد
دریاب دمی که با طرب میگذرد
ساقی غم فردای حریفان چه خوری
پیش آر پیاله را که شب میگذرد
«حضرت خیام»

در این روزگار سخت و دشوار به طرز عجیبی ایام و تفکرش، برایم حضوری جامع دارد. آنقدر در این روزهای تلخ، اخبار ناگوار می شنوم که فقط و فقط به همه کسانی که دوستشان می دارم می گویم که مراقب خود باشید، مراقب عزیزانتان باشید و تا دیر نشده به یکدیگر عشق بورزید تا از این بحران به آزمون دشوار گذر کنیم و سرانجام حال خوب و شادمانی را در آغوش بگیریم.

خیام به فراست زندگی را در دریافت لحظه و درک شادمانی یابد و به نیک ماحصل زندگی همین است؛ این روزها که ویروس مرگبار، زندگی یکان یکان ما را تهدید می کند می توان به همان اندیشه ناب و زیستن با کیفیتی که خیام از آن یاد می کند، رسید؛ قدر لحظه را دانست و به وفور از آن بهره مند شد.

دلم می خواست در این بهاریه از روزهای خوش گذشته یاد کنم. میخواستم از ۲۹ اسفند بنویسم، که در وهله نخست متبرک است به نام بزرگ مردی از ایران زمین دکتر محمد مصدق. در این روز ویژه به یاد دارم به رسم دیرینه خانوادگی شاید از ۲۰ سال پیش همواره برنامه گشت و گذار در تجریش



معنی کلمه اودیشا، در واقع در کتاب باستانی و بزرگترین حماسه هندوها یعنی «ماهابهارت Mahabharata»، به دو شکل ترجمه شده یکی «کشور مردم اودیا» و دیگری «پادشاهی منطقه اودیشا».

این ایالت به فرهنگ قبایل بومی خویش و معابد باستانی هندو، مشهور است. سلسله‌های باستانی بسیاری از جمله سلسله «موریان Mauryan» و سلسله «سوماوامسی Somavamsi» در این منطقه حکمرانی کرده‌اند. در سال ۱۵۶۸ میلادی سلسله مسلمان گورکانیان که در هند به «مغول سلطنت» مشهور است سلسله «بنگال سلطنت» را در منطقه فعلی ایالت اودیشا و ایالت بنگال غربی ایجاد کردند. سپس در سال ۱۷۵۱ میلادی، الله‌وردی‌خان، پادشاه بنگال و اودیشا در جنگی که بین پادشاهی «مراتا Maratha» و او در گرفت، شکست خورده و پادشاهی مراتا بر این منطقه مسلط شد. در سال ۱۷۶۰ میلادی انگلیسی‌ها بر این منطقه وارد شده و حکومت پادشاهی مراتا را ساقط کردند.

یکی از مهمترین و دردناکترین اتفاقاتی که در تاریخ منطقه اودیشا رخ داد، قحطی معروف سال ۱۸۶۶ میلادی است که در آن یک میلیون نفر در اثر این واقعه از بین رفتند. در سال ۱۹۳۶ میلادی ایالت «بیهار Bihar» و ایالت اودیشا که با یکدیگر متحد بودند از یکدیگر جدا شده و هر کدام برای خود یک فرمانروایی زیر نظر بریتانیایی‌ها تشکیل دادند. نخستین فرماندار انگلیسی آن «سرجان اوستن‌هوبک Sir John Austen Hubback» بود. پس از استقلال هند، در سال ۱۹۴۷ میلادی ایالت اودیشا به عنوان یکی از ایالات مستقل هند شناخته شد.

از معروف‌ترین شهرهای این ایالت، باید به «پوری Puri» و «کونارک Konark» اشاره کرد. شهر پوری، به معابد باستانی هندو شهرت بسیار دارد. یکی از معروف‌ترین این معابد، معبد «جگنات Jagannath» می‌باشد که در قرن ۱۲ قبل از میلاد ساخته شده و سپس در قرن ۱۰ میلادی، بازسازی گردیده است. این معبد، به جگنات تجسم و تجلی «ویشنو Vishnu»، یکی از خدایان سه‌گانه در هندویسم تقدیم شده است و کلمه جگنات در زبان سانسکریت به معنی «خدای کائنات» یا «خدای کیهان» می‌باشد. کلمه پوری، در زبان سانسکریت، به معنی شهر می‌باشد.

دو جشنواره فرهنگی بزرگ در این شهر هرساله برگزار می‌شود نخست «Puri Beach Festival» که تاریخ آن از ۵ تا ۹ نوامبر است و دیگری «Shreekshestra Ustav» است که از ۲۰ دسامبر تا ۲ ژانویه می‌باشد. در هر دوی این جشنواره‌ها رقص سنتی - کلاسیک اودیسی، موسیقی کلاسیک و رقص‌های فولکلور (عامه) این منطقه به نمایش گذارده می‌شود. از دیگر برنامه‌ها در این جشنواره‌ها می‌توان به نمایش هنرها و صنایع دستی و خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های محلی نیز اشاره کرد.

ایالت اودیشا

Odisha State

خانم نسیم کمپانی
مردم شناس



اودیشا، یکی از شرقی‌ترین ایالات هند است که در خلیج بنگال واقع شده و مرکز آن شهر «بهوبان ایشور Bhubaneswar» می‌باشد. این ایالت در گذشته به «اوریس Orissa» معروف بوده است. معنی کلمه بهوبان ایشور در زبان «ودیا Odia»، زبان رایج در این ایالت «خدای سه دنیا» می‌باشد و در واقع اشاره به «شیوا Shiva»، یکی از خدایان سه‌گانه در هندویسم دارد. زبان اودیا که در گذشته به آن «وری Oriya» گفته می‌شده، یکی از زبان‌های هندو - آریایی می‌باشد. این زبان در ایالات همسایه اودیشا یعنی «ایالت بنگال غربی West Bengal»، «ایالت جارکند Jharkhand» و «ایالت چتیشگر Chhattisgarh» نیز رایج است.



شهر کونارک، در خود یکی از مشهورترین معابد هندو، به نام «معبد خورشید Sun Temple» را جای داده است. این معبد ۱۳ جزء میراث جهانی یونسکو می باشد. این معبد در سال ۱۳ قبل از میلاد ساخته شده و به «ناراسیمها دوا Narasimhadeva»، یکی از پادشاهان سلسله «گنگا Ganga» تقدیم شده است. کونارک، در زبان سانسکریت به معنی زاویه‌های خورشید یا گوشه‌های خورشید می باشد، که اشاره به خدای خورشید یعنی «سوریا Surya» دارد.

یکی از مهمترین میراث ناملموس ایالت اودیشا، رقص سنتی- کلاسیک این ایالت به نام «اودیسی Odissi» می باشد. بر طبق کاوش‌های باستان‌شناسی در این منطقه، این رقص، یکی از رقص‌های کلاسیک باستانی در شبه قاره هند است. از این رقص در کتاب کهن «ناتیاشاسترا Natyashastra» که ۲۰۰ سال قبل از میلاد نوشته شده و در واقع فرهنگ کاملی درباره هنرهای چون رقص، موسیقی، آواز خوانی، نوازندگی، طراحی صحنه، آرایش و پیرایش رقصنده، نورپردازی صحنه و رفتار و حرکات یک رقصنده و خواننده در عهد باستان می باشد، نام برده شده است.

ایالت اودیشا یکی از مهمترین مناطقی در هند است که هنوز قبایل ابتدایی با شیوه زندگی خاص خود در آن ساکن هستند. حدود ۶۲ قبیله مختلف در اودیشا ساکن می باشند و هر ساله هزاران گردشگر از سراسر دنیا به تماشای آنان می آیند. مرکز گردشگری فرهنگی ایالت اودیشا، برای بازدید از این قبایل برنامه‌های خاصی را در طول سال تدارک دیده است. مهمترین این برنامه‌ها دیدار از شیوه و مکان زندگی ایشان، رقص‌های فولکور، پوشاک و خوراک خاص ایشان و همچنین هنرها و صنایع دستی می باشد. از مهمترین قبایلی که اغلب گردشگران از آنها بازدید به عمل می آورند، این شش قبیله می باشند.

۱. قبیله سورا Saura Tribe

۲. قبیله کونده Kondh Tribe

۳. قبیله دونگوری Dungurai Tribe

۴. قبیله بوندا Bonda Tribe

۵. قبیله گودوبا Godoba Tribe

۶. قبیله مالی Mali tribe

از دیگر مکان‌های باستانی گردشگری در این ایالت، باید به غار معابد باستانی «اودای گیری Udayagiri» و «کانداگیری Khandagiri» که متعلق به دو قرن پیش از میلاد می باشد و به «غارهای کاتاكا Kattaka Caves»، معروفاند، اشاره کرد. این غار معابد حدود ۱۱۷ عدد هستند که بر طبق باور باستان‌شناسان هندی، متعلق به راهبان مذهب «جین Jain» بوده‌اند و نزدیک مرکز ایالت اودیشا یعنی بهوبان ایشور، قرار گرفته اند. معنی کلمه اودای گیری، در زبان هندی «تپه های طلوع خورشید» و کاندا گیری، به معنی «تپه‌های شکسته شده» می باشد.



تقدیم می‌کنند. بر طبق یافته‌های باستان‌شناسی، قدمت این جشنواره به ۳۰۰۰ سال پیش برمی‌گردد.

۳. جشنواره «سیتالاسستی Sitalasathi»: این جشنواره، در تقدیس ازدواج «شیوا Shiva» یکی از خدایان سه‌گانه در هندویسم با «پروتی Parvati»، ایزد بانوی عشق، ازدواج و فرزندآوری می‌باشد. در این روز نمایش‌هایی بر مبنای این اسطوره، برگزار می‌شود.



از مهمترین جشنواره‌ها در این ایالت باید به:

۱. جشنواره «راجا پربا Raja Parba»: این جشنواره چهار روزه زنانه هر ساله در «ماه جون June»، برگزار می‌شود. نخستین روز این جشنواره را «پیلی راجا Pahili Raja» می‌خوانند. دومین روز را «میتونا Mithuna»، سومین روز را «بهوداها Bhu Daaha» و چهارمین یعنی آخرین روز را، «واسوماتی سنانا Vasumati Snana» می‌نامند. در آخرین و چهارمین روز این جشنواره، زنان با سنگ سمباده که نماد الهه مادر «بومی Bhumi» می‌باشد و خمیر زردچوبه و شیر مخلوط شده، حمام می‌کنند. سپس به موهای خود گل‌های تازه آویخته و پیشانی خویش را با خال سرخ رنگ تزئین می‌کنند. پس از آراستن خویش، تمام میوه‌های فصل را در سینی بزرگی گردآورده و به بومی، الهه مادر، تقدیم می‌کنند. روز پیش از شروع جشنواره را «سجاباجا Sajabaja» می‌نامند که در این روز، زنان به تمیز کردن خانه و آشپزخانه پرداخته، سپس یک سنگ سمباده و ادویه جات مختلف و معطر هندی را بیرون از قفسه‌های آشپزخانه می‌گذارند. در این سه روز زنان به استراحت پرداخته و معاف از کارهای روزمره خانگی هستند. ساری‌های رنگی زیبا و نو بر تن کرده، به خود عطر زده و جواهرات گران‌قیمت خود را بر خود می‌آویزند. زنان و دختران در این سه روز به درختان طناب آویزان کرده و با شور و شعف فراوان تاب بازی می‌کنند. درواقع، بنا بر باور هندوها، این جشنواره برای روزهای عادت ماهیانه مادر زمین «بودوی Bhudevi» که همسر «ویشنو Vishnu»، یکی از خدایان سه‌گانه در هندویسم می‌باشد، برگزار می‌گردد. کلمه «راجاس Rajas» در زبان سانسکریت، به معنی «عادت ماهیانه» بوده و زنانی را که عادت ماهیانه می‌شوند را، «راجاس والا Rajaswala» می‌نامند. این جشنواره، در تقدیس این مدت زمانی زنانه و تقدیس باروری می‌باشد. ضمناً در این چهار روز، مردان تمامی وسایل کشاورزی را شسته و تمیز کرده و سپس آنها را مورد تقدیس قرار می‌دهند. زیرا در این ماه مردم منتظر باران‌های موسمی نیز هستند که برای کشاورزی هند بسیار مهم تلقی می‌شود.

۲. جشنواره «نوکاری Nuakhai»: این جشنواره، در ماه‌های اگوست و سپتامبر برگزار می‌شود و جشنواره‌ای کشاورزی، محسوب می‌شود که در آن، دانه برنج را تقدیس می‌کنند. دانه‌ای که خوراک کل مردم شبه قاره هند می‌باشد. این روز در تقویم ایالت اودیشا، تعطیل رسمی بشمار می‌آید. کلمه نوکاری، به معنی خوراک تازه می‌باشد. در این روز، زنان از برنج، نوعی کیک سنتی به نام «آرسا پیتا Pithaa Arsa» برای خانواده خود تهیه می‌کنند و برنج تازه برداشت شده را در زمان «لگنا Lagna» که درواقع وقت خاصی از روز، برای برگزاری این جشنواره است و به معنی زمان خوش یمن می‌باشد، به الهه مادر یعنی «سامال ایشوری Samaleswari»،



حامی رسانه ای اهالی سفر

Traveller's Media Sponsor

www.safarnevisan.ir



کار در سفر

درآمدزایی در حین سفر

در صورت تمایل به همکاری و کسب اطلاعات بیشتر با ما، به دایرکت اینستاگرام و یا با شماره زیر در واتساپ تماس حاصل فرمایید.

۰۹۹۰۳۰۸۱۰۰۵

با همکاری مجله اینترنتی
سفرنویشان

در همین راستا، مجله سفرنویشان با روش جذب آگهی به شیوه های زیر از همه علاقه مندان دعوت به همکاری می نماید.

۱. در حین سفر ۲. در شبکه های اجتماعی

درآمد میانگین ۵ میلیون به بالا

بدون نیاز به سرمایه و آموزش با صرف

کمترین زمان در حین سفر



دستگاه آسیاب قهوه یوکا



کیفیت عالی و سرعت بی نظیر

با ۱۲ ماه گارانتی

آسیاب قهوه یوکا مدل GS۴۲۰

_ توانایی آسیاب قهوه تا ۴۰ کیلو قهوه
_ ترک و ۷۰ کیلو اسپرسو در ساعت
_ قابل استفاده در فضاهای کوچک با
_ توجه به طراحی خاص آن
_ وجود اهرم چرخشی قابل تنظیم در
_ قسمت خروجی برای کنترل میزان قهوه
_ خروجی



آسیاب قهوه یوکا مدل GS۶۵۰ با هاپر استیل و هاپر پلکسی

_ توانایی آسیاب قهوه تا ۶۵ کیلو قهوه
_ ترک و ۱۲۰ کیلو اسپرسو در ساعت
_ بدنه آسیاب از جنس فلز، پوشش آن از
_ نوع رنگ استاتیک دارای موتور ۳ اسب
_ بخار، دارای فن خنک کننده قوی و طراحی
_ متفاوت بدنه جهت گردش هوا



از ویژگی‌های آسیاب‌های یوکا، وجود آهن ربا در هاپر دستگاه است.

آدرس سایت: www.uoka.ir

تلفن های تماس: ۰۳۱۴۵۸۳۸۹۷۵
۰۹۱۳۳۱۵۱۱۲۸

آدرس: اصفهان، منطقه صنعتی دولت آباد،
خیابان بهارستان (۴۶)، گروه صنعتی یوکا

حامی رسانه ای اهالی سفر
Traveller s Media Sponsor

www.safarnevisean.ir



فرانخوان تور لیدر ها

Tour Guides

معرفی تور لیدر ها

در مجله اینترنتی سفر نویسان و

معرفی تور لیدر ها

به مدیران صنعت گردشگری و

علاقه مندان به سفر در مجله اینترنتی سفر نویسان

از تور لیدر های محترم دعوت می شود تا با ارسال پیام در

اینستاگرام به آدرس safarnevisean

و یا واتساپ 09903081005

فرم معرفی را دریافت نمایند.



مجله سفر نویسان قصد دارد

تعدادی از صفحات خود را به

معرفی تور لیدر های دارای

کارت معتبر اختصاص

دهد.



فائزه شاه حسینی

۳۲ ساله

نام مستعار: فائزه

سوابق شغلی
_لیدر قطار گردشگری مسیرهای رشت و کاشان
_راهنمای گردشگران و تورهای عازم تفرش

حوزه تخصصی

_راهنمای محلی استان مرکزی، شهرتفرش
_راهنمای گردشگری(فرهنگی)

آخرین مدرک تحصیلی
کارشناسی مهندسی کشاورزی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
_بیش از یکسال فعالیت به عنوان راهنمای محلی و آشنا به تمام جاذبه های طبیعی و تاریخی و فرهنگی شهر تفرش
_۱۴سال کوهنوردی و طبیعت گردی با گروه های مختلف

مدارک تخصصی و فنی

امدادگر ۳جمعیت هلال احمر (شهرتفرش)

توانایی ها و مهارت های فردی
_کوهنوردی
_طبیعتگردی
_تولید صنایع دستی (تفرش دوزی)

محدوده و مقصد سفرهای داخلی

و خارجی انجام شده تاکنون
استان مرکزی، بیشتر شهرهای شمالی، زنجان، کاشان، اصفهان، شهرکرد



عادل الماسی

۳۵ ساله

سوابق شغلی
راهنمای طبیعت گردی

حوزه تخصصی

بیابان و کویر

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه

مجری و راهنمای سفرهای تخصصی ماجراجویانه بیابان لوت برای گردشگران ایرانی و خارجی

آخرین مدرک تحصیلی

کارشناس مکانیک

مدارک تخصصی و فنی

_کارت راهنمای طبیعت گردی میراث فرهنگی
_کارآموزی کوهپیمایی، سنگ نوردی، غارنوردی، یخ و برف فدراسیون کوهنوردی

توانایی ها و مهارت های فردی

مجری و راهنمای سفرهای ماجراجویانه در مناطق بکر

رشته ورزشی تخصصی

کوهنوردی

زبان های تخصصی خارجی و محلی
انگلیسی و کمی آلمانی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی

و خارجی انجام شده تاکنون
خارجی: آلمان، فرانسه، چک، امارات، ارمنستان
داخلی: اکثر سایت های تاریخی و فرهنگی ایران، قلل بالای ۴۰۰۰ متر ایران، بیابان های ایران

سایر توضیحات

تخصص من اجرای تور با خودروهای مجهز دو دیفرانسیل در حوزه بیابان لوت می باشد.



سحر مطیعان

۲۸ ساله

سوابق شغلی
۵ سال مجری تورهای طبیعت گردی

حوزه تخصصی

طبیعت گردی، بکرگردی، پیمایش های طولانی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه

مسلط به زیست شناسی، فرهنگ مناطق مختلف، جانورشناسی، میکروپ شناسی و...

آخرین مدرک تحصیلی

کارشناسی ارشد زیست شناسی

مدارک تخصصی و فنی

دوچرخه سواری، کوهنوردی، پزشکی کوهستان، استقرار و بقا در طبیعت

توانایی ها و مهارت های فردی

روابط اجتماعی بالا، مدیریت بحران

رشته ورزشی تخصصی

دوچرخه سواری، TRX، اسلک لاین، یوگا

زبان های تخصصی خارجی و محلی
مسلط به زبان انگلیسی، آلمانی و در حال یادگیری ترکی استانبولی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی

و خارجی انجام شده تاکنون
تمامی مناطق طبیعت گردی شمال ایران اعم از مازندران، گیلان و گلستان
جنوب اعم از قشم، هرمز، اصفهان، شیراز، یزد



سعید ایوبی

۳۹ ساله

سوابق شغلی
_راهنمای تورهای ورودی خارجی و ایرانگردی بصورت مداوم از سال ۸۷ تا الان
_راهنمای تورهای ورودی با ملیت های مختلف انگلیسی زبان و استانبولی زبان
_راهنمای تورهای ایرانگردی به مقاصد مختلف در ایران بصورت مداوم

محدوده و مقصد سفرهای داخلی

و خارجی انجام شده تاکنون
_راهنمای تور در کشور مراکش در سال ۹۵
_راهنمای تور در کشور مالزی در سال ۹۶
_دستیار آموزشی تور اروپا (فرانسه، ایتالیا، آلمان و لوکزامبورگ) در سال ۹۷

حوزه تخصصی

_تورهای ورودی
_تورهای خروجی و ایرانگردی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه

۱۲ سال مداوم

آخرین مدرک تحصیلی
لیسانس زبان انگلیسی

مدارک تخصصی و فنی

_کارت راهنمای گردشگری دو زبانه (استانبولی و انگلیسی)
_اخذ مدرک H.O.T (مهارت افزایی راهنمایان گردشگری) از فدراسیون جهانی راهنمایان گردشگری
_دبلیوم زبان ترکی استانبولی از دانشگاه آنکارا

توانایی ها و مهارت های فردی

_مسلط بر اصول مستند نگاری، عکاسی و فیلمبرداری
_تسلط کافی بر شبکه های مجازی

رشته ورزشی تخصصی

کوهنوردی و دوچرخه سواری

سایر توضیحات مورد نیاز مهم

_دارای ارتباطات گسترده داخلی و خارجی در زمینه گردشگری
_تجربه ای ۱۲ ساله در تورگردانی
_روحیه تیمی بسیار بالا

زبان های تخصصی خارجی و محلی
فارسی، ترکی آذری، ترکی استانبولی و انگلیسی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی

و خارجی انجام شده تاکنون
خارجی:
_کشور ترکیه (شهرهای وان، آنکارا، کاپادوکیا، قونیه، استانبول، آنتالیا، ازمیر، آلانیا، مارماریس، کوش آداسی و چشمه)
_کشور مراکش (شهر مراکش، صویرا، رباط، آگادیر و کازابلانکا)
_اروپا (پاریس فرانسه، میلان و ونیز ایتالیا، لوکزامبورگ و فرانکفورت آلمان)
_مالزی (کوالالامپور، پورت دیکسون، لنکاو، ملاکا و ایپوه) داخلی
اجرای تورهای ایرانگرد در مسیرها و استانهای مختلف (بجز استانهای بوشهر، کهگیلویه و بویر احمد، گلستان، چهار محال و بختیاری، ایلام و خراسان شمالی)

اینستاگرام: yol_bir

ایمیل: Saeid.ayyoubi@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۴۳۴۷۶۹۰۴



صدف کبیری مقدم

۳۱ ساله

سوابق شغلی
۱۰ سال سابقه به عنوان تور لیدر انگلیسی زبان در داخل و خارج از ایران

حوزه تخصصی

تور لیدر انگلیسی زبان

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه

۱۰ سال

آخرین مدرک تحصیلی
لیسانس

محدوده و مقصد سفرهای داخلی

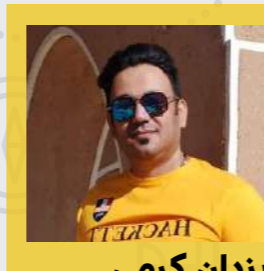
و خارجی انجام شده تاکنون
خارجی: روسیه، صربستان، گرجستان، ارمنستان، ترکیه، هند
داخلی: یزد، کرمان، کاشان، لرستان، جنگل ابر،

کانی برازان، زنجان، تبریز، بندر ترکمن، اهواز، آبادان، کویر مصر، کویر مرنجاب، کویر لوت، همدان، کرمانشاه، صحنه، طالقان، شهرستانک، بناب، اصفهان، گنبد و ...

اینستاگرام: sadaf_kabiri_moghaddam

ایمیل: sadaf_kabiri_moghaddam@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۰۱۵۷۵۵۰۲۵



یزدان کریمی

۳۸ ساله

سوابق شغلی
_مدرس زبان به مدت هشت سال
_کارمند دارالترجمه

حوزه تخصصی

راهنمای گردشگری

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه

۳ سال

آخرین مدرک تحصیلی
لیسانس مترجمی زبان انگلیسی

مدارک تخصصی و فنی

مدیر فنی و TTC

رشته ورزشی تخصصی

تکواندو

زبان های تخصصی خارجی و محلی
انگلیسی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی

و خارجی انجام شده تاکنون
مقاصد داخلی

سایر توضیحات مورد نیاز مهم

عاشق سفر و موزیک

اینستاگرام: safirgardshegari

ایمیل: yazdan.karami27@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۲۲۵۶۷۶۹۹
۰۹۳۷۷۷۷۸۹۷۹

اینستاگرام: saharmotian

ایمیل: Saharmotian@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۲۸۶۱۸۱۳۸



محاسن میرزاده

۳۳ ساله

سوابق شغلی

_باستان شناس
_همکاری با آژانس‌های دالاهو، مارکوپولو، آرادگشت، حامی گشت (سفرهای ریل گردی)
_تولید محتوا در زمینه تهرانگردی با شهرداری تهران
_راهنمای فرهنگی

حوزه تخصصی

_راهنمای فرهنگی
_تهرانگردی
_راهنمای موزه ملی ایران
_تولید محتوادر زمینه گردشگری
_باستان شناس

آخرین مدرک تحصیلی

کارشناس باستان شناسی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه

۶ سال با عنوان راهنمای فرهنگی و طبیعتگردی
۲سال راهنمای موزه
۱/۵سال در زمینه تولیدمحتوا
۲ سال باستان شناسی

توانایی ها و مهارت های فردی

مسلط به مسائل باستان شناسی در سایت های تاریخی و پیش از تاریخی
_فن بیان بسیار قوی
_اطلاعات کافی
_ارتباط عمومی قوی
_پرتکاپو

مدارک تخصصی و فنی

_کارت راهنمای فرهنگی
_دوره میهمان‌نوازی در گردشگری

زبان های تخصصی خارجی و محلی

انگلیسی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی

و خارجی انجام شده تاکنون
داخلی: گیلان، مازندران، کردستان، تهران، اصفهان، کرمان و بیشترشهرهای ایران
خارجی: بیروت



بهنام صفایی

۳۵ ساله

سوابق شغلی

_راهنمای گردشگری
_تاریخی-فرهنگی و طبیعت گردی به مدت ۱۷ سال
_مدرس زبان انگلیسی دانشگاه به مدت ۱۰ سال
_مدرس پیانو ایرانی به مدت ۱۶ سال
_پذیرشگر هتل ۵ ستاره پارس به مدت ۳/۵ سال

حوزه تخصصی

گردشگری، زبان انگلیسی، موسیقی

آخرین مدرک تحصیلی

کارشناسی ارشد

توانایی ها و مهارت های فردی

_راهنمای گردشگری
_مدرس زبان انگلیسی
_مدرس موسیقی
_پذیرشگر و صندوقدار هتل

رشته ورزشی تخصصی

پیاپیاده روی

مدارک تخصصی و فنی

_راهنمای تور تاریخی-فرهنگی
_راهنمای تور طبیعت گردی
_دوره تربیت مدرس دانشگاه های علمی و کاربردی
_دوره فرانت آفیس، آیلتس، تافل

زبان های تخصصی خارجی و محلی

انگلیسی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون

داخلی: تمام ایران
خارجی: ارمنستان، ترکیه، مالزی، تایلند، دبی

سایر توضیحات مورد نیاز مهم

_مترجم کتاب راه یافته به جشنواره بین المللی
_۲ سال برگزیده شده به عنوان راهنمای برتر استان کرمان

شماره تماس: ۰۹۱۳۶۱۸۱۸۵۶ ایمیل: behsafaei@yahoo.com اینستاگرام: behsafaei سایت: kermancheaptours.website2.me



مهدی کمالی روستا

۴۰ ساله

سوابق شغلی

کارمند

حوزه تخصصی

فنی، طبیعت گردی، کوهنوردی، پرندهنگری، دوچرخه

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه

۲۰سال

آخرین مدرک تحصیلی

کارشناسی ارشد

رشته ورزشی تخصصی

کوهنوردی، دوچرخه کوهستان

زبان های تخصصی خارجی و محلی

انگلیسی



فرزاد تک روستا

۳۲ ساله

حوزه تخصصی

طبیعتگردی، گردشگری، سایکل توریست

آخرین مدرک تحصیلی

دکتری

توانایی ها و مهارت های فردی

بقا در طبیعت

رشته ورزشی تخصصی

دوچرخه سواری، پاراگلایدر، کوهنوردی

زبان های تخصصی خارجی و محلی

انگلیسی، ترکی استانبولی، رومانیایی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون

داخلی: بسیاری از شهرهای ایران
خارجی: بخشی از کشور های آسیایی و شرق اروپا

شماره تماس: ۰۹۱۲۹۲۴۶۸۱۰ ایمیل: mkr1rkm@yahoo.com اینستاگرام: mahdikamali_r سایت: Taktrips



حمید علی اصغری

۲۸ ساله

سوابق شغلی

۵ سال سابقه برگزاری تورهای طبیعتگردی و ایرانگردی

حوزه تخصصی

طبیعتگردی، جنگل پیمایی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه

۵ سال برگزاری سفرهای طبیعتگردی در همه ایران

آخرین مدرک تحصیلی

فوق لیسانس مدیریت شهری دانشگاه تهران

رشته ورزشی تخصصی

کوه نوردی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون

همه استان های ایران به جز خراسان شمالی، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد



رضا بصری

۳۵ ساله

سوابق شغلی

فعالیت در زمینه گردشگری شامل برگزاری تورهای ورودی، خروجی، داخلی، طبیعت، کمپینگ و ...

حوزه تخصصی

کارت لیدری فرهنگی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه

۱۰ تا ۱۳ سال

آخرین مدرک تحصیلی

کارشناسی

مدارک تخصصی و فنی

دارای مدارک حرفه ای مربیگری در رشته رزمی

رشته ورزشی تخصصی

رزمی ووشو، کیک بوکسینگ

زبان های تخصصی خارجی و محلی

عربی و کمی انگلیسی

شماره تماس: ۰۹۱۹۵۰۸۵۲۸۸ ایمیل: reza_1tor اینستاگرام: reza_1tor

شماره تماس: ۰۹۱۹۴۱۵۸۵۲۵ ایمیل: Hamidazad72@gmail.com اینستاگرام: hamid_aliashgari



مجید رشیدی

۳۴ ساله

سوابق شغلی

کنترل کیفی شرکت ماشین سازی اراک
راهنمای گردشگری شرکت های حامی گشت دورود، ریل گشت دورود، آفتاب طلایی اراک، آیلار گشت اراک، آمیهان اراک

حوزه تخصصی

فرهنگی، طبیعت گردی، قطار گردشگری

آخرین مدرک تحصیلی

کارشناسی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه ۵ سال

توانایی ها و مهارت های فردی

اجرای تورهای فرهنگی و طبیعت گردی
اجرای تورهای قطار گردشگری برگزار کننده دوره های مرتبط با گردشگری

مدارک تخصصی و فنی

راهنمای گردشگری فرهنگی
راهنمای گردشگری طبیعت
بلد محلی لرستان
مدرک پیشرفته یخ و برف کوهستان
کارآموزی سنگ نوردی و کوهپیمایی
نجات فنی و بهمن شناسی

رشته ورزشی تخصصی

کوهنوردی، فوتسال

محدوده و مقصد سفرهای داخلی

و خارجی انجام شده تاکنون
داخلی: استان های مرکزی، لرستان، خوزستان، همدان، تهران، البرز، گیلان، مازندران، گلستان، سمنان، اصفهان، شیراز، کرمان، یزد، هرمزگان، آذربایجان، کرمانشاه، قزوین، زنجان، اردبیل



مرتضی زیدی

۳۷ ساله

سوابق شغلی

لیدر ثابت بناهای تاریخی میراث فرهنگی کاشان
مجری پروژه های ایام نوروز میراث فرهنگی با عنوان کاشانگردی به مدت ۵ سال
اجرای تورهای کاشان و کویرمرنجاب و اطراف کاشان به مدت ۸ سال
اجرای تورهای طبیعت گردی به شمال، جنوب و غرب کشور
کانتر آژانس مسافرتی و گردشگری تورهای داخلی

حوزه تخصصی

کاشان، کویر مرنجاب، سیازگه، ایبانه

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه ۱۰ سال فعالیت درحیطه گردشگری

آخرین مدرک تحصیلی

کارشناسی مدیریت گردشگری

زبان های تخصصی خارجی و محلی فارسی

مدارک تخصصی و فنی

راهنمای اکوتوریسم
طبیعت گردی
راهنمای موزه
راهنمای طبیعت گردی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی

و خارجی انجام شده تاکنون
کیش، قشم، تمام نقاط شمال کشور، کردستان، همدان، اصفهان، شیراز، تهران

اینستاگرام: kashanhistory-leader

ایمیل: mortezazeidi411@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۳۴۱۲۰۰۷



سحر رستمی

۴۴ ساله

حوزه تخصصی

مدرس زبان انگلیسی
هتلداری

حوزه تخصصی

راهنمای فرهنگی-تاریخی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه

۱۰ سال هتلداری

۵ سال راهنما

آخرین مدرک تحصیلی

کارشناسی

زبان های تخصصی خارجی و محلی

انگلیسی، ترکی استانبولی، فارسی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی

و خارجی انجام شده تاکنون
داخلی: مسیرکلاسیک، کویر های مصر، مرنجاب، ابوزید آباد، کاراکال یزد، بیشتر مناطق تبریز، شمال، تمام مناطق زنجان



انیس حنصی سواری

۲۹ ساله

حوزه تخصصی

مدرس زبان انگلیسی
راهنمای گردشگری

حوزه تخصصی

راهنمای گردشگری

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه

۳ سال

آخرین مدرک تحصیلی

لیسانس

توانایی ها و مهارت های فردی

مسلط به چهار زبان زنده دنیا

زبان های تخصصی خارجی و محلی

عربی، انگلیسی، فارسی، تا حدودی زبان ترکی استانبولی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی

و خارجی انجام شده تاکنون
خارجی: عمان
داخلی: تهران، شمال، اصفهان، شهرکرد، یاسوج، چابهار، شیراز، اراک، مشهد، خرم آباد، بهبهان

اینستاگرام: anis_hensi_sauri

ایمیل: hensisawarianis@yahoo.com

شماره تماس: ۰۹۳۰۷۱۴۰۶۳۲



فرشته نجفی

۳۲ ساله

سوابق شغلی

بازرس انجمن راهنمایان گردشگری استان زنجان
راهنمای ارگ سلطانیه
راهنمای تورهای ایرانگردی
سرپرست و سرلیدر تورهای ریلی

حوزه تخصصی

فرهنگی-تاریخی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه

۶ سال سابقه

آخرین مدرک تحصیلی

کارشناسی تاریخ

زبان های تخصصی خارجی و محلی

ترکی، انگلیسی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی

و خارجی انجام شده تاکنون
سفرهای خارجی نداشتم
اما سفرهای داخلی زیادی داشتم



میترا ملاعلی

۳۵ ساله

سوابق شغلی

ورود به حوزه گردشگری از سال ۹۷ به صورت جدی و برگزاری تورهای تهران گردی و طبیعت گردی
فعالیت در زمینه کودک به صورت مقطعی

حوزه تخصصی

طبیعت و کودک

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه

از سال ۹۷

آخرین مدرک تحصیلی

کارشناسی ارشد

مدارک تخصصی و فنی

روانشناسی ورزش

توانایی ها و مهارت های فردی

فن بیان مناسب، مدیریت و رهبری، اشتیاق به یادگیری، تعهد نسبت به کار، مهارت مدیریت هیجان، داشتن خلاقیت، برنامه ریزی و تعیین هدف، مهارت تصمیم گیری

رشته ورزشی تخصصی

اسکیت، بدنسازی

زبان های تخصصی خارجی و محلی

انگلیسی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی

و خارجی انجام شده تاکنون
کرمانشاه، یزد، شمال سمت مازندران، بوشهر، شیراز

سایر توضیحات مورد نیاز و مهم

اولویت و هدفم با توجه به علاقه ای که به طبیعت، کودک و ورزش دارم اجرای تلفیقی از گردشگری، کودک و ورزش در طبیعت می باشد.

اینستاگرام: mitra-m90

ایمیل: mitramolaali@yahoo.com

شماره تماس: ۰۹۱۹۴۸۲۴۴۰۱

اینستاگرام: najafi_fereshteh7

ایمیل: najafif218@gmail.com

شماره تماس: ۰۹۱۹۶۷۵۶۵۸۵



محمدامین نصری

۲۷ ساله

حوزه تخصصی
_تورهای ورودی از میدا چین
_تورهای طبیعت گردی مقاصد خاص
_آشپزی در طبیعت

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
_۵ سال سابقه فعالیت در حوزه گردشگری
_۱ سال تورلیدر رسمی

آخرین مدرک تحصیلی
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت جهانگردی دانشگاه تهران

مدارک تخصصی و فنی
مدرک HSK4 زبان چینی

زبان های تخصصی خارجی و محلی
چینی، انگلیسی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون
مسیر کلاسیک، جزایر جنوبی، کویر

شماره تماس: ۰۹۳۶۲۵۲۲۵۰۸

ایمیل: amin.nasri1994@yahoo.com

اینستاگرام: amin.nasrii



لیلا صبغی سادیانی

۳۸ ساله

سوابق شغلی
_مترجم
_راهنمای تور
_مدیر داخلی هتل مهینستان
_راهب کاشان
_راهنما راننده لیلون

حوزه تخصصی
ایرانگردی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
_۲۰ سال سابقه تور لیدری
_راهنمای محلی کاشان و
_راهنمای ایرانگردی جهانگردی

آخرین مدرک تحصیلی
لیسانس مترجمی زبان انگلیسی

توانایی ها و مهارت های فردی
_برگزاری تورهای متنوع ادبی و باستانی
_پاراتور و گردشگری سلامت، گردشگری غذا و گردشگری مذهبی

زبان های تخصصی خارجی و محلی
مسلط به زبان انگلیسی و آشنا به فرانسه

مدارک تخصصی و فنی
تورلیدر بین المللی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون
داخلی: سفرهای ایرانگردی خارجی: سوریه، ترکیه، عراق، مکه و هند

سایر توضیحات مورد نیاز و مهم
_از سال ۲۰۰۸ تا کنون راهنمای بین المللی معرفی شده در کتاب راهنمای سفر lonrlyplanet، راهنمای معرفی در کتاب آلمانی peterkerber

شماره تماس: ۰۹۱۳۲۶۰۸۸۳۹

ایمیل: sabbaghil@yahoo.com

اینستاگرام: kashan_tour_leili



محبوبه کرمانی

۴۵ ساله

سوابق شغلی
_۸ سال سابقه تور گردانی، تهران گردی، ایران گردی، طبیعت گردی

حوزه تخصصی
مجری تور ایران گردی، تهران گردی و طبیعت گردی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
_۸ سال سابقه تورلیدری
_برگزاری برنامه های طبیعت گردی

مدارک تخصصی و فنی
_دوره های tiketing از هوا پیمایی کشوری و ایران ایر
_مدرک مدیر فنی بند ب از میراث فرهنگی و گردشگری

توانایی ها و مهارت های فنی
کوه پیمایی

زبان های تخصصی خارجی و محلی
انگلیسی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون
تهران، قم، اصفهان، سمنان، یزد، کاشان، قشم

شماره تماس: ۰۹۱۲۵۴۲۳۰۶

ایمیل: krmanymhbwbh@gmail.com

اینستاگرام: arzan_tour



بهنام مملوکی

۵۵ ساله

سوابق شغلی
_رئیس بانک به مدت ۱۰ سال
_کارشناس ارشد بانکی به مدت ۱۰ سال

_۳ دوره مترجم در نمایشگاه بین المللی GTIEX

حوزه تخصصی
گردشگری، هنری، فرهنگی و تاریخی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
_۲ سال فعالیت به عنوان تور لیدر
_همکاری با دو آژانس هواپیمایی

آخرین مدرک تحصیلی
_لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی

_فوق لیسانس انگلیسی (Teaching)
_کارشناسی ارشد مدیریت دولتی (معادل)
_مهندسی شبکه MCSE (ناتمام)

رشته ورزشی تخصصی
_کوهنوردی به مدت ۱۲ سال (نیمه حرفه ای)

_تکواندو به مدت ۲ سال
_ژیمناستیک به مدت ۸ سال، مربی ژیمناستیک به مدت ۵ سال

زبان های تخصصی خارجی و محلی
گیلکی، ترکی آذربایجانی، ترکی استانبولی، انگلیسی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون
داخلی: بیشتر شهرهای ایران، در شهرهای بيله سوار، اهواز، فومن، رشت، انزلی، زنجان، اهر، اردبیل و کرج نزدیک به یکسال بوده ام.
خارجی: فرانسه، آلمان، هلند، بلژیک، ترکیه، دوبی

شماره تماس: ۰۹۱۲۲۶۳۵۰۱۴

ایمیل: Behnam.mamlooqi@gmail.com

اینستاگرام: Behnam.behnam.m



مجتبی هداوند

۵۵ ساله

سوابق شغلی
_پرستار بیمارستان نیروی هوایی
_مسئول درمانگاه شرکت صنایع فروآلیاژ
_راهنما گردشگری

آخرین مدرک تحصیلی
کارشناسی مدیریت جهانگردی

توانایی ها و مهارت های فردی
روابط عمومی، عکاسی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
_۲۵ سال پرستاری
_۹ سال راهنمای گردشگری

حوزه تخصصی
پرستاری، کمک های اولیه، عکاسی، روابط عمومی

زبان های تخصصی خارجی و محلی
انگلیسی، لری

مدارک تخصصی و فنی
حسابداری، کشتکار گلخانه، کاربر رایانه، مدیریت بحران

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون
داخلی: اکثر استانهای ایران، خارجی: تاجیکستان، مالزی، نخجوان، وان، گرجستان، دوبی

شماره تماس: ۰۹۳۳۸۴۰۷۴۲۰

ایمیل: Hadavand.tourleader@yahoo.com

اینستاگرام: modjtabahadavand

سایت: www.tripeasy.ir



ربرت شمیان

۳۸ ساله

سوابق شغلی
دبیر مترجم راهنما

حوزه تخصصی
راهنمای سایت های کلیمیان

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
۶ سال

آخرین مدرک تحصیلی
ارشد آموزش زبان انگلیسی

مدارک تخصصی و فنی
گواهی پایان دوره تورلیدری در اصفهان

توانایی ها و مهارت های فردی
نویسندگی، ترجمه، صنایع دستی چوب

رشته ورزشی تخصصی
بسکتبال

زبان های تخصصی خارجی و محلی
انگلیسی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون
کاشان، شیراز، یزد

شماره تماس: ۰۹۱۳۷۹۹۵۳۴۶

ایمیل: robertshemian@gmail.com



نیما ارشادی

۳۵ ساله

سوابق شغلی
 _مدرس زبان انگلیسی در حدود ۱۷ سال
 _مدرس زبان انگلیسی تخصصی راهنمایان و مدیران فنی
 _ممتحن مصاحبه کننده زبان انگلیسی راهنمایان و مدیران فنی
 _مترجم فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران
 _راهنمای گردشگری تخصصی تورهای ورودی (آژانسهای ارگ جدید، سفرهای علاالدین، آیتو، سروینه پرواز، هفت سپهر)

حوزه تخصصی
 تورهای ورودی تاریخی-فرهنگی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
 بیش از ۵ سال

آخرین مدرک تحصیلی
 کارشناس مترجمی زبان انگلیسی

مدارک تخصصی و فنی
 دوره های مختلف ایران شناسی، تهران شناسی، موزه شناسی، دوره H.O.T

توانایی ها و مهارت های فنی
 روابط عمومی بالا، مهارتهای زبانی بالا، متعهد، وقت شناس، تحلیل گر

رشته ورزشی تخصصی
 فوتبال

زبان های تخصصی خارجی و محلی
 زبان انگلیسی (عالی)، زبان آلمانی (متوسط)، زبان کردی چهاردولی و ترکی آذری (در حد آشنایی)

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون
 داخلی: سراسر ایران
 خارجی: ارمنستان

شماره تماس: ۰۹۱۹۱۸۱۶۲۰۶ ایمیل: nima.ershady@gmail.com اینستاگرام: nimasweden



سهند سعیدی

۳۹ ساله

سوابق شغلی
 _باستان شناس
 _راهنمای گردشگری
 _عکاس

حوزه تخصصی
 تاریخی و فرهنگی

مدارک تخصصی و فنی
 _راهنمای گردشگری بین المللی
 _کارشناس ارشد باستان شناسی
 _عکاسی

توانایی ها و مهارت های فنی
 عکاسی، نقشه خوانی، دوره های مقدماتی کوهنوردی

آخرین مدرک تحصیلی
 کارشناسی ارشد باستان شناسی

زبان های تخصصی خارجی و محلی
 انگلیسی و آذری

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون
 داخلی: تمام مسیرهای گردشگری ایران
 خارجی: آلمان، اتریش

رشته ورزشی تخصصی
 دان یک و مربی کاراته، یوگا، دوچرخه سواری

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
 _۵ سال فعالیت گردشگری
 _۱۸ سال فعالیت باستان شناسی در سرتاسر ایران

شماره تماس: ۰۹۱۳۸۹۸۷۹۱۸ ایمیل: saeidisahand@gmail.com اینستاگرام: sahand.saeidi



غزال بنی صدر

۳۲ ساله

سوابق شغلی
 _مدیر داخلی شرکت انفورماتیک
 _کارشناس برنامه ریزی شرکت توسعه فراگیر نیک رای
 _زیرمجموعه شرکت فراب

آخرین مدرک تحصیلی
 کارشناسی

رشته ورزشی تخصصی
 شنا، فیتنس

مدارک تخصصی و فنی
 _دارای کارت تورلیدری از سازمان میراث
 _مدرک هوانوردی از مرکز آموزش خلبانی کیش ایر

توانایی ها و مهارت های فنی
 گزارشگری، مجری گری، تورلیدری، مدیر اجرایی

زبان های تخصصی خارجی و محلی
 انگلیسی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون
 خارجی: روسیه، ترکیه، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان

شماره تماس: ۰۹۳۶۰۰۴۴۰۵ ایمیل: ghazalworldwide@gmail.com اینستاگرام: ghazal.banisadr



فرزانه سادات هاشمی

۳۵ ساله

سوابق شغلی
 تدریس، ترجمه، تور لیدر
 _مدرس ملی فدراسیون جهانی راهنمایان گردشگری
 _مدرس زبان انگلیسی
 _آشنا به زبان آلمانی
 _دانشجوی زبان فرانسه
 _عضو انجمن صنفی راهنمایان گردشگری

حوزه تخصصی
 توریست گاید، مدرس ملی Wftga، مدرس زبان

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
 شروع فعالیت گردشگری و راهنمای زبان انگلیسی از سال ۱۳۸۵

سایر توضیحات مورد نیاز و مهم
 _تالیف: ساختار سازمانی و عملکرد صادراتی
 _مقالات: مدیریت و تکنولوژی برای پنجمین کنفرانس بین المللی مدیریت در کشور روسیه (۲۰۱۶)
 _ساختارهای سازمانی برای سومین کنفرانس بین المللی علوم و مهندسی در کشور ترکیه (۲۰۱۶)
 _ترجمه کتبی و شفاهی
 _عضو گروه مترجمان اولین جشنواره بین المللی فرش کاشان
 _ترجمه فیلم مستند هجده درصد و مستند خانه سنگی برای جشنواره های بین المللی

آخرین مدرک تحصیلی
 کارشناسی ارشد بین المللی

مدارک تخصصی و فنی
 _مدرک H.O.T سازمان جهانی گردشگری WFTGA
 _مدرک T.T.T سازمان جهانی گردشگری WFTGA
 _کارت راهنمای ایرانگردی
 _جهانگردی زبان انگلیسی
 _کارت راهنمای عمومی از سازمان فنی و حرفه ای
 _کارت راهنمای گردشگری شهرداری
 _گواهی بین المللی مدیریت هتل
 _در حال اتمام دوره تدریس بین المللی Tefl

توانایی ها و مهارت های فنی
 روابط عمومی بالا، آشنا با زبان فرانسه و آلمانی، کار با کامپیوتر و اینترنت

رشته ورزشی تخصصی
 دوچرخه سواری اما نه بسیار تخصصی

زبان های تخصصی خارجی و محلی
 انگلیسی، فارسی، آلمانی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون
 داخلی: اکثر شهرهای ایران
 خارجی: اکثر شهرهای توریستی و تاریخی کشور ترکیه، هند، مالزی، عراق

شماره تماس: ۰۹۱۳۸۹۸۷۹۱۸ ایمیل: Hashemy1985@gmail.com اینستاگرام: farzaneh_hashemy__ سایت: Farzanehashemi.ir



اکبر توحیدی

۲۹ ساله

سوابق شغلی
 _مدیر فروش بیمه ما و پاسارگاد
 _مدیر فروش و بازاریابی شرکت قطعات خودرو
 _مشاور گردشگری روستایی شهر کوهبنان، رفسنجان، کرمان، بستان آباد، اصفهان و ...
 _مشاور تخصصی اقامتگاه های سنتی و بوتیک هتل های کشور

حوزه تخصصی
 گردشگری و هتلداری

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
 ۴ سال تخصصی

آخرین مدرک تحصیلی
 کارشناسی ارشد مدیریت گردشگری

مدارک تخصصی و فنی
 _کوچینگ از آلمان
 _NLP

رشته ورزشی تخصصی
 تنیس

زبان های تخصصی خارجی و محلی
 انگلیسی و آذری

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون
 داخلی: تمام شهرهای ایران
 خارجی: تایلند، عراق، ترکیه، عربستان

شماره تماس: ۰۹۱۲۰۷۱۷۰۶۷ ایمیل: Akbartohidirajol@gmail.com اینستاگرام: Safarbama سایت: Www.safarbama.org



امیر ارغوان
ساله ۳۲

سوابق شغلی
_مهندس معمار
_همکاری با گروه هور تور
_برگزاری تورهای طبیعت گردی و کوهنوردی

حوزه تخصصی
_حوزه جنوب کشور
_طبیعت و تاریخ استان فارس

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
_۴ سال تجربه برگزاری تور
_طبیعت و دوستانه
_یک سال تجربه تور تاریخی

آخرین مدرک تحصیلی
_لیسانس معماری
_دانشجوی ارشد مدیریت
_جهانگردی دانشگاه شیراز

مدارک تخصصی و فنی
_مدرک کوه پیمایی و غار
_پیمایی و دره پیمایی مقدماتی
_لیدر رسمی ایرانگردی
_لیدر طبیعت گردی

رشته ورزشی تخصصی
_کوه نوردی
_دره نوردی
_سایکل توریست

زبان های تخصصی خارجی و محلی
_انگلیسی
_گویش مردم جنوب

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون
_داخلی: تقریباً کلیه استان‌ها
_خارجی: قطر، امارات، مالزی، ترکیه

ایمیل: mehraz_amir@yahoo.com شماره تماس: ۰۹۳۷۰۷۶۱۰۴۳ اینستاگرام: amirarghavan1988



امیدرزاق نژاد
ساله ۲۹

سوابق شغلی
مدیر فروش و روابط عمومی
مجموعه های LC Waikiki پیک
برتر استان
کارگردان، نویسنده و بازیگر
تئاتر و فیلم
لیدر و مدیر تورهای طبیعتگردی

حوزه تخصصی
طبیعتگردی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
۱۱سال، از سال ۸۸

آخرین مدرک تحصیلی
دیپلم (انصراف از دانشگاه)

توانایی ها و مهارت های فردی
دوره بقا در طبیعت
دوره شرایط سخت
دوره رفتار شناسی حیوانات وحشی

رشته ورزشی تخصصی
دارای دان ۱ رشته نین جوتسو و مربی سبک

زبان های تخصصی خارجی و محلی
ترکی آذری

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون
داخلی: کویرکاراگال، کویر مصر، کویر ابوزید، کویر مرنجاب، اکثر شهرهای دارای جنگل آزاد و طبیعت های بکر

ایمیل: Saran.ninja@yahoo.com شماره تماس: ۰۹۱۹۲۶۲۷۰۱۴ اینستاگرام: omidrazaghezhad maya_tourism_group



معمومه السادات میرعلی
ساله ۳۷
نام مستعار: سمانه

سوابق شغلی
_راهنمای تور (۱۳۸۴ تاکنون)
_مدرس زبان انگلیسی (۱۳۸۵-۱۳۸۸)
_مسئول بازرگانی خارجی
_شرکت آبکام یزد (۱۳۸۴-۱۳۹۲)

حوزه تخصصی
تاریخی-فرهنگی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
_راهنمای تور تاریخی-فرهنگی
_بین المللی از سال ۱۳۸۴
_۴ سال فعالیت در زمینه طبیعت و تورهای داخلی

آخرین مدرک تحصیلی
_کارشناسی ارشد مدیریت
_گردشگری-برنامه ریزی توسعه
(دانشگاه شیخ بهایی اصفهان)

مدارک تخصصی و فنی
_دوره راهنمای تور بین المللی
_کارشناسی زبان و ادبیات
_انگلیسی از دانشگاه یزد
_دوره هات (توانمندی راهنمایان
_گردشگری) از موسسه خانه سفر
_دوره های مقدماتی کوهپیمایی،
_نقشه خوانی، امداد و نجات و
_محیط کوهستان از فدراسیون
_کوهنوردی

زبان های تخصصی خارجی و محلی
انگلیسی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون
_داخلی: تقریباً همه مسیرهای
_شناخته شده طبیعت گردی و
_کمپینگ و مسیرهای شناخته
_شده تاریخی-فرهنگی
_کشور(اصفهان، یزد، شیراز)
_خارجی: استانبول، دبی،
_هند(انفرادی)

لینکدین: samane mirsalimi تریپ ادوایزر: @475samane فیسبوک: samane.mirsalimi



کامیار بادیا
ساله ۲۷

سوابق شغلی
کارشناس ورزش شهرداری
تهران

حوزه تخصصی
_طبیعت گردی
_جنگل نوردی
_تورهای ورودی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
۱۸ سال

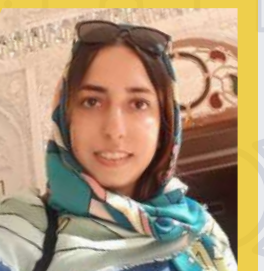
آخرین مدرک تحصیلی
_کارشناسی مدیریت گردشگری
_دانشجوی کارشناسی ارشد اکو
_توریسم دانشگاه شهید بهشتی

توانایی ها و مهارت های فردی
_نجاتگر هلال احمر
_مربیگری اسکواش
_مربیگری درجه ۳ اسکی آلپاین
_دوره های مرتبط با کوهستان
_بقا

رشته ورزشی تخصصی
_اسکی
_سنگ نوردی

زبان های تخصصی خارجی و محلی
انگلیسی

ایمیل: sartr@gmail.com شماره تماس: ۰۹۱۲۲۵۹۱۵۸ اینستاگرام: Kamyar.b1983 سایت: www.gardeshgar.org



مژگان حقیقی
ساله ۲۷

سوابق شغلی
_کارشناس دیجیتال مارکتینگ
_شرکت سفرهای علاالدین
_پذیرشگر و مسئول تشریفات
_هتل ملک التجار یزد
_سردبیر نشریه فارمگ
_راهنمای تورهای ورودی
_مترجم انجمن جهانی پزشکان
_صلح و سلامت

حوزه تخصصی
_راهنمای تورهای ایرانگردی
_انگلیسی و فرانسوی زبان

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
۳ سال سابقه راهنمای تور رسمی

آخرین مدرک تحصیلی
_کارشناسی ارشد مدیریت
_جهانگردی

مدارک تخصصی و فنی
_ترجمه
_تولید محتوا
_تدریس دروس دانشگاهی
_دیجیتال مارکتینگ

زبان های تخصصی خارجی و محلی
_انگلیسی
_فرانسوی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون
_یزد، خوزستان، تهران،
_مسیرکلاسیک

ایمیل: Mozghanht777@yahoo.com شماره تماس: ۰۹۳۰۰۹۵۹۳۴۹



میلاد قمری
ساله ۲۹
نام مستعار: میلاد
تویسرکانی

سوابق شغلی
آزاد؛ تجارت گردو و خشکبار

حوزه تخصصی
ورزشی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
۲۰سال

آخرین مدرک تحصیلی
_کارشناسی، دانشجوی دکتری

رشته ورزشی تخصصی
فوتسال

توانایی ها و مهارت های فردی
_درجه یک امدادگرهلال احمر،
_مدرک فوریت های پزشکی
_وکمک های اولیه
_پرورش قارچ دکمه ای
_پرورش زنبورعسل
_مدرک کاربرایانه ICD
_شناخت گیاهان دارویی
_درجه ملی داوری لیگ
_فوتسال کشور

زبان های تخصصی خارجی و محلی
_عربی
_لری
_در حال یادگیری زبان
_انگلیسی

رشته ورزشی تخصصی
فوتسال

محدوده و مقصد سفرهای داخلی و خارجی انجام شده تاکنون
_داخلی: اکثر شهرهای ایران
_خارجی: عراق، امارات
(دبی)

سایر توضیحات
_مدرک کاردانی کامپیوتر
_کارشناسی آموزش ابتدایی
_دانشجوی دکتری تربیت بدنی
_فرزند جانباز وآزاده دفاع
_مقدس

ایمیل: nimawwe.7@gmail.com شماره تماس: ۰۹۱۸۳۵۲۶۳۸۵ اینستاگرام: milad_ghamari92



سید غلامرضا نظری
۴۴ ساله
نام مستعار: رضا

سوابق شغلی
تعمیرکار اتومبیل

حوزه تخصصی
کوهنوردی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
۱۲ سال

آخرین مدرک تحصیلی
دیپلم

مدارک تخصصی و فنی
_مقدماتی سنگنوردی
_پزشکی کوهستان، نجات
_کوهستان، هواشناسی
_حفظ محیط زیست
_کوهپیمایی
_جی پی اس

توانایی ها و مهارت های فردی
قدرت بدنی و استقامت فردی بالا

رشته ورزشی تخصصی
کشتی و کوهنوردی

زبان های تخصصی خارجی و محلی
_انگلیسی
_ترکی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی
و خارجی انجام شده تاکنون
فقط عراق

شماره تماس: ۰۹۱۲۲۹۱۲۸۵۷

اینستاگرام: sedrezanazar64 ofogh.tehran

ایمیل: sadat.nazari@yahoo.com



علیرضا محمدپور
۴۰ ساله
نام مستعار: خشایار

سوابق شغلی
_مدیر کلینیک دندانپزشکی به
مدت ۲۰ سال
_برگزاری دو تور بیس کمپ
اورست در سال های ۹۵ و ۹۶
_دور آناپورنا در سال ۹۶
_شهرگردی و طبیعت گردی نپال
در سال ۹۶

حوزه تخصصی
طبیعت گردی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
۹ سال

آخرین مدرک تحصیلی
فوق لیسانس معماری

مدارک تخصصی و فنی
کار آموزی کوهپیمایی

توانایی ها و مهارت های فردی
_روابط عمومی بالا
_مدیریت گروه

رشته ورزشی تخصصی
دوچرخه سواری

زبان های تخصصی خارجی و محلی
_انگلیسی
_ترکی استانبولی

محدوده و مقصد سفرهای داخلی
و خارجی انجام شده تاکنون
_خارجی: نپال، ترکیه، تایلند،
گرجستان، امارات، ارمنستان

شماره تماس: ۰۹۱۲۲۶۲۳۴۸۷

ایمیل: Arch.mohamadpour@gmail.com



علی هاشمی
۴۰ ساله

سوابق شغلی
_آتش نشان، لیدر

حوزه تخصصی
طبیعت گردی، کوه نوردی،
دوچرخه کوهستان، شنا، امداد
و نجات

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
از سال ۹۰

آخرین مدرک تحصیلی
لیسانس مدیریت امداد در سوانج

مدارک تخصصی و فنی
_دوره های تخصصی کوه نوردی
_دوره بین المللی دسترسی با
طناب ایراتا

رشته ورزشی تخصصی
مربی کشتی، شنای آب های آزاد،
کوه نوردی

زبان های تخصصی خارجی و محلی
انگلیسی (ضعیف)

محدوده و مقصد سفرهای داخلی
و خارجی انجام شده تاکنون
بیشتر نقاط توریستی کشور،
رکاب زدن با دوچرخه در چند
مسیر همانند تهران تا شمال و
بوشهر تا بندر عباس

شماره تماس: ۰۹۱۲۲۵۸۳۵۴

اینستاگرام: alihashemi.59

ایمیل: fire59man@yahoo.com



مهیار میر طبری
۴۱ ساله

سوابق شغلی
برگزاری تور به مدت ۱۲ سال

حوزه تخصصی
_طبیعت گردی
_جنگل نوردی
_سنگ نوردی
_کوهنوردی
_دوچرخه سواری

آخرین مدرک تحصیلی
کارشناسی مدیریت و صنعت
گردشگری

مدارک تخصصی و فنی
_مدرس سنگنوردی
_مربی کوهنوردی
_مربیگری درجه ۳ دوچرخه
کوهستان
_عضو جامعه راهنمایان
کوهستان

رشته ورزشی تخصصی
_کوهنوردی
_سنگ نوردی، یخ و برف
_دوچرخه سواری کوهستان

زبان های تخصصی خارجی و محلی
انگلیسی

شماره تماس: ۰۹۱۲۴۳۹۸۱۴۱

ایمیل: mahyar.tayebi@gmail.com

اینستاگرام: Marco_sepideh



پوریا هاشمی
۲۹ ساله
نام مستعار: پدر پوریا.
لیدر پوریا

سوابق شغلی
۱۱ سال سابقه در برگزاری
سفرهای طبیعت گردی و کمپینگ
داخلی و خارجی (از سال ۸۸ تا
کنون)

حوزه تخصصی
فرهنگی-تاریخی، طبیعت گردی،
بقا در طبیعت، آشپزی در طبیعت

آخرین مدرک تحصیلی
کارشناسی مدیریت جهانگردی

توانایی ها و مهارت های فردی
ارتباط جمعی و رهبری گروه،
اطلاعات عمومی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه

_تور لیدر و برگزار کننده تورهای
داخلی و خارجی (از سال ۸۸)
_دارای چند مقاله در زمینه
توسعه صنعت گردشگری و
برنده جایزه هنر و توسعه
گردشگری از طرف سازمان
میراث فرهنگی، صنایع دستی و
گردشگری (وزارت گردشگری
فعلی)

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
_عضویت در انجمن صنفی
راهنمایان گردشگری (۹۰-۹۳)

زبان های تخصصی خارجی و محلی
انگلیسی

رشته ورزشی تخصصی
مقام دوم کشور در ورزش کنگفو
در ۱۹ سالگی

اینستاگرام: pouria.travel

شماره تماس: ۰۹۱۹۰۲۵۱۰۰۲



**علیرضا جعفری
بارانی**
۵۷ ساله

سوابق شغلی
بازنشسته تامین اجتماعی

حوزه تخصصی
_طبیعت گردی
_کوهنوردی
_تورهای داخلی

میزان و مقدار تجربه فعالیت در حوزه
۲۵ سال

آخرین مدرک تحصیلی
کارشناسی مدیریت بازرگانی

مدارک تخصصی و فنی
_مربی درجه ۳ کوهستان
سازمان امداد و نجات
_مربی درجه ۳ سنگنوردی
_کوهپیمایی و صعودهای
ورزشی از فدراسیون کوهنوردی
_دوره های پیشرفته برف و یخ و
جستجو و نجات

رشته ورزشی تخصصی
_کوهنوردی
_سنگنوردی

شماره تماس: ۰۹۱۴۳۴۷۸۷۳۴

ایمیل: jafarybaranu@yahoo.com

اینستاگرام: alireza9012

آموزش رفتارشناسی DISC

به صورت کاربردی

آنلاین و حضوری



حمید ندیمی

hamidnadimiinsta 

مشاور و مدرس مهارت های توسعه فردی



محمد اسماعیل ارجمند

official.me.arjmand 

مشاور و مدرس مهارت های ارتباطات فردی
مدیرمسئول مجله سفرنویسان

جهت ثبت نام در این دوره، کلمه DISC را به واتساپ ۹۱۲۸۳۳۶۶۹۷ ارسال نمایید.

للفتی صبا
 به طلب سواد
 کمر و دلا
 محموله و الا هو که در حصار
 حلال



www.safarnevisan.ir

